

4733
SIA

[illegible]

[illegible][illegible]

لَا تَدْخُلُ فِي الصَّلَاةِ وَأَنَا أُرِيدُ إِطْلَاقَهَا فَاسْمِعْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ

در حقیق داخل میوم درخاز درعا ایکه من قصد میکنم دراز کردن آن نماز را پس می شنوم گریه کنی که

فَأَجْوَزَ فِي صَلَاتِي مَا أَعْلَمُ مِنْ شَيْءٍ وَجَدْتُكُمْ مِنْ

پس کوتاہی میکنم در نماز بخود از آن سبب که می دانم از سختی اندوه مادر آن از

بَكَاهُ رَوَاهُ النَّجَاشِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي

گرمی طفل روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب الصلوة در

بَابُ مَنْ أَخَفَّ الصَّلَاةَ عِنْدَ بَكَاءِ الصَّبِيِّ وَعَنْ أَبِي

باب بیان سیکه خفیه گزارد ملازرا نزد گویه کودک و روایت است از

مَسْغُودٍ اَلْاَنْصَارِيَّ قَالَ قَالَ رَجُلٌ يَادَّ سُوْلَ اللّٰهِ اَكَادُ

ابن سعود انصاری کہ گفت گفت مردے پارسوں اللہ کے حکم سے

ادبرك الصلوة فما يطول بنا فلان فمما ريت النبي صلى
 الله عليه وسلم اذا لم يجد ماء فامسح بغيره

وہ کہہ رہے تھے کہ اگر وہ اس کی طرف سے کوئی جواب دے گا تو اس کی طرف سے کوئی جواب دے گا۔

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَوْعِظَةٍ أَشَدَّ غَضَبًا مِنْ يَوْمِئِذٍ

در پنج وقت بخورد و در آن سبزی خوردنی

فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا مَسِيرُؤُنْ مِنْ هَٰؤُلَاءِ بِالنَّاسِ حَقِيرٌ
 اِسْیَافِی گفست ای مردم هرگز اینها را به شما سپیدان سپید نیستند که از مردم این پادشاهان

[illegible]

فان يهيمه المريض والضعيف وذو الحاجة رواه البخاري
ليس بترغيب في رد مردم بهار نامه و ذكر در و صاحب حاجت روايت كرد اين حديث را

وَعَلَىٰ رَأْسِهِ تَهْتَزُّ زُقُرَّةٌ كَثِيرَةٌ يَصُدُّونَ بِهَا السَّيِّئَاتِ لَئِنْ رَأَوْا سَحَابًا مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ لَأَنْقَضُوا عَنْهُ عَلْتًا كَالْهَاجِلِ السَّيِّئَاتِ يَنْصَرِفُونَ

در صحیح بخاری در کتاب العلم در باب است از سعد که بر آئینه پیغمبر خدا

[illegible]

۱
 ۲
 ۳
 ۴
 ۵
 ۶
 ۷
 ۸
 ۹
 ۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible]

1-

له قد روى عنه عليه الصلاة
 والسلام يقول ان رايش اكثر
 من النمل لاكن ثمنه اكثر من النمل
 الجيد ومن الامس في حضور النساء
 فاحسن الوضوء وكنوا بغيره
 الفقه و قوله وادمن بالصدقة
 اي الشاغل بالدين اكثر من المال الدارلنا
 اولادنا من الاموال وادمن بالصدقة
 والصدقة جودها كانه
 ۱۲
 افضل جودها السر و قوله
 فقلت ان رايش اكثر من النمل
 وكون الاراضى مملوكة
 ليعايش بها من لا مال له
 من شئ من الارض و
 من الارض وادمن بالصدقة
 فاحسن الوضوء وكنوا بغيره
 الفقه و قوله وادمن بالصدقة
 اي الشاغل بالدين اكثر من المال الدارلنا
 اولادنا من الاموال وادمن بالصدقة
 والصدقة جودها كانه

اذ امكن لا سلام على الحقيقة من كتاب الايمان ورواه
 مال و غيره بنهاج اسلام بر حقیقت از جمله کتاب زلايمان وادمن کرد این حدیث
 مسلم في صحيحه في كتاب الزكاة وكن ابن عباس
 مسلم در صحيح مسلم در کتاب الزکاة وروایت است از ابن عباس
 ان النبي صلى الله عليه وسلم خرج ومعه بلال
 که هر آینه پیغمبر صلی الله علیه و سلم بیرون شد و همراه آن حضرت بلال بود
 فظن انه لم يسمع النساء فوعظهن وامرهن بالصدق
 پس گمان برد آنحضرت که نرسیده و بی شنیده زنان را و فرمود و ایشان را بر این حدیث
 فجعلت المرأة تافى القرط والخاتم وبلال باخذ
 پس گفت زن گریه و انداخت گوشواره و انگشتری را و بلال نگرفت
 في طرف ثوبيه وعن أبي سعيد الخدري قال قال
 در کراشه جامه خود وروایت است از ابی سعید خدری که گفت گفتند
 النساء للنبي صلى الله عليه وسلم غلبنا عليك
 زنان بر پیغمبر صلی الله علیه و سلم غالب شدند بر ما در استغاده از تو
 الرجال فاجعل لنا يومًا من نفسك فوعدهن
 مردان پس بگردان برای ما روزی از ذات خود پس وعده کرد آن زنان را
 يومًا ليقمن فيه فوعظهن وامرهن فكان فيما قال
 بود و منتهی که گویا روایت از مردان روزی پس بداد و فرمود و ایشان را پس بود و در حدیث دیگر
 لهن ما منكن امرأة تقدر بثلاثة من ولد هالكا
 برای ایشان نیست از شما زن که در پیش کند سه از سپهر آن خود

۱۲

۱۲

[illegible]

لَهُمْ فَضْلَةٌ عَلَيْهِ فَزَكَّاهُ وَلَا تَفْسُدْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ
ایشان را پس زکات از او گرفتند و بعد از آن ای بس اندک شد و دیگر از او بر هیچ یک از منافقان
مات ابد اولاً کفتم علی قبری رواه البخاری
کعبه و هرگز دلیلت بر گور و در روایت کابین روایت را بخاری در
صحیحهم فی کتاب الجنائز واللفظ کفتم رواه مسلم
صحیح بخاری در کتاب الجنائز و لفظ کفتم در روایت است و در بیان حدیث مسلم
مع تفسیر یسیر فی صحیحهم فی کتاب الفضائل و عن
بالتفسیر اندک در صحیح مسلم در کتاب الفضائل و روایت است از
جابر قال انی التی صلی الله علیه وسلم نزد عبدالله
بن ابی بعه ما دفن فاخرجته ففقت فیهم من رقیقه
بن اسلم پس آنکه اخذند نزد عبدالله بن اسلم و در هر یک از آن روایت کردی و این حدیث در صحیح بخاری
والیسة فزیمة رواه البخاری فی صحیحهم فی کتاب
و فی حدیث آنحضرت عبدالله بن ابی بعه روایت کردی خود روایت کردی حدیث بخاری در صحیح بخاری در کتاب
الجنائز و عن ابی هريرة قال جاء الطفیل بن عمرو
الجنائز و روایت است از ابی هریره که گفت آمد طفیل بن عمرو
الی التی صلی الله علیه وسلم پس گفت طفیل بن هریره فقیل و سلم
قد هلك عصمت و ابی فاذ غر الله علیه فقال
تجشع بلک شد تا فرما می کرد و آنرا کرد پس و آنرا از خدا برای مرغان پس آنکه آنحضرت

مطابق کتاب در طبابت در سہ ماہیہ

21

فِي بَابِ الدُّعَاءِ بِالْجِهَادِ وَالشَّهَادَةِ لِلرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
 در باب بیان دعا بجهاد و شهادت برماهی مردان و زنان
وَرَكْعَةً أَوْ دَوْدًا وَبِمَعْنَاهُ فِي سُنَّتِهِ فِي كِتَابِ الْجِهَادِ
 در روایت کرد این هر یک را بود دو رکعتی در سنن او بود در کتاب الجهاد
وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ
 حدایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص که بر آنکه پیغمبر علیه السلام
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَكَدَّقَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى فِي إِبْرَاهِيمَ رَبِّ
 علیه و سلم تلاوت کرد قول خدا که در حال حکایت قول پیغمبر علیه السلام
أَمِنَ أَضَلَّتْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ مَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ
 این بیان کرده اند بسیار را از آدمیان پس شکی که پیرو من باشد
مَتَى أَلَا يَهْدِيهِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ تَعَدَّ جَهَنَّمَ
 از من است تا آخرت گفت علیه السلام اگر عقاب کنی ایشان را
فَأَقِمَّ عِبَادَتَكَ وَإِنْ تَعَفَّرَكُمُ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
 پس ایشان را بندگان تواند و اگر بیاغری ایشان را می تو
الْحَكِيمُ فَرَقَمَ يَدَيْهِ وَقَالَ اللَّهُمَّ امْنِيْ وَكُنِي
 و دانای پس بالا برداشت آنحضرت بر دوست خود و گفت ای خدا بیا مرزات مراست و او را
فَقَالَ اللَّهُ يَا جَبْرِئِيلُ اذْهَبْ إِلَى مُحَمَّدٍ وَرَبِّكَ أَعْلَمُ
 پس گفت خداوند ای جبرئیل برو سوی محمد و پروردگار تو داناست
فَاسْأَلْهُ مَا يَبْكِيكَ فَأَنَا هُجَيْرٌ يُبْكِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 پس پرس محمد را چه چیز در گریه آورد و پس آمد و فرمود آنحضرت جبرئیل علیه السلام

این حدیث در کتاب الجهاد و شهادت است و در سنن او بود در کتاب الجهاد
 حدایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص که بر آنکه پیغمبر علیه السلام
 علیه و سلم تلاوت کرد قول خدا که در حال حکایت قول پیغمبر علیه السلام
 این بیان کرده اند بسیار را از آدمیان پس شکی که پیرو من باشد
 از من است تا آخرت گفت علیه السلام اگر عقاب کنی ایشان را
 پس ایشان را بندگان تواند و اگر بیاغری ایشان را می تو
 و دانای پس بالا برداشت آنحضرت بر دوست خود و گفت ای خدا بیا مرزات مراست و او را
 پس گفت خداوند ای جبرئیل برو سوی محمد و پروردگار تو داناست
 پس پرس محمد را چه چیز در گریه آورد و پس آمد و فرمود آنحضرت جبرئیل علیه السلام
 این حدیث در کتاب الجهاد و شهادت است و در سنن او بود در کتاب الجهاد
 حدایت است از عبد الله بن عمرو بن عاص که بر آنکه پیغمبر علیه السلام
 علیه و سلم تلاوت کرد قول خدا که در حال حکایت قول پیغمبر علیه السلام
 این بیان کرده اند بسیار را از آدمیان پس شکی که پیرو من باشد
 از من است تا آخرت گفت علیه السلام اگر عقاب کنی ایشان را
 پس ایشان را بندگان تواند و اگر بیاغری ایشان را می تو
 و دانای پس بالا برداشت آنحضرت بر دوست خود و گفت ای خدا بیا مرزات مراست و او را
 پس گفت خداوند ای جبرئیل برو سوی محمد و پروردگار تو داناست
 پس پرس محمد را چه چیز در گریه آورد و پس آمد و فرمود آنحضرت جبرئیل علیه السلام

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

بُعْثِيكَ رَبِّكَ فَتَرَىٰ الْكَرِيمَ كَيْدِيَّ فَأَوَىٰ وَوَجَدَكَ
 صَاحِبَ هَدْيٍ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ
 فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ
 فَحَدِّثْ عَنْ سَفْيَانَ عَنْ الْأَسْوَدِ بْنِ قَلْبَسٍ عَنْ جَنْدَرِ
 بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَخْبَسَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ أُمُّ آدَمَ مِنْ قُرَيْشٍ
 أَبْطَأَ عَلَيْهِ شَيْطَانُهُ فَزَلَّتْ وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ
 مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
 فِي كِتَابِ التَّحْقِيقِ وَعَنْ جَنْدَرِ بْنِ سَفْيَانَ قَالَ
 اشْتَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يَقُمْ

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

لَيْكَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا فَأَجَابَ امْرَأَةٌ فَتَوَلَّى وَجْهَ امْرِئِهِ
 دوشب یا سه شب پس آمد ز سینه پس گفت ای محمد پروردگار من
 لَا رَجْوَانَ يَكُونُ شَيْطَانُكَ قَدْ تَرَكَكَ لَمْ أَرَكَ قَرِيبًا
 امیدوارم آنکه باشد شیطان ترا بختین ترک کرد ترا ندیدم او را که نزدیک شد ترا
 مِنْدُ لَيْكَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا فَانْزَلَ اللَّهُ وَالضُّحَى وَاللَّيْلِ
 از دوشب یا سه شب پس نازل کرد خدا و الضحی و اللیل
 إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي
 ادا سجد ماودمک ربک دعا قلی روایت کرد ابن حریث را بخاری در
 صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ فِي تَفْسِيرِ سُورَةِ وَالضُّحَى وَ
 صحیح بخاری در کتاب التفسیر در تفسیر سوره و الضحی و
 رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ فِي بَابِ مَا قَلَى
 روایت کرد ابن حریث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب ایمان در باب بیان چیز که بیست
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَدَى الْمُشْرِكِينَ وَ
 پیغمبر صلی الله علیه وسلم از ادیت مشرکین و
 عَنْ شُعْبَةَ عَنِ الْأَسْوَدِيِّ قَبِيلٍ قَالَ سَمِعْتُ جُنْدُبًا
 روایت است از شعبه و اسودایت کرد از اسود بن قیس که گفت شنیدم
 الْجَلِّيَّ قَالَتْ امْرَأَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَرَى صَاحِبَكَ
 بیک را که گفت زنی یا رسول الله گمان نمی برم صاحب ترا می
 إِلَّا أَبْطَلَكَ فَتَرَكْتَ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
 بلکه اگر داندید بیک را پس نازل شد ماودمک ربک دعا قلی روایت کرد ابن حریث را بخاری

روایت کرد ابن حریث را بخاری در کتاب التفسیر در تفسیر سوره و الضحی و اللیل
 روایت کرد ابن حریث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب ایمان در باب بیان چیز که بیست
 روایت است از شعبه و اسودایت کرد از اسود بن قیس که گفت شنیدم
 بیک را که گفت زنی یا رسول الله گمان نمی برم صاحب ترا می
 بلکه اگر داندید بیک را پس نازل شد ماودمک ربک دعا قلی روایت کرد ابن حریث را بخاری

۳۳

روایت کرد ابن حریث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب ایمان در باب بیان چیز که بیست
 روایت است از شعبه و اسودایت کرد از اسود بن قیس که گفت شنیدم
 بیک را که گفت زنی یا رسول الله گمان نمی برم صاحب ترا می
 بلکه اگر داندید بیک را پس نازل شد ماودمک ربک دعا قلی روایت کرد ابن حریث را بخاری

[illegible]

فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ فِي تَفْسِيرِ سُورَةِ وَالْفَتْحِ وَكَانَ
 دُرِّ جَمِّ نَجْدِي فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ دُرِّ قَطْرِ سَمَاءِ وَالدُّرِّ رَوَايَاتُ اسْتِ
 ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ جَلَسَ نَاسٌ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كُنْتُ فِي مَدِينَةِ الْمَدِينَةِ مِنْ أَصْحَابِ بَنِي نَجْدٍ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا كُنْتُ فِي مَدِينَةِ الْمَدِينَةِ مِنْ أَصْحَابِ بَنِي نَجْدٍ
 بَيْنَهُمْ أَكْرَدُونَ فَتَمَعَّ حَتَّى بَلَغَهُمْ قَادَ ابْغَضَهُمْ يَقُولُ عَجَبًا
 إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ خَلِيلًا قَابِلًا لَهُمْ خَلِيلُهُ وَ
 قَالَ اخْرُؤْ مَا ذَا يَا عَجَبٌ مِنْ وَكَلَهُ اللَّهُ وَمُوسَى تَكَلَّمَ فَقَالَ
 اخْرُؤْ عَيْسَى كَلِمَةً وَاللَّهُ وَرُوحُهُ وَقَالَ اخْرُؤْ أَدَمُ اضْطَفَا
 اللَّهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ فَسَلَّمَ وَقَالَ قَدْ سَمِعْتُ كَلَامَكُمْ وَعَجَبَكُمْ
 إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللَّهِ وَهُوَ كَذَلِكَ وَمُوسَى نَبِيُّهُ وَ
 هُوَ كَذَلِكَ وَعَيْسَى رُوحُهُ وَكَلِمَتُهُ وَهُوَ كَذَلِكَ

وَأَدَمُ أَصْطَفَاكَ اللَّهُ تَعَالَى وَهُوَ كَانَ لَكَ أَلَا وَكَأَنَا حَبِيبُ اللَّهِ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

وَلَا خَيْرَ وَكَأَنَا حَامِلُ لِيَوْمِ الْحُكْمِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ تَحْتَ أَدَمَ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

وَمِنْ دُونِهِ وَلَا خَيْرَ وَكَأَنَا أَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ مُشْفِعٍ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا خَيْرَ وَكَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُخْرِجُ لَكَ خَلْقَ الْجَنَّةِ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

وَلَا خَيْرَ بِسُفْقَةِ اللَّهِ فَيَدْخُلُنَهَا وَمَعِيَ فُتْرَاءُ الْمُؤْمِنِينَ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

وَلَا خَيْرَ وَكَأَنَا أَكْرَمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى اللَّهِ وَلَا خَيْرَ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

رَوَاهُ اللَّهُ أَرْمِي فِي أَوَّلِ سُتْنِهِ فِي بَابٍ مَا أُعْطِيَ النَّبِيُّ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

فِي جَمَاعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَافِ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

الْبَابُ الثَّالِثُ فِي أَكْرَامِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَمِنْ بَرَكَاتِهِ أَنْ هُوَ أَوْلَى بِكَ مِنْ نَفْسِي وَدِينِي وَنَبِيِّي وَوَلَدِي وَنَحْوِ ذَلِكَ

جَبْرِئِيلُ اخَذَ بِرَأْسِ قُرَيْشٍ عَلَيْهِ إِدَاةُ الْحَرْبِ وَعَنْ
 جبرئیل است گیرنده سرپای خود را
 بِرَأْسِ قُرَيْشٍ آیات جنگ است و در روایت است از
رَفَاعَةَ بْنِ رَافِعٍ وَكَانَ مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ قَالَ جَاءَ جَبْرِئِيلُ
 رفاعه بن رافع دیود از اهل بدر کو گفت آمد جبرئیل
إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا نَعُدُّ فَنَ
 بسوی پیغمبر صلوات الله علیه وسلم پس گفت چه شمارید
أَهْلَ بَدْرٍ فَيَكْمُرُ قَالَ مِنْ أَفْضَلِ الْمُسْلِمِينَ أَوْ كَلِمَةً
 اهل بدر را در میان خود گفت آنحضرت از فاضلترین مسلمانان یا کلمه گفت
فَوَحَا قَالَ وَكَذَلِكَ مِنْ شَهَادَةِ بَدْرٍ مِنْ الْمَكْدَنِيَّةِ
 شش این کلمه گفت جبرئیل و همچنین افضل را که می شمارید کسی را که حاضر شد بدر از جمله فرشتگان
سَرَوَاهَا الْبَنَارِيُّ فِي صَبِيحِهِ فِي كِتَابِ الْمَغَارِي فِي بَابِ
 روایت کرد بن در حدیث را بناری در صبح بخاری در کتاب المغازی در باب
شُهُودِ الْمَكْدَنِيَّةِ بَدْرٍ وَحَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ لَمَّا سَجَّ
 حاضر شدن فرشتگان در بدر در روایت است از عائشه که گفت هرگاه در سجده کرد
النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ الْخُنْدِ وَوَضَعَ
 پیغمبر صلوات الله علیه وسلم از غزه خندق و نهاد
السِّلَاحَ وَاعْتَسَلَ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ قَدْ وَضَعْتَ
 آلات جنگ را و غسل کرد آمد آنحضرت را جبرئیل پس گفت سرآینده نهادی
السِّلَاحَ وَاللَّهُ مَا وَضَعْتَاهُ أَخْرِجْ إِلَيْهِمْ قَالَ آيِنَ
 آلات جنگ را و نهادی آلات جنگ را خارج شو سوی ایشان گفت آنحضرت که

جبرئیل است گیرنده سرپای خود را
 آیات جنگ است و در روایت است از
 رافع دیود از اهل بدر کو گفت آمد جبرئیل
 بسوی پیغمبر صلوات الله علیه وسلم پس گفت چه شمارید
 اهل بدر را در میان خود گفت آنحضرت از فاضلترین مسلمانان یا کلمه گفت
 شش این کلمه گفت جبرئیل و همچنین افضل را که می شمارید کسی را که حاضر شد بدر از جمله فرشتگان
 روایت کرد بن در حدیث را بناری در صبح بخاری در کتاب المغازی در باب
 حاضر شدن فرشتگان در بدر در روایت است از عائشه که گفت هرگاه در سجده کرد
 پیغمبر صلوات الله علیه وسلم از غزه خندق و نهاد
 آلات جنگ را و غسل کرد آمد آنحضرت را جبرئیل پس گفت سرآینده نهادی
 آلات جنگ را و نهادی آلات جنگ را خارج شو سوی ایشان گفت آنحضرت که

جبرئیل است گیرنده سرپای خود را
 آیات جنگ است و در روایت است از
 رافع دیود از اهل بدر کو گفت آمد جبرئیل
 بسوی پیغمبر صلوات الله علیه وسلم پس گفت چه شمارید
 اهل بدر را در میان خود گفت آنحضرت از فاضلترین مسلمانان یا کلمه گفت
 شش این کلمه گفت جبرئیل و همچنین افضل را که می شمارید کسی را که حاضر شد بدر از جمله فرشتگان
 روایت کرد بن در حدیث را بناری در صبح بخاری در کتاب المغازی در باب
 حاضر شدن فرشتگان در بدر در روایت است از عائشه که گفت هرگاه در سجده کرد
 پیغمبر صلوات الله علیه وسلم از غزه خندق و نهاد
 آلات جنگ را و غسل کرد آمد آنحضرت را جبرئیل پس گفت سرآینده نهادی
 آلات جنگ را و نهادی آلات جنگ را خارج شو سوی ایشان گفت آنحضرت که

من اهل بدر است آیات جنگ است و در روایت است از
 آیات جنگ است و در روایت است از
 آیات جنگ است و در روایت است از

وَمَعَهُ رَجُلَانِ يَتَوَلَّيْنِ عَنْهُ عَلَيْهِمَا ثِيَابٌ بَيْضٌ كَالنَّجَاسَةِ

و همراه آنحضرت دو مرد بودند جنگ می کردند از جانب آنحضرت بران دو مرد و جامه های سفید بودند مانند

الْقِتَالِ مَا رَأَيْتُهُمَا قَبْلَ وَلَا بَعْدَ رَوَاهُ النَّجَاشِيُّ فِي صَحِيحِهِ

جنگ ندیدم آن هر دو را قبل و نه بعد روایت کرد این حدیث را نجاشی در صحیح بخاری

فِي كِتَابِ النَّجَاشِيِّ فِي بَابِ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ

در کتاب النجاشی در باب از همت طائفتان منکم آن

تَفْشَدَا وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضْلِ

تفشد و روایت کرد این حدیث را مسلم بخاری در کتاب الفضل

فِي بَابِ إِذَا رَأَى الْمَلَائِكَةَ مَعَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

در باب اگر کسی آنحضرت را دید که با فرشتگان از کفار همراه آنحضرت صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَرَوَى مُسْلِمٌ بِإِسْنَادٍ آخَرَ فِي الْبَابِ

و سلم و روایت کرد مسلم با سند دیگر در باب

الْمَنْ كَوَّرَ عَنْهُ قَالَ رَأَيْتُ عَنْ مِمِّينَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

مذکور آنکه کسی که گفت دیدم از راست پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ شِمَالِهِ يَوْمَ أُحُدٍ رَجُلَيْنِ عَلَيْهِمَا

علیه و سلم و از چپ وی یزد و واقع احد دو مرد را بران دو مرد و

ثِيَابٌ بَيْضٌ مَا رَأَيْتُهُمَا قَبْلَ وَلَا بَعْدَ يَعْنِي جَبْرِئِيلَ

جامه های سفید بودند ندیدم آن هر دو را قبل و نه بعد یعنی جبرئیل

وَمِيكَايِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

و میکائیل علیهما السلام

[illegible]

البَابُ الرَّابِعُ فِي الصَّائِغَةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

باب چارم در بیان درود بر پیغمبر صلی الله علیه

وَسَلَّمَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ

و سلم و در بیان سلام بر آنحضرت فرمود خدا تعالی در

الْأَحْزَابِ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

احزاب، بدرستیکه خدا و فرشتگان او در دمیرفتند بر پیغمبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

ای آن کسان که گزیده آید درود فرستید بر وی و سلام گوید سلام گفتنی

عَنْ حَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

روایت است از جابر بن سمره کہ گفت گفت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

عَلَّاهُ وَبِالْحَمْدِ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علیہ وسلم ہر آنفنیہ من حیثنا سہم ان سنگ را کہ دور کیا است سلام می کرد برین

[illegible]

قبل ان ابعت انی لا حرقہ الا ان سرافا لا مستقیم
 قیامک معوت شدم بر آگنہ زہر شفا سر اورا درین وقت روایت کردہ ہر حدیث اس

فَصَدَّقُوا بِالْأَكْثَرِ ۚ إِنَّكُمْ كَادِتُمْ

في كتابي الأول كتاب الفضائل والسنن السنية

کتاب الفقه فی المسائل

ابن طَالِبٍ قَالَ دَنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ابن طالب کہ گفت بودیم با پیغمبر

بِمَلَّةٍ مَخْرُجًا مَعَهُ فِي بَعْضِ نَوَاحِيهَا قَوْمٌ ذُنَابِينَ الْجَبَالِ

در کمال پس ببردن ایدم هزاره اعترفت در بعض احوال که

[illegible]

طَلَاكَ فِي كِتَابِهِ

صحیح صحیح فی الصلوٰۃ وصل فی الغلہ فالعابد قولہ یقول اظہر من الشمس وقدرہ من

عَلَيْهِ السَّلَامُ
الَّتِي بَنَتْ لِي الْبَابَ الْبَتَّ
وَأَمَّا عَلَى قَفْصِ سُرَّةِ
الْوَدَاعِ الْيَتَامَى الْبَارِئِ
أَنْ تَنْفَعَنِي بِمَنْجِي الْوَرْدَةِ
وَتَقُولُنَّ عَالِمْ وَلَا تَكُنَّ
بِعِصْيَاكَ ذَاكِرًا لِي بِأَعْيُنِ
أَنْتِ الْعَلَوَّةُ تَقْتَبِتُ عَالِمًا
سَبَّحَ عَالِ السَّلَامِ
الْمُصَلَّى وَالْمُصَلَّى بِالْمَدَى
تَوَلَّى قَتْلَ الْخَنَازِيقِ الْفَاحِشِ
بِسْمِ
كَلِمَةٍ تَلَا حَبَابَ عِلَى الْبَقِيَّةِ
أَنْ سَيُصَلِّيَ أَمَّا عَدَاكَ
عَلَى شَرَفِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَسَيُصَلِّيَ أَمَّا عَدَاكَ
بِرُوحِ الْوَقْرِ الْبَارِئِ الْفَاحِشِ
الْمُصَلَّى مِنْ أَسْمَاءِ الْمَشْرِقِ
قَالَ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ مَلَكْنَا
أَمَّا أَوَّلُهُ وَتَقَبَّلَ بِنَا أَمَّا
فِي قَوْلِنَا لِي الْبَابَ الْبَتَّ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْنَا كَلِمَةً
قَالَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَلَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّ
الْمُصَلَّى وَالْمُصَلَّى بِالْمَدَى
تَوَلَّى قَتْلَ الْخَنَازِيقِ الْفَاحِشِ
بِسْمِ
كَلِمَةٍ تَلَا حَبَابَ عِلَى الْبَقِيَّةِ
أَنْ سَيُصَلِّيَ أَمَّا عَدَاكَ
عَلَى شَرَفِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَسَيُصَلِّيَ أَمَّا عَدَاكَ
بِرُوحِ الْوَقْرِ الْبَارِئِ الْفَاحِشِ
الْمُصَلَّى مِنْ أَسْمَاءِ الْمَشْرِقِ
قَالَ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ مَلَكْنَا
أَمَّا أَوَّلُهُ وَتَقَبَّلَ بِنَا أَمَّا
فِي قَوْلِنَا لِي الْبَابَ الْبَتَّ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْنَا كَلِمَةً
قَالَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ
وَلَمْ يَكُنْ يَدْرِي أَنَّ

وَالنَّبِيُّ فَلَمْ يَزَلْ يَخْبِرُهُ وَلَا جَبَلٌ إِلَّا قَالَ الْكَلَامُ عَلَيْكَ
 ودرخت پس آنکه شستم بدرخت و زنبوچه گفت آن درخت و گوهر السلام عليك
 يَا رَسُولَ اللَّهِ سَرَّاهُ الدَّارِي فِي أَوَّلِ سُنَّتِهِ وَسَرَّاهُ
 روايت كردن حديث را دارمي در شروع سفر دارمي در اول سني كه روايت كردن حديث را
 يَا رَسُولَ اللَّهِ
 التَّوْمِيَّ كُنَّا فِي مَشْكُوَّةِ الصَّبَا فِي بَابِ الْمَجْرَاتِ
 ترمذي چنين است و در مشكوة الصبا در باب مجرات
 وَعَنْ يَحْيَى بْنِ قُرَّةٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ رَأَيْتُهَا
 و در روايت است از يحيى بن قرة ثقفی گفت سه چيز را را
 مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَبْنَانَا نَحْنُ
 از پيغمبر خدا صلى الله عليه وسلم در آن حال كه را
 شَبْرٌ مَعَهُ إِذْ قَرْنَا بِبُعَيْرٍ يَسْفِي عَلَيْهِ قَلَمًا رَأَى
 سه چيز را كه همراه آنحضرت نگاه كردم كه بيشترين گناه كشيده و پيشتر بروى پس و فنيك و در آنحضرت را
 الْبُعَيْرُ جَرَّ فَوْضِعَ جَوَانَهُ فَوَقَفَ عَلَيْهِ الْيَتِيمُ
 شتر آورد كرد پس نهاد بيشتر كردن خود را پس ايستاد ياد دوى
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ابْنُ صَاحِبِ هَذَا
 صلى الله عليه وسلم پرسگفت آنحضرت كه ايستاد صاحب اين
 الْبُعَيْرِ فَمَاءٌ كَقَالَ يَحْيَى فَقَالَ بَلْ تَهْبِيهِ لَكَ
 شتر پس آمد صاحب شتر را و آنحضرت پس گفت آنحضرت را فخر و دشمن را اين پس گفت صاحب شتر
 يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَأَيْتَهُ لَا هَلْ بَيْتٌ مَا لَهُمْ مَعِيشَةٌ
 و رايند اين شتر بلك صاحب خانه كه كيفت براى ايستادن سبب
 يَا رَسُولَ اللَّهِ

يَا رَسُولَ اللَّهِ سَرَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَّلِ سُنَّتِهِ وَ سَرَوَاهُ

التَّوْمِيْدِيُّ كَذَا فِي مَشْكُوَةِ الْمَصَائِرِ فِي بَابِ الْمَجْرَاتِ
ترجمی چنین است در مشكوة المصابيح در باب المعجلات

وَعَنْ يَعْلَى بْنِ مُرَّةَ التَّمِيمِيِّ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ رَأَيْتُهَا

مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَنَاخَنُ

سَنَدٌ مَعَهُ اِذْ قَرُنَا بَعِثَ رُسُلًا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَلَمَّا رَا كَا

المُعِيرُ جَرَفَوْضِعَ جَوَانِهِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ إِلَهٌ
شتر آواز کرد پس نهاد جگر و خون خود را پس ایستاد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ابْنُ صَاحِبِ هَذَا

البعير فجاءه فقال بعينه فقال بل تمبه لك
 شعر
 هذا صاحب شعره وانفرت ليس گفت انفرت بفرش این شعر را من این گفت صاحب شعره

يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ لَا هُلَ بَيْتِ مَا لَهُمْ مَعِيشَةٌ

تفسيره
على الصلوة من الله
في من الملائكة

والمجيب ان يكون
من الطبع والادب
تتمتع بها قلوبنا
في جوارك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كان يسلم
فقال العلامة النووي
صلى الله عليه وسلم
مؤلفات

عن ثقات التفسير في تفسيره

وان لم یستطیعوا فلیجوزوا ان ینزلوا

خلان مشور والی

ومنهم من لا يفرق بين الحقيقة والخيال

وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّكَ فِي الْوَيْلِ الْكَافِرِ

میں دعا کیا اللہ تعالیٰ صلی اللہ علیہ وسلم

القول في جواب السؤال الثاني

۱۲۱

غَيْرُهُ قَالَ أَمَا إِذْ ذَكَرْتَ هَذَا مِنْ أَمْرِ فَإِنَّهُ شَكَلَ كَثُورًا
 سوا این شکر گشت آنحضرت لیکن هرگاه تو ذکر کردی باین حال را از امر این شکر پس هرگاه باین شکر گفت
 وَقَالَ الْعَلَفُ فَاحْسِبُوا إِلَيْهِ ثُمَّ سَوْنَا حَتَّى رَزَلْنَا مَتْرَةً
 وکی خورش پس گوئی کنید بیدار شد
 فَنَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَجَاءَتْ شَجَرَةٌ كُشِفَ
 پس نرفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم پس آمد درختی در عالمی که نماند
 الْأَرْضُ حَتَّى غَشِيَتْهُ ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى مَكَانِهَا فَلَمَّا
 زمین را تا آنکه پوشیده گردان درخت آنحضرت باین باد برگشت بسوی جای خود پس چون
 اسْتَبْقَظَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَتْ
 بیدار شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم ذکر کرد
 لَهُ فَقَالَ هِيَ شَجَرَةٌ أَسْتَأْذِنْتُ رَجْعًا فِي أَنْ نَسْلَمَ عَلَى
 آنرا آنحضرت آن واقف پس گفت آنحضرت این درخت است که اذن طلب کرد از پروردگار خود و باین امر سلام کند
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا نَهَا قَالَتْ
 پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم پس دستور داد خدا آن درخت را گفت
 ثُمَّ سَوْنَا فَمَرَزْنَا بِمَاءٍ فَاتَتْهُ أَمْرًا فَأَبْنَاهَا بِهَجَةٍ
 یعنی هرگاه پیغمبر سر کردیم پس آمد نزد آنحضرت و باین امر سلام کرد از آن و باین امر
 فَاخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَنْحَرِهِ ثُمَّ قَالَ
 پس گرفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم سوار شد باین امر پس گفت
 اخْرُجْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَوْنَا فَلَمَّا رَجَعْنَا
 خارج شو پس بر زمین من آمد پیغمبر خدا ام پیغمبر سر کردیم پس برگردیم بر زمین

نعل
 سوار شد

نعل

نعل

كَمْ تَبَايَدَ لَكَ الْمَاءُ فَسَلَّمَهَا عَنِ الصَّبِيِّ فَقَالَتْ وَالَّذِي
 كَرَّمْتِهِمْ ^{بَابُ آبٍ} ^{پس رسید آنحضرت آن زن را و امر آن کوکر پس گفت آن زن قسم}
 بِعَتَاكَ يَا أَحَقُّ مَا تَكِينَا مِنْهُ رَبِّمَا بَعْدَكَ رَوَاهُ فِي
 كَرْمَعُورِ كَرَاهِ اسْتِ تَرَابُجِي نَعْدِيهِمْ اِذَا كُوْكَرُ جَمَزِي بَاعَتْ شَكْرًا بِسْ تَوْرَايَتْ كَرْدِيْنِ حَدِيْثِ رَاوِدِ
 شَرْحُ السُّنَّةِ كَذَا فِي مَشْكُوْةِ الْمَصَابِيْهِ فِي بَابِ الْمُعْجَزَاتِ
 شَرْحُ السُّنَّةِ چنين است در مشكوة المصابيح در باب معجزات
 وَعَنْ حَدِيْقَةٍ قَالَتْ سَأَلْتَنِي أُقِيْ مَتَى عَهْدُكَ
 وَرَوَايَتْ اسْتِ اِنْ غَلِيْقَةٍ كَقَتْ ^{پرسید مرا مادر من کے زمان رفتن است}
 نَعْنِي يَا لَيْتِي صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ مَا لِي بِهِ
 اِرَاوَهُ كَرْدِ مَادِرْمَا سَوَسَ بِنِيْمِرِ صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ^{پس گفتم نيست كه آنحضرت}
 عَهْدُ مُنْدُ كَذَا وَكَذَا فَاَنْتَ مَتَى فَقُلْتُ لَهَا دَعْنِي
 زَمَانَةَ مَلَاكَاتِ اِنْ چنين و چنين پس با و به دي كر و مادر من مرا پس گفتم مراد خود را بگفتار
 اِنِّي الْبَيْتِي صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاصْلُبِيْ مَعَهُ الْمَرْغَبِ
 كَرْدِ رُوْمِ تَرْدِ بِنِيْمِرِ صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ^{پس بگزارم با آنحضرت نماز مغرب را}
 وَاسْأَلُهُ اَنْ يَسْتَغْفِرَ لِيْ وَكَذَا فَاتَيْتُ الْبَيْتِي صَلَّاهُ اللهُ
 وَسَأَلْتُ كَمْ اَنْخَضَتْ مَا اَيْتَكَ اَرْزَشِ طَلَبِ كَنْدِ بَرَايِ دِيْ رَايِ قَوْسِ اَدَمِ تَرْدِ بِنِيْمِرِ صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَصَلَّيْتُ مَعَهُ الْمَرْغَبِ فَصَلَّيْتُ اَحْقِيْ صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
^{پس گزاردم با آنحضرت نماز مغرب را پس نماز گزارد آنحضرت تا آنكه نماز}
 الْعِشَاءُ ثُمَّ اَنْقَلَبْتُ فَتَبِعْتُهُ فَصَبَّحَ صَوْتِي فَقَالَ مَنْ هَذَا
^{پس باز گشت آنحضرت پس پس ردي كردم آنحضرت را پس شنيد آنحضرت را و از مرا پرسيد گفتم}

بَابُ الْمَرْغَبِ فِي صَلَاةِ الْبَيْتِي صَلَّاهُ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 شرح آن
 سه

است

حَدَّثَنَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ مَا حَاجْتُكَ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَلَكَ مَا

خبر است گفتیم آری گفت انحضرت چیست حاجت تو بیامرزد خدا را و ما در ترا

قَالَ إِنَّ هَذَا أَمْلَكَ لَمْ يُنْزَلِ الْأَرْضَ قَطُّ قَبْلَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ

گفت انحضرت هرگز این فرشته است نازل نشده است زمین را هرگز قبل از این شب

اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيَّ وَيُبَشِّرَنِي بِأَنْ فَاطِمَةَ

اذن طلب کردم از پروردگار خود اینکه سلام کند بر من و بفرخند دهر مرا فاطمه

سَيِّدَتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَا

سرور زنان اهل جنت است و اینکه الحسن و حسین را سروران

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ

جوانان اهل بهشت اند روایت کرد این حدیث ترمذی در جامع ترمذی در ابواب

الْمَنَاقِبِ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ

المناقب و گفت ترمذی این حدیث حسن غریب است از این وجه

لَا يَرْفَعُهُ إِلَّا مَنْ حَدَّثَنَا بِثَابِتٍ أَسْرَأَ بَيْلَ وَعَنْ نُبَيْهِ بْنِ وَهْبٍ

نمی شناسم این حدیث را مگر از حدیث اسرا بیل و روایت است از نبیه بن وهب

أَنَّ كَعْبًا دَخَلَ عَلَى عَائِشَةَ فَذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

که کعبه که در آمد نزد عائشه پس ذکر کردند پیغمبر خدا صلی الله

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ كَعْبٌ مَا مِنْ يَوْمٍ يُطْلَعُ إِلَّا تَزَلَّ

تعالی علیه و سلم پس گفت کعب که نیست از هیچ روزی که طلوع کند تا آنکه

سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يَخْفُوَ بِقَدْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ

هفتاد هزار از فرشتگان تا آنکه گمراه گردی آیند بقیه پیغمبر صلی الله

تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَضْرِبُونَ بِأَجْنِثِهِمْ وَيُصَلُّونَ عَلَيْهِ
نقاش علیه وسلم می زنند بازوهای خود را و در دو فرستند بر
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى إِذَا امْسَوْا
پیشتر خدا صلی الله تعالی علیه وسلم تا آنکه هرگاه
 عَرَجُوا وَهَبَطُوا مِثْلَهُمْ فَصَنَعُوا مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا اشْفَتْ
بالا روند و فرود می آیند مثل آن فرشتگان پس می کنند این فرشتگان دیگر مانند آن فرشتگان می آیند
 عَنْهُ لَوْ كُضُّ خَرَجَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يُقِيمُونَ
از آنحضرت زبیر قال خبر داشتم از حضرت درین باره فرشتگان در حالت نماز می ایستادند
 رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَائِلِ سُنَنِهِ فِي بَابِ مَا كَرَّمَ اللَّهُ
روایت کرد این حدیث را دارمی در شروع سنن دارمی در باب چیزیکه اگر کسی در وضو
 نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ مَوْتِهِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
پیشتر خود را صلی الله علیه وسلم بعد موت آن پیشتر روایت است از ابی هریره
 أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ صَلَّى
که بر آن پیشتر خدا صلی الله علیه وسلم گفت کجیکه در وضو
 عَلَيَّ وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي
بر من یکبار در دو فرستند خدا بر وی ده بار روایت کرد این حدیث را مسلم در
 تَجْوِيدِهِ فِي كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ
صحیح مسلم در کتاب الصلوة در باب در دو فرستادن بر پیغمبر
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الشَّهَادَةِ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ
صلی الله علیه وسلم بعد تشهد روایت کرد این حدیث را دارمی

قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 من صلى عليَّ بعد الصلاة
 عشرًا كان له بها أجر
 عظيم

۳۵
 تکریم کردن الصلوة
 درین باب حدیث را از شیخ
 ابی هریره روایت کرده است
 و در دو فرستادن بر پیغمبر
 بعد از تشهد حدیث را از
 ابی هریره روایت کرده است

فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ فِي بَابِ فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى

در سنن دارمی در کتاب الرقاق در باب فضیلت صلوة بر

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ أَبِي طَلْحَةَ أَنَّ

پیغمبر صلی الله علیه وسلم در روایت است از ابی طلحه که

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ ذَاتَ يَوْمٍ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم آمد

وَالنَّبِيُّ يُرَى فِي وَجْهِهِ فَقَالَ إِنَّهُ جَاءَنِي جَبْرَائِيلُ

و خوشحالی دیده شد در روی آنحضرت پس گفت آنحضرت بر آنپیغمبران ایست که آمدند نزد من

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ أَمَا بُرِّضِيكَ يَا مُحَمَّدُ

صلی الله علیه وسلم پس گفت جبرئیل ایام خوشنود و غمی سازد ترا یا محمد

أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ

اینکه درود نفرستد بر تو هیچ یک از امت تو مگر صلوة بفرستم

عَلَيْهِ عَشْرًا وَلَا يُسَلِّمَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ

بر آنکس دو بار و سلام نفرستد بر تو هیچ یک از امت تو

إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا رَوَاهُ الْإِسْنَائِيُّ فِي سُنَنِهِ فِي

مگر سلام بفرستم بر آنکس دو بار روایت کرد ابن حبیب در سنن نسائی در

كِتَابِ السُّهُوفِ فِي بَابِ الْفَضْلِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ

کتاب السهو در باب فضیلت در درود فرستادن بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي سُنَنِهِ

صلی الله علیه وسلم روایت کرد ابن دارمی در سنن دارمی

فِي كِتَابِ الرِّسَالَةِ وَلَفْظُهُ قَالَ جَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 در کتاب الرِّسَالَةِ ولفظ در روایت دارم اینست گفت ابوطیة از پیغمبر صلوات الله علیه
 وَسَلَّمَ يَوْمًا وَهُوَ يُرَى الْبَشَرُ فِي وَجْهِهِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 و سلم روزی در حالیکه آنحضرت دیده میشد خوشحال در روی مبارک آنحضرت پس گفته شد یا رسول الله
 إِنَّا نَرَى فِي وَجْهِكَ بَشَرًا لَمْ تَكُنْ نَرَاهُ قَالَ أَجَلَ إِيَّاهُ مَلَكًا
 بر آنکه نامی بینیم در روی تو خوشحال بودیم که می دیدیم گفت آنحضرت آری بر آنکه فرستاده
 أَتَانِي فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ لَكَ أَمَّا بِضَيْكَ
 آمدن پس گفت مرا یا محمد پس گفت مرا تو میگوید ترا یا خوشنودنی سازد ترا
 أَنْ لَا يَصِلَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ
 آنکه درود نفرستد بر تو هیچ یک از امت تو مگر صلوة بفرستم بر تو
 عَشْرًا وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْكَ إِلَّا سَلَّمْتُ عَلَيْهِ عَشْرًا قُلْتُ
 ده بار و سلام نفرستد بر تو مگر سلام بفرستم بر وی ده بار گفت آنحضرت گفت
 بَلَى وَعَنْ النَّسَبِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 آری در روایت است از انس بن مالک که گفت گفت پیغمبر خدا صلوات الله
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ
 علیه و سلم هر که درود فرستد بر من درود یکبار صلوة فرستد خدا
 عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَ
 بروی ده صلوة و کم کرده میشود از وی ده گناه
 رُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ رَوَاهُ النَّسَائِيُّ فِي سُنَنِهِ
 بلند کرده میشود او را ده درجه روایت کرد این حدیث را نسائی در سنن

فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ فِي بَابِ الْفَضْلِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ

در کتاب الرقاق در باب فضیلت در صلوة بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ

صلی الله علیه وسلم وروایت است از عبد الله بن مسعود

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَوَّلُ النَّاسِ

که برائین پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت نزدیکترین مردم

بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَى صَلَاةٍ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ

بن روز قیامت زیادترین ایشان بر من از روی درود و اندر وایت کردن ایشان را

فِي جَامِعِهِ فِي كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِي

در جامع ترمذی در کتاب الصلوة در باب چیزی که آمد

فَضْلِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ

فضیلت صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم وروایت است از

كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

کعب بن عجره گفت گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

أَحْضُرُ وَالْمُنْبَرُ فَخَضَرْنَا فَلَمَّا ارْتَفَى دَرَجَةً قَالَ أَمِينَ

حاضر شوید و منبر پس حاضر شدیم پس چون برآمد انحضرت بر کعب بن عجره گفت آمین

فَلَمَّا ارْتَفَى الدَّرَجَةَ الثَّانِيَةَ قَالَ أَمِينَ فَلَمَّا ارْتَفَى

پس چون برآمد بر پایه دوم گفت آمین پس چون برآمد انحضرت

الدَّرَجَةَ الثَّالِثَةَ قَالَ أَمِينَ فَلَمَّا نَزَلَ فَلَمَّا نَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ

پس چون برآمد بر پایه سوم گفت آمین پس چون فرود آمد انحضرت گفت بر رسول الله

فصل

لَقَدْ سَمِعْنَا مِنْكَ الْيَوْمَ شَيْئًا مَا كُنَّا نَسْمَعُهُ قَالَ إِنَّ جَبْرِيْلَ
 برائین بتجلی شریف از تو امروز سخنی را بنودیم که شنیدیم آنرا گفت گفت بتجلی جبریل
 عَزَّ وَجَلَّ لِي فَقَالَ بَعْدَ مَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ
 پیش آمد مرا پس گفت و در باد از خیر کسی که در ماه رمضان را پس امروز بدو غفران را
 قُلْتُ أَمِينٌ فَلَمَّا قُبِيتُ الثَّانِيَةَ قَالَ بَعْدَ مَنْ ذَكَرْتُ
 گفتم آمین پس هرگاه بر اندم بر پای دوم گفت جبریل و در باد از خیر کسی که ذکر کرده
 عِنْدَكَ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ فَقُلْتُ أَمِينٌ فَلَمَّا رَقِيتُ
 نزوی پس در دو نفر شد بر تو پس گفتم آمین پس هرگاه بر اندم
 الثَّالِثَةَ قَالَ بَعْدَ مَنْ أَدْرَكَ أَبُوِي الْكَبْرَ وَاحِدَهُمَا
 بر پای سوم گفت جبریل و در باد از خیر کسی که در یاد بدو را در خود را که بزرگ سال اند یا در یاد
 فَلَمْ يُدْجِدْ لَهُ الْجَنَّةَ قُلْتُ أَمِينٌ رَوَاهُ الْحَاكِمُ وَقَالَ
 پس در بنام پدر و مادر او در پیش گفتم آمین روایت کرد این حدیث را حاکم و گفت
 صَحِيحٌ لِإِسْنَادِهِ كَذَلِكَ فِي التَّرْغِيبِ وَالتَّرْهِيْبِ لِلْحَافِظِ
 صحیح الاسناد و چنین است در ترغیب و ترهیب مولف حافظ
 عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنِ أَبِي رِيٍّ فِي التَّرْغِيبِ فِي صِيَامِ رَمَضَانَ
 عبد العزیز بن منذری در ترغیب در روزه ماه رمضان
 احْتِسَابًا وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 احتساباً و از ابی هریره که گفت گفت خدا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عِنْدَ قَبْرِي سَمِعْتُهُ
 صلوات الله علیه و سلم کسی که در دو نفر مستند بر من زد و قبر من بخونم در روز قیامت

وَمَنْ صَلَّى عَلَى نَائِيَابِ بَيْتِهِ رَوَاهُ الْبَيْهَقِيُّ فِي شُعْرِ الْأَرْجَانِ

الرواية

وكتبه در دو بطر ستر برین اذ در ر سائیده شود در دوش را روایت کرده این حدیث را سبق در رب

وَعَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

يَقُولُ لَا تَجْعَلُوا بَيْوتَكُمْ قُبُورًا وَلَا تَجْعَلُوا قُبُورَكُمْ عَيْدًا

که می گفت نگردانید خانه های خود را همچو قبرها و نگردانید قبر را عید

وَصَلُّوا عَلَى قَبْرِ مَنْ هُوَ مِنْكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ سَرَّاهُ

در دو

در دو در ستر برین پس هر آینه در دوشا میرسد را بر جا که باشید روایت کرده این

النَّسَائِيُّ كَذَلِكَ فِي مَشَاوَةِ الْمُصَابِيحِ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً

سَمَاءًا حِينَ فِي الْأَرْضِ يَبْلُغُونِي مِنْ أُمَّتِي السَّلَامَ رَوَاهُ

در دو

گفت پیغمبر خدا صلوات الله علیه وسلم بر آینه مرخدا را فرستاده

رونده در زمین میرساند مرا از امت من سلام روایت کرده

النَّسَائِيُّ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ السَّهْوِيِّ بِأَبِ التَّسْلِيمِ

سَنَائِي در سنن نسائی در کتاب السهو در باب سلام فرستادن

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي

سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ

سَنَنِ دَارِمِي در کتاب الرقاق در روایت است از ابی هریره که گفت گفت

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا مِنْ أَحَدٍ كَسَمِعَهُ

پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم هیچ یک سلام میفرستد

عَلَى الْأَكْرَدَةِ اللَّهُ عَلَى رُوحِي حَتَّى أَرْقَ عَلَيْهِ السَّلَامَ

برس اگر باز میفرستد خدا بر من روح مرا تا آنکه روی کنم بروی سلام را

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَابْنُ أَبِي شَيْبَةَ فِي الدُّعَوَاتِ الْكَبِيرَةِ عَنْ

روایت کرد این حدیث را ابو داود و ابن ابی شیبہ در دعوات بزرگ از

عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ إِنَّ الدُّعَاءَ

عمر بن خطاب رضی الله عنه گفت که دعا

مَوْقُوفٌ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا يَصْعَدُ مِنْ شَيْءٍ

موقوف است در میان آسمان و زمین بالا نمی رود از آن دعا چیزی

حَتَّى تَصَلِّيَ عَلَى نَبِيِّكَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ كَذَا فِي

تا آنکه در دو بفرستی بر پیغمبر خود روایت کرد این حدیث را ترمذی چنین است در

مَشْكُوتَةِ الْمَصَالِحِ وَعَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ

مشکوتة المصالح و روایت است از فضالة بن عبید

قَالَ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا

گفت شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم مردی را

يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ لَمْ يُحْمَدِ اللَّهَ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ

که دعا می کرد در نماز حمد نکرده خدا را و درود نفرستاده بر پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

صلی الله علیه وسلم پس گفت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَجَلَتْ آيَتَا الْمُرُورِ ثُمَّ عَلَيْهِمُ الرَّسُولُ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا يَقُولُ فَمَجَّدَ اللَّهُ وَحَمْدُهُ وَصَلَّى

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدْعُكُمْ تَحْتَهُ وَاسَلُّ تَحْتَ

رَقَاةِ النَّسَائِيِّ فِي سُنَنِهِ فِي بَابِ التَّحْيِيدِ وَالصَّلَاةِ

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ

بْنَ عُمَرَ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى أَبِي بَكْرٍ وَحَمْدُهُ

وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ أَنَّهُ قَالَ رَأَيْتُ عَبْدَ اللَّهِ

بْنَ عُمَرَ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَعَلَى أَبِي بَكْرٍ وَحَمْدُهُ

رواه

رواه

رواه

حفظ

[illegible]

يَتَّخِذُونَ فَاَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 سَخِرُوا مِنْهُ لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ
 غَيْرِ نَازِلٍ إِنَّهُ إِلَى قَوْلِهِ مِنْ ذَرَأٍ حَبَابٍ فَصَوِّبُوا
 الْحَبَابَ وَقَامِ الْقَوْمَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
 فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْحَجَرِ
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْضُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ
 رُسُلِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
 وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ
 أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضَوْنَ
 عَيْنَهُمْ لِيَصِطُّوا هُمُ الَّذِينَ لَا يَشْعُرُونَ

۱۲۶۷
 ۱۲۶۸
 ۱۲۶۹
 ۱۲۷۰
 ۱۲۷۱
 ۱۲۷۲
 ۱۲۷۳
 ۱۲۷۴
 ۱۲۷۵
 ۱۲۷۶
 ۱۲۷۷
 ۱۲۷۸
 ۱۲۷۹
 ۱۲۸۰
 ۱۲۸۱
 ۱۲۸۲
 ۱۲۸۳
 ۱۲۸۴
 ۱۲۸۵
 ۱۲۸۶
 ۱۲۸۷
 ۱۲۸۸
 ۱۲۸۹
 ۱۲۹۰
 ۱۲۹۱
 ۱۲۹۲
 ۱۲۹۳
 ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵
 ۱۲۹۶
 ۱۲۹۷
 ۱۲۹۸
 ۱۲۹۹
 ۱۳۰۰
 ۱۳۰۱
 ۱۳۰۲
 ۱۳۰۳
 ۱۳۰۴
 ۱۳۰۵
 ۱۳۰۶
 ۱۳۰۷
 ۱۳۰۸
 ۱۳۰۹
 ۱۳۱۰
 ۱۳۱۱
 ۱۳۱۲
 ۱۳۱۳
 ۱۳۱۴
 ۱۳۱۵
 ۱۳۱۶
 ۱۳۱۷
 ۱۳۱۸
 ۱۳۱۹
 ۱۳۲۰
 ۱۳۲۱
 ۱۳۲۲
 ۱۳۲۳
 ۱۳۲۴
 ۱۳۲۵
 ۱۳۲۶
 ۱۳۲۷
 ۱۳۲۸
 ۱۳۲۹
 ۱۳۳۰
 ۱۳۳۱
 ۱۳۳۲
 ۱۳۳۳
 ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵
 ۱۳۳۶
 ۱۳۳۷
 ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۳
 ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶
 ۱۳۴۷
 ۱۳۴۸
 ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۱
 ۱۳۵۲
 ۱۳۵۳
 ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵
 ۱۳۵۶
 ۱۳۵۷
 ۱۳۵۸
 ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۱
 ۱۳۶۲
 ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵
 ۱۳۶۶
 ۱۳۶۷
 ۱۳۶۸
 ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰
 ۱۳۷۱
 ۱۳۷۲
 ۱۳۷۳
 ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶
 ۱۳۷۷
 ۱۳۷۸
 ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰
 ۱۳۸۱
 ۱۳۸۲
 ۱۳۸۳
 ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵
 ۱۳۸۶
 ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸
 ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳
 ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵
 ۱۳۹۶
 ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸
 ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰
 ۱۵۰۱
 ۱۵۰۲
 ۱۵۰۳
 ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶
 ۱۵۰۷
 ۱۵۰۸
 ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰
 ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 ۱۵۱۳
 ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵
 ۱۵۱۶
 ۱۵۱۷
 ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰
 ۱۵۲۱
 ۱۵۲۲
 ۱۵۲۳
 ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵
 ۱۵۲۶
 ۱۵۲۷
 ۱۵۲۸
 ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰
 ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲
 ۱۵۳۳
 ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵
 ۱۵۳۶
 ۱۵۳۷
 ۱۵۳۸
 ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰
 ۱۵۴۱
 ۱۵۴۲
 ۱۵۴۳
 ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵
 ۱۵۴۶
 ۱۵۴۷
 ۱۵۴۸
 ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱
 ۱۵۵۲
 ۱۵۵۳
 ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵
 ۱۵۵۶
 ۱۵۵۷
 ۱۵۵۸
 ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰
 ۱۵۶۱
 ۱۵۶۲
 ۱۵۶۳
 ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶
 ۱۵۶۷
 ۱۵۶۸
 ۱۵۶۹
 ۱۵۷۰
 ۱۵۷۱
 ۱۵۷۲
 ۱۵۷۳
 ۱۵۷۴
 ۱۵۷۵
 ۱۵۷۶
 ۱۵۷۷
 ۱۵۷۸
 ۱۵۷۹
 ۱۵۸۰
 ۱۵۸۱

52

أَصَوَّاهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ
 وَأُولَئِكَ هُمُ الصَّابِرُونَ ^{پنج نفر خدا آن کسان} ^{آنانند که را آزمائش کرد و امتحان خدا}
 فَلَوْ بِهِمْ لَبُغِيَ اللَّهُ لِلنَّاصِبِ ۖ وَلَئِنْ كَانُوا مِنْكُمْ لَكَاذِبِينَ ۚ ^{و اما بر سر اینها} ^{و اگر ایشان را برای آفتی مریز کرده را آنرا زشت است و او بر سر}
 الَّذِينَ يَبْنِئُونَ ذُنُوبَهُمْ ۚ إِنَّهُم مُّجْرِمُونَ ۚ ^{آنانند که} ^{ناروا می کنند و ترا} ^{از این پس} ^{جرم را}
 لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْهِمْ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ
 إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۚ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ^{نمی داشتند} ^{و اگر ایشان} ^{صبر کردند} ^{تا آنکه نوبت آن آید}
 عَنْ نَافِعِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِي مُلَيْكَةَ قَالَ قَالَ كَاذِبٌ
 الْحَيَّرَانِ يَهْلِكَا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرُ فَقَامَا أَصَوَّاهُمَا عِنْدَ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَدِمَ عَلَيْهِ ^{روایت است از نافع بن عمر و او همانست که در از ابن ابی ملیکه} ^{که گفت این ابن ابی ملیکه}
 رَكِبَ بَنِي تَمِيمٍ فَأَشَارَ أَحَدُهُمَا بِالْأَقْرِعِ عَنِ خَلْفِ
 آخِي بَنِي تَمِيمٍ وَأَشَارَ الْآخَرُ بِرُجُلٍ اسْتَرْقَلَ نَافِعٌ ^{که در آن زمان بنی تمیم} ^{ناروا می کردند که یکی از جمعی را بود که دگر} ^{باقرع بن حابس}
 وَأَشَارَتْ كَرْدِيكَةً زُلْجَانٌ هَرْدُودٌ وَدِكْرٌ كَفْتُ نَافِعٍ ^{برادر بنی تمیم} ^{و اشارت کرد دگر از جمله آن هر دو بود و دگر گفت نافع}

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

آمَرَ الْأَقْرَبِينَ حَالِسٍ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ مَا أَرَدْتُ
 امیر متفرکین اقرب بن حالس را پس گفت ابو بکر چه خواستی
 إِلَيَّ أَوْ الْأَخَادِي فَقَالَ عُمَرُ مَا أَرَدْتُ خِلَافَكَ
 ایسوی با من گفت اخا دی اگر متفرک من را پس گفت عمر چه خواستم
 فَقَامَ بِمَا حَتَّى ارْتَفَعَتْ أَصْوَاهُمَا فَتَرَكْتُ فِي ذَلِكَ
 پس خصوصت کردند هر دو تا آنکه بلند شد آواز پای ایشان پس نازل شد دهر بن امر
 يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا تَقْوَى اللَّهِ
 ای ایها الدین اتقوا لاتقوا بین پدری الله
 وَرَسُولِهِ حَتَّى انْقَضَتْ الْأَيَّةُ وَعَنْ مُوسَى بْنِ
 تا آنکه تمام شد آیت در روایت است از موسی بن
 النَّبِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 انس واد روایت کرد از انس بن مالک که در حقیقت پیغمبر صلی الله علیه
 وَسَلَّمَ أَفْتَقَدَ ثَابِتَ بْنَ قَيْسٍ فَقَالَ رَجُلٌ يَا
 رسول تلاش کرد و ثابت بن قیس را پس گفت مردی یا
 رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا أَعْلَمُ لَكَ عَلَيْهِ قَاتَاةٌ هُوَ جَدُّكَ
 رسول الله من در یافت می کنم برای تو خبری پس آید آن مرد زن ثابت بن قیس پس
 جَالِسًا فِي بَيْتِهِ مِنْكُمْ أَرَأَيْتَ فَقَالَ لَمْ أَشَاكَ
 نشست در خانه خود سرنگون پس گفت آن مرد ثابت بن قیس را چیست
 فَقَالَ شَرَّكَانِ يَرْفَعُ صَوْتَهُ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
 پس گفت ثابت بن قیس حال من بدست بودم که با تو می کردم آواز خود را بر آواز
 پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ حِطَّ عَمَلُهُ وَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

صلی الله علیه وسلم پس بر آئینه ناله شد علی بن من ازد و زید بن شمس
فَأَنَّ الرَّجُلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ أَنَّهُ

پس آمد آن مرد نزد پیغمبر صلای الله علیه وسلم پس خبر داد آن مرد و گفت
قَالَ كَذَّابٌ كَذَّابٌ فَقَالَ مُوسَى فَرَجِعْ إِلَيْهِ الْمَرَّةَ الْآخِرَةَ

گفت ثابت بن ابی قیس چنین و چنین پس گفت موسی پس باز گشت آن مرد سوی ثابت بن قیس بار آخر
بِشَارَةٍ عَظِيمَةٍ فَقَالَ أَذْهَبَ إِلَيْهِ فَقُلْ لَهُ إِنَّكَ لَسْتَ

بمژده بزرگ پس گفت آن حضرت برو سوی ثابت بن قیس پس بگو او را که آئینه تو گویا
مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَلَكِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَرَوَى الْبُخَارَى

از دوزخیان ولیکن تو از بهشتیانی روایت کرد بخاری
الْأَحَادِيثُ الثَّلَاثَةُ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّقْسِيرِ فِي

این سه احادیث را در صحیح بخاری در کتاب التفسیر در
تَفْسِيرِ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ وَعَنِ الثُّعَيْنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ

تفسیر سوره حجرات و روایت است از ثعالب بن کثیر که گفت
اسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

اذن خواست ابو بکر رضی الله عنه از آن مرد نزد پیغمبر صلای الله علیه وسلم
فَسَمِعَ صَوْتَ عَائِشَةَ عَالِيًا فَلَمَّا دَخَلَ تَنَاوَلَهَا لِيَطْمَئِنَّا

پس شنید ابو بکر صدیق آواز عائشه را بالا پس چون داخل شد ابو بکر در آن گرفت عائشه را
وَقَالَ الْآرَاءُ تَرْفَعِينَ صَوْتَكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ

و گفت ای عایشه ای که می شنیم ترا که بالای منبری خود را

بمژده

پس شنید ابو بکر صدیق آواز عائشه را

و گفت ای عایشه ای که می شنیم ترا که بالای منبری خود را

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْرُجُ أَبُو بَكْرٍ مُغَضَّبًا فَقَالَ النَّبِيُّ
وَسَلَّمَ كَرَامَتِي دَافَعْتُ عَنْكَ وَأَبُو بَكْرٍ رَضِيَ عَنْهُمَا لَمْ يَكُنْ يَنْبَغِي

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ خَرَجَ أَبُو بَكْرٍ كَيْفَ رَأَيْتَنِي
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَوَلَّى عَاجِلٌ شَدَّ أَبُو بَكْرٍ فَمَجَّوْنٌ دَعَا تَوَلَّى

أَنْقَذَ تَكْ مِنْ الرَّجُلِ قَالَ فَهَكَذَا أَبُو بَكْرٍ أَيَا مَا تَهْتَكُ
كَرَامَتِي تَوَلَّى مِنْ تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

اسْتَأْذَنَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أَذْنُ تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

فَوَجَدَهُمَا قَدْ اضْطَلَمَا فَقَالَ لَهَا أَدْخِلَانِي فِي سِلْكِي
بِسْ يَأْتِ الْخَصْرَ وَالْخَصْرَ رَأَى كَرَامَتِي تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

كَأَدْخَلْتَنِي فِي خَرْبِكُمَا فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

وَسَلَّمَ قَدْ فَعَلْنَا قَدْ فَعَلْنَا رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ فِي
سَلَّمَ كَرَامَتِي تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

سُنَنِهِ فِي كِتَابِ الْأَدَبِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِي الْأَرْجَاءِ
سُنَنِهِ دَاوُدَ فِي كِتَابِ الْأَدَبِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِي الْأَرْجَاءِ

وَعَنْ إِسْمَاعِيلَ قَالَ كُنَّا عِنْدَ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ
دُرْوَيْتِ اسْتِزَامَاقِ كَرَامَتِي تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى تَوَلَّى

[illegible]

فِي رَهْطٍ مِّنَّا وَفِينَا بُشَيْرٌ مِّنْكَ كَذَلِكَ نُبْشِرُ الْمُؤْمِنِينَ

یومئذ قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم

الْحَيَاءُ خَيْرُ كُلِّهِ قَالُوا قَالِ الْحَيَاءُ كُلُّهُ خَيْرٌ
 حبا بهتر است همه او گفت یا گفت انحضرت شرم همه او بهتر است

فَقَالَ بَشِيرُ بْنُ كَعْبٍ إِنَّا لَنَجِدُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ

إِذْ هَمَّ بِالنَّارِ قَالَ إِنَّ مِنْهُ سَكِينَةٌ وَقَارًا لِلَّهِ قَالَ وَمِنْهُ
 وَإِنْ تَحْقِيقُ أَرْضَا سَكِينِ وَبِزَرْغِ وَاشْتِغَاكَ خَدَارًا كُنْتَ تَبْشِيرُ وَارْضَا

ضعف قال فعضب عمران حتی احمراً تا عیناء
ضعف است گفت اسحاق پس خشم گرفت عمران ناله سرخ شدند هر دو پسران عمران

وقال ألا ارى احدى تكم عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
 وگفت آیہی منینہ کہ حدیث بیان می کند که ترا از پیغمبر خدا صلی الله

عليہ وسلم و لعلیٰ فی قاعہ عذران
 و سلم و معارضہ می کنی دران حدیث گفت اساقی پس باز گفت عثمان

حدثنا اسحاق بن ابراہیم گفت بشیر بن سابق را پس شمر گرفت و ان گفت اسحاق

پس همیشه بودیم که می گفتم هر آینه بشیر از ماست یا ابانجید تحقیق این بشیر نیست خون بوی

[illegible]

بیان عدد شعب ایمان و عن سالم بن عبد الله

اَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ
 كَمْ رَأَيْتُهُ عَبْدًا سَمِعَ بَنَ سَمْرٍو كَمْ شَنِيمٍ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَمْنَعُوا إِسَاءَةَ كَرِّ الْمَسَاجِدِ

اِذَا اسْتَاذَنَكُمْ اِلَيْهَا قَالْ فَقَالَ يٰ اَبْنُ عَبْدِ اللَّهِ
وَقَتِيكَ اذن خواند از شما بر رفتن سوی مسجد را گفت سالم پس گفت بلال پسر عبد الله

وَاللّٰهُ لَمَنْعُهُنَّ قَالَ فَاَقْبِلْ عَلَيْهِ عَمْدُ الدّٰوِي
سوگند بخدا باز خواهم داشت زمان را گفت سال پس متوجه شد بر بانی

فَسَبَّ سَبًّا سَيِّئًا مَا سَمِعْتُهُ سَبَّهُ مِثْلَهُ قَطُّ وَكَأَنَّ

أَخْبَرُكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَقَوْلُ اللَّهِ لَمَنْعَهُمْ وَعَنْ فَجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّكُمْ تَأْكُلُونَ

[illegible]

المساجيد قال الامام
تقولوا صلوا لا تنفوا
شيء من

فے شریع
الحق والعدل جلد نواں
باب خلاصہ

اچا ویش الیاء
تتمتع بالسیّد کلین الشیر و
من الیاء و

العلماء المأثرون ولا مستغيبين
تلك التي لا تكون مستغيبين ولا مستغيبين

لا ذوات خلاص بالرب
ولا تملكون بالرب ولا
تؤمنون بالرب

۵

فمنذ ذلك الحين

ليكن ايضا غدا ونفري مع الله

عنه في وقتيل عمره الستين

مقالة ابن القيم في سائر الأقسام

المادة وفيه تحقيق زان

4/14/1944

لِلنِّسَاءِ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَقَالَ ابْنُ كَهْ يَقَالُ لَهُ

برای زنان در شب به ایستگاه مسجد پس گفت پس این عمر گفته میشود و اورا

وَأَقْدَمَ لَدَيْتُخْنَنَهُ دَعَاكَ قَالَ ضُوبٌ فِي صَدْرِهِ

و اقدم خواهر گرفت زنان این کار را فریب گفت اما پس ز دین عمر سینه پس خود

وَقَالَ أَحَدُكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و گفت حدیث می گویم ترا از پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَرَوْنَ هَذَا مُسْلِمًا فِي صَحِيحِهِ فِي

و مسلم و میگوید که تو نمی بینید که این مرد مسلم در صحیح مسلم در

كِتَابِ الصَّلَاةِ فِي بَابِ خُرُوجِ النِّسَاءِ إِلَى الْمَسَاجِدِ

کتاب الصلوة در باب بیرون آمدن زنان بسوی مساجد

إِلَى وَعَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

إلی و در حدیث است از عائشه که می گویند پیغمبر خدا صلی الله علیه

وَسَلَّمَ كَانَ فِي تَفْرِيقِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ

و مسلم بود در گروه از مهاجرین و انصار

فَجَاءَ بَعْضُهُمْ فَبَجَلَهُ فَقَالَ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

پس آمدن یکی پس بجهت کرد آن حضرت را پس گفتند اصحاب آنحضرت یا رسول الله

تَسْتَجِدُّ لَكَ الْبَهَائِمُ وَالشَّجَرُ كَفَنٌ أَحَقُّ أَنْ تَسْتَجِدَّ

سجده میکنند ترا بهایما و درخت پس اسرار تویم بآنکه سجده میکنند

لَكَ فَقَالَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَكْمُوا أَهْلَكُمْ وَلَوْ كُنْتُمْ

ترا پس گفت آنحضرت عبادت کنید پروردگار خود را و گرامی دارید بهادر خود را و اگر چو من

صا

اَمْرٌ اَحَدًا اَنْ يَسْجُدَ لِاحَدٍ لَا قَرْنُ الْمَرْأَةِ
که امر کرد و هیچ کس را آنکه سجده نکند بیکه را هر آینه امر کردی زن را
 اَنْ يَسْجُدَ لِرُؤُسِهَا وَلَوْ اَمْرًا هَا اَنْ تَقْلَ مِنْ
که سجده کند بشعر بر خود را و اگر امر کرد شوهر زن را که ببرد سنگ را از
 جَبَلٍ اَصْفَرٍ اِلَى جَبَلٍ اَسْوَدَ وَمِنْ جَبَلٍ اَسْوَدَ
کوه زرد بسوی کوه سیاه و از کوه سیاه
 اِلَى جَبَلٍ اَبْيَضٍ كَانَ يَنْبَغِي لَهَا اَنْ تَفْعَلَهُ سِرَّاهُ
بسوی کوه سفید بود سزاوار آن زن را که بکند این کار رهايت کرد این کار را
 اَحْمَدُ كُنْ اِنِّي مُشْكُوَةٌ الْمَصَائِبِ فِي كِتَابِ الْبَيْتِ
احمد چنانست در مشکوٰۃ المصابیح در کتاب البيت
 فِي بَابِ عَشْرَةِ النِّسَاءِ وَحَنُّ ابْنِ شَمَاسَةَ الْمَهْمَرِيِّ
در باب عَشْرَةِ زنان و در عايت است از ابن شماسه مهري
 قَالَ حَضَرَ نَاعِمُ بْنُ الْعَاصِ وَهُوَ فِي سِيَاقَةِ الْوُجُوهِ
گفت حاضر شد ناعم بن عمرو بن عاص در حالیکه او در حضور اميرت بود
 يَبْكِي كَوَيْلًا وَحَوْلَ وَجْهِهِ اِلَى الْجِدَارِ فَيَجْعَلُ
ميگريست بسيار و بر گردانیده بود روی خود را بسوی ديوار پس شروع کرد
 ابْنُهُ يَقُولُ يَا اَبَتَاهُ اَمَا كُنْتُمْ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى
پسر او گريه ميگشود اي پدر آيا مژده نداوترا پيغمبر خدا
 اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَكُنْ اَمَا كُنْتُمْ رَسُوْلُ اللهِ
سعد غلبه و سلم بچنين آيا مژده نداوترا پيغمبر خدا

له في قوله وجعل
 كبر السنين في حال حضور الموت
 قوله عليه السلام ان كل امرئ على اخيه
 قال الله تعالى تسرين
 انشأ في هذا الحديث في شرح
 قال الامام النووي في شرح صحيح
 المسلم ١٣

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكَذَا قَالَ فَأَقْبَلَ بَوَّحُهُ

صلی اللہ علیہ وسلم بچین گفت این شهادت پس پیش آمد عرض حاضر

وَقَالَ إِنَّ أَفْضَلَ مَا نَعِدُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

وگفت بزرگترین پادشاهی شهادت اینست که نیست معبودی جز خدا

اللَّهُ وَلَنْ مُحَمَّدًا أَرْسُولُ اللَّهِ إِنِّي كُنْتُ عَلَى أَطْبَاقٍ

خدا و ملائکه محمد پیغمبر خداست بر آئینه من بودم بر سبک احوال

ثَلَاثٍ لَقَدْ رَأَيْتَنِي وَمَا أَحَدٌ أَشَدَّ بَغْضًا

بر آئینه چشتم دیدم خود را و نبود هیچ یکی سخت تر در دشمنی

لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنِّي وَلَا حُبُّ

بر پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم از من و دشمنی دوستی

إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَكُونَ قَدِ اسْتَمَكْتُ مِنْهُ فَقَتَلْتَهُ وَنَدَّ

نزد من از آنکه باشم که بتحقیق قدرت با من بر آغز گرفت پس کشتیم و نداد

فَكُوِّمْتُ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ لَكُنْتُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ

پس اگر مردی بر آن حال بزرگترین بودی از اهل دوزخ

فَلَمَّا جَعَلَ اللَّهُ الْإِسْلَامَ فِي قَلْبِي آتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى

پس چون گردانید خدا اسلام را در دلم آمد نزد پیغمبر صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ اسْطَبِّمْنِيكَ فَلَا بَالِيكَ

اللہ علیہ وسلم پس گفتم در از کن دست راست خود را تا بپوشد اسلام منم

فَبَسَّطَ يَمِينَهُ قَالَ فَقَبَضْتُ يَدِي قَالَ مَا لَكَ يَا عَمْرُو

پس دراز کرد و بپوشید دست راست خود را گفت عمر و پس کشیدم دست خود را گفت آنحضرت چه شد ترا یا عمر و

دری کرد

در راست

یا عمر و

ثَلَاثًا فَسَكَتَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ
سید باقر گفت عمر بن الخطاب پس خاموش شد آنحضرت روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در

وَعَنِ الْقَدَامِ بْنِ مَعْدِي كَرَبَ الْكِنْدِيِّ أَنَّ
روایت است از مقدم بن معدی کرب کنندی که بر آن

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُوشِكُ
پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت نزدیک است

الرَّجُلُ مُتَّكِمًا عَلَى أَرِيكَتِهِ يُحَدِّثُ بِحَدِيثٍ مِنْ حَدِيثِ
کرمی نشسته بر آریکت خود سخن گفته شود بعد از حدیثی از حدیثی

فَيَقُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَا وَجَدْنَا
پس گوئید در میان ما و در میان شما کتاب خدا عز وجل است پس چه چیز یافتیم

فِيهِ مِنْ حَدِّثٍ اسْتَحْلَلْنَاهُ وَمَا وَجَدْنَا فِيهِ مِنْ
در کتاب خدا از حدیثی که حلال شدیم آنرا و چه چیز یافتیم در آن کتاب از

حَرَامٍ حَرَّمَ اللَّهُ الْكَوَانِمَا حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
حرام حرام کردیم آنرا آنکه خدا حرام کرد پیغمبر خدا صلی

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِثْلُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَكَرِهِيَّةُ
الله علیه وسلم مثل چیز است که خدا و روایت است از قبیحه

عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عِبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ الْأَنْصَارِيَّ
و روایت کرد از پدر خود عباد بن صامت آنصاری

الْقَتِيبَ صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
صیب صاحب پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

الحمد لله الذي جعل العلم
وحدائقه من كنوز الدنيا
والتقوى من كنوز الآخرة
والتقوى من كنوز الآخرة

عَزَامَعَ مُعَاوِيَةَ أَرْضَ الرُّومِ فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ وَ

غزو کرد بمصاحبت معاویه بر زمین روم پس نگاه کرد بسوی مردم و در میان

هُمْ يَتَّبِعُونَ كَيْسَرَ الذَّهَبِ يَا لَكَ نَانِيز وَكَيْسَرَ الْفِطْنَةِ

این مردم باید که خرید و فروخت میکردند باری زر را با دینار را و باری سیم را

يَا لَكَ رَاهِمُ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ تَأْكُلُونَ الرِّبَا

در میانها پس گفت عباد من صامت ای مردم جفتی شما می خرید

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ

شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را که میگفت

لَا تَبْتَاعُوا الذَّهَبَ يَا لَكَ هَبِ الْإِمْتِلَاءُ مِثْلُ لَا زِيَادَ

ایکدگر خرید و فروخت نکنید زر را بازار مگر مانند بانه نیکند زیادت

بَيْنَهُمَا وَلَا تَنْظُرُوا فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ يَا أَبَا الْوَلِيدِ كَأَيِّ

در میان هر دو و نه تا غیر کردن و زمان دادن پس گفت مر عباد مرا معاویه ای ابو الولید نمی دانم

الرِّبَا بِنِي هَذَا إِلَّا مَا كَانَ مِنْ نَظَرَةٍ فَقَالَ عُبَادَةُ أَحَدُ

ربارا درین مگر چیزیکه باشد از محلت دادن پس گفت عبادہ حدیث میکند ترا

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَحَدَّثَ شَيْءٌ

از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم و سخن میگفتی تو را

عَنْ رَأْيِكَ لَنْ أَخْرَجَنِي اللَّهُ لَا أَسْأَلُكَ بِأَرْضِ

از رای خود مرا نمیزد اگر بیرون خواهد کرد مرا خدا سکونت اختیار خواهم کرد بر زمینیکه

لَكَ عَلَى قَهْلٍ فَأَمَرَ فَلَمَّا قَفَلَ لِحَقِّ الْمَدِينَةِ فَقَالَ لَهُ

مر ترا بمن در آن زمین امرت باشد پس چون از سفر بازگشت عبادہ در رسید درین شهر گفت

عمر بن الخطاب ما أقدمك يا أبا الوليد فقص عليه
 القصصة وما قال من مسأكتيه فقال ارجع يا أبا الوليد
 إلى أرضك ففهم الله أرضا كنت فيها وأمثالك و
 كتب إلى معاوية لا أفرقة لك عليه وأحمل الناس
 على ما قال فإنه هو الأمر وعنه أبي سلة أن
 أباهم يرة قال لرجل يا ابن أخي إذا حدثتكم
 عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فلا تقصروا
 له أمثال روى ابن ماجة الأحاديث الثلاثة
 في أوائل سنتيه وعن قيس بن سعد قال
 أتيت الحيرة فقرأتهم يسجدون لم زبان لهم

عمر بن الخطاب ما أقدمك يا أبا الوليد فقص عليه
 القصصة وما قال من مسأكتيه فقال ارجع يا أبا الوليد
 إلى أرضك ففهم الله أرضا كنت فيها وأمثالك و
 كتب إلى معاوية لا أفرقة لك عليه وأحمل الناس
 على ما قال فإنه هو الأمر وعنه أبي سلة أن
 أباهم يرة قال لرجل يا ابن أخي إذا حدثتكم
 عن رسول الله صلى الله عليه وسلم فلا تقصروا
 له أمثال روى ابن ماجة الأحاديث الثلاثة
 في أوائل سنتيه وعن قيس بن سعد قال
 أتيت الحيرة فقرأتهم يسجدون لم زبان لهم

٤٣

أدم حد حمره پس دیدم اهل ممره را که سجده میکردند سرور خود را

فَقُلْتُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَقُّ

سپن گفتند و سید بن خدا علیه السلام سزاوارتر است

أَنْ يُسَجَّدَ لَهُ قَالَ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

با اینکه سجده کرده شود و او را گفت قیس بن سعد بن ابی طالب نزد پیغمبر علیه السلام

وَسَلَّمَ فَقُلْتُ إِنِّي أَتَيْتُ الْخَبِيرَةَ فَرَأَيْتُهُمْ يُسَجِّدُونَ

و سجد گفتند پس رفتم در خیره و دیدم اهل بیرون که سجده می کنند

لِرُزْبَانَ لَهُمْ فَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ يُسَجَّدَ

بر رزبان خود را پس نه ای پیغمبر خدا سزاوارتری با اینکه سجده کرده شود

لَكَ قَالَ أَرَأَيْتَ لَوْ مَرَرْتُ بِقَبْرِى أَكُنْتُ تُسَجِّدُكَ

مرتزا گفت آنحضرت مفرود مرا اگر بگذری بقبور من آیا سجد می کنی و او را

قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا لَوْ كُنْتُ أَمْرًا حَدًّا

گفت قیس گفتند سجده نکنم گفت آنحضرت پس نکنید سجده مرا اگر بودم که زمان می کردم یکبار

أَنْ يُسَجَّدَ لِأَحَدٍ لَا قَرْنَتِ النِّسَاءُ أَنْ يُسَجَّدَ

اینکه سجده کند یکی را تحقیق حکم میکردم زنان را آنکه سجده کنند

لَا زَوَاجَهُنَّ يَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْحَقِّ

شوهران خود را از برای آنچه که گردانیده است خدا برای مردان و زنان حق

رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَ فِي سُنَنِهِ فِي كِتَابِ النِّكَاحِ فِي

روایت کرده این حدیث را ابو داود در سنن ابی داود در کتاب النکاح در

بَابُ حَقِّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ

باب حق شوهر بر زن

باب السادس في حكم المحبة بالنبی صلی الله علیه وسلم

الله علیه وسلم قال الله تعالى في سورة التوبة
 قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَبُيُوتُكُمْ تَحْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ رِضْوَانُهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يُخَيِّرُ الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ
 هَكَذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ أَحَدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ قَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَرَقَاءِهِ

تا آنکه بپوشم دوست تر بسوی دستان پدر و سر و فرزندان دی و رایت کرد

تا آنکه بپوشم دوست تر بسوی دستان پدر و سر و فرزندان دی و رایت کرد

وخصایا و اولاد و فرزندان و رایت کرد

حَلَاوَةُ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ

خلاوت ایمان را بشیہ ناستبد خدا ور بولی خدا محبوبتر

الَّذِينَ سِوَاهُمَا أَنْ يَكُونَ الْمَرْءُ مُخِيبًا إِلَيْهِ

بہوئی دے اپنے عزیز عسوی فدا رسول و نگہ دو سہارہ

وَأَنْ يُّكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَقْدَرَ

و اینک ناخوش دار و این را که بازور آید و در کفر چنانکه ناخوش می دارد و اینک انداخته شد

فِي النَّارِ سَرَوَاهُ النَّجَارِيُّ فِي حَيْثُ فِي كَيْدِ الْإِيمَانِ

در آتش روایت گرد این حدیث را بخاری و در صحیح بخاری در کتابه الله تعالی

فِي بَابِ حَلَاوَةِ الْإِيمَانِ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي

در باب حوادث ایران و در این کتاب است

ایضاً فی کتاب الایمان فی باب خمسین من

در کتاب الایمان

اتصف بهم وجد حلاوة الإيمان وعلم

[illegible]

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى

11-25-4-11-29

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فقتال

مَا سَأَلَ اللَّهُ كَفَّ يَقُولُ فِي رَجُلٍ

یا رسول اللہ ﷺ در شاد مردیک دوست است تو را

[illegible][illegible]

وَالصَّلَاةُ وَعَنْ أَبِي وَاقِدٍ اللَّيْثِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ
 وَوَدَّيْتُ أَنْ أَرَى وَاقِدَ لَيْثِي
 صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَهُمَا هُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ
 وَرَأْسُهُ يَمُوتُ أَنْفَرَتْ شَيْئًا يَهُودِيًّا
 وَالتَّاسِ مَعَهُ إِذَا قَبِلَ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ فَأَقْبَلَ إِنْ شَاءَ
 وَرَأْسُهُ يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذَهَبَ
 بِسُورِيٍّ يَمُوتُ خَدَّيْهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَرَفَّتْ
 وَأَجِدُ قَالَ فَوَقَّافًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 كَلَفَتْ رَأْسَهُ يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 وَسَلَّمَ فَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَرَأَى فُرْجَةً فِي الْحَقْلِ
 وَسَلَّمَ يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 فَيَجْلِسُ فِيهَا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيَجْلِسُ خَلْفَهُمْ وَأَمَّا الثَّلَاثُ
 يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 فَأَذْبَرُ ذَاهِبًا فَلَمَّا فَرَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ الْآخِرُ كُمْ عَنْ النَّفَرِ الثَّلَاثَةِ
 كَلَفَتْ رَأْسَهُ يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا
 فَأَمَّا أَحَدُهُمَا فَرَأَى إِلَى اللَّهِ فَأَوَاءَ اللَّهُ وَأَمَّا الْآخَرُ
 كَلَفَتْ رَأْسَهُ يَمُوتُ بِأَنْفَرَتْ يَهُودِيًّا يَهُودِيًّا

[illegible][illegible]

فَاسْتَحْيَىٰ فَاسْتَحْيَىٰ اللَّهُ مِنْهُ وَأَمَّا الْآخَرُ فَأَعْرَضَ فَأَعْرَضَ

پس شرم کرد پس شرم کرد خدا ازان طلیک دیگر پس روگردانید پس اعراض کرد

اللَّهُ عَنْهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ

خدا از او روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب العلم

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ السَّلَامِ فِي

روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب السلام در

بَابٍ مِنْ أَتَىٰ مَجْلِسًا الرَّوْعَيْنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ

باب شریک آمد در مجلس الخ روایت است از ابن عباس که گفت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحِبُّوا

گفت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم دوست دارید

اللَّهُ لِيَا يَغْدُوَ وَكُمُ مِنْ نِعْمَةٍ وَأَحِبُّوا نِي لِحُبِّ اللَّهِ

خدا را از برای آنکه طعام و دینش را از نعت و دوست دارید مرا از جهت دوستی خدا

وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي

و دوست دارید اهل بیت مرا از جهت دوستی من روایت کرد این حدیث را ترمذی در

جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ فِي بَابِ مَنَاقِبِ أَهْلِ

جامع ترمذی در ابواب المناقب در باب مناقب اهل

بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ أَسْلَمَ عَنْ عُمَرَ أَنَّهُ

بیت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و روایت است از اسلم و او روایت کرد از عمر که فرمود

فَوْضَ لَا سَامَةَ فِي ثَلَاثَةِ أَلْفٍ وَخَمْسِمِائَةٍ

مقرر کرد برای اسامه بن زید در سه هزار و پانصد

وَقَرَضَ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ فِي ثَلَاثَةِ أَهْلِ الْكَلْبِ فَقَالَ

وَمقرر کرد برای عبد الله بن عمر در سه شهرتور پس گفت

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ لَا يَبْهَمُ لِي فَفَضَّلْتُ أَسَامَةَ عَلَى

عبد الله بن عمر هر دو را پنداختن وادی اسامه را بر من

قَالَ اللَّهُ مَا سَبَقَنِي إِلَى مَبْشَرٍ قَالَ لَأَنْ تَبْدَأَ أَكُنَ

پس میگفت بخدا سبقت نکردم است اسامه مرا بسوی پیش غرضه گفت عمر بن عمر بر من پنداختن بود

أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

دوست تر بسوی پیغمبر خدا صلوات الله علیه وسلم

مِنْ أَمْنِكَ وَكَانَ أَسَامَةُ أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ

از بدو تو و بود اسامه محبوب تر بسوی پیغمبر خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْكَ فَأَثَرْتُ حَبَّ

صلوات الله علیه وسلم از تو پس اختیار کردم محبوب

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى حُبِّي لِرَوَاهِ

رسول الله صلوات الله علیه وسلم را بر محبوب خود روایت کردن

التِّرْمِذِيُّ فِي الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ فِي بَابِ مَنَاقِبِ

ترمذی در کتاب مذکور در باب مناقب

زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ وَقَالَ هَذَا أَحَدُ بَيِّنَاتِ حَسَنِ عَرِيبٍ

زید بن حارثه و گفت ترمذی این حدیث حدیث حسن عریب است

وَعَنْ جَبَلَةَ بْنِ حَارِثَةَ قَالَ قَدِمْتُ عَلَى

و روایت است از جبلة بن حارثه که گفتم آمدم نزد

مگر از نفسی من پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم

پایان کامل غیبت سوگند بان خدا که ذات من در دست قدرت اوست تا آنکه با شتم محبوب تربوی

پس گفت مرا خضر مرا عمر دم تپس بر آئینه خان ایست که اکنون سو گند بخدا

محبوب تری بسوی من از نفس من پس گفت سیمبر صلی الله علیه و آله

و سلم مرعوف را اکنون ایران کامل شد ای عمر روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح

فِي أَقْلِ كِتَابِ الْإِيمَانِ وَالْتَذَوُّرِ وَحَسَنِ الْإِبْدَارِ

[illegible]

وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا

و می گویند که این قوم است که از هر دو طرف

ہاں جیسی میں دوست دارم میں دوست دارم

لوگو! نصرت کرو! اسے موافق ہو جائے اور اس کو اس کی جگہ پر لے آئیں۔

[illegible]

در باب بیان آنکه انسان با کسے خواهد بود که او را دوست دارد

و روایت است از ابن سیرین که گفت گفتم

از سوی پیغمبر ﷺ صلوات الله علیه وسلم است یا قیم آن مورا

از جانب انس یا از جانب اہل انس پس گشت عبیدہ

ہاں میں نے یہ سب کچھ دیکھا ہے۔

مِنْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَآلَةُ الْبَيْتِ فِي حَيْثُ

فَكَانَ الْمَوْضِعُ فُوكَا

ور کتاب الوصوه الی باب آیه شمس شود

سوی آدمی و روایت است از عباس و روایت کہ در ہر جہد و

الْبَيْتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أَحَدُ جِبِلِّ

وَأَوْفَىٰ رَوَاقِهَا

به دوست می دار و مرا دوست میدارم و او را بهایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب

[illegible]

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

الزَّكَاةَ فِي بَابِ خَصِصِ التَّمَوِّسِ كَرَأْحَدِثِ

حَيْنِ الْجَدْعِ وَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِهَذَا الْبَيَانِ بِضَاءِ

فِي بَابِ الْحَيَاتِ أَنْ يَنْشَأَ اللَّهُ تَعَالَى

الْبَابِ السَّابِعِ فِي آيَاتِ بَيْتِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْاَعْمُرَانِ

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ

اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ

اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَكَلَا

فِي بَابِ خَصِصِ التَّمَوِّسِ كَرَأْحَدِثِ

فِي بَابِ خَصِصِ التَّمَوِّسِ كَرَأْحَدِثِ

فِي بَابِ خَصِصِ التَّمَوِّسِ كَرَأْحَدِثِ

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ
وَأَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَوَلَّوْنَ الْمَسَاجِدَ وَيَنْحَرُونَ عَلَيْهَا لِيُظَاهَرَكُمْ عَنِ الْعَذَابِ

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠
 ١٢١
 ١٢٢
 ١٢٣
 ١٢٤
 ١٢٥
 ١٢٦
 ١٢٧
 ١٢٨
 ١٢٩
 ١٣٠
 ١٣١
 ١٣٢
 ١٣٣
 ١٣٤
 ١٣٥
 ١٣٦
 ١٣٧
 ١٣٨
 ١٣٩
 ١٤٠
 ١٤١
 ١٤٢
 ١٤٣
 ١٤٤
 ١٤٥
 ١٤٦
 ١٤٧
 ١٤٨
 ١٤٩
 ١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

رَأَيْتُ الْجَيْشَ بِعَيْنِي وَإِنِّي أَنَا النَّبِيُّ الْعَرِيَانُ
 فَالْبَاءُ قَاطَعَهُ طَائِفَةٌ مِنْ قَوْمِهِ فَأَذْجُوا
 أَنْظَلُّوْهُ عَلَى مَهْلِكِهِمْ فَبَجَاؤُكَ ذَبْتُ طَائِفَةً مِنْهُمْ
 فَأَصْبَحُوا مِثْلَ كَاهِنٍ وَفَصَبَحَهُمُ الْجَيْشُ فَأَهْلَكَهُمْ
 وَاجْتَأَهُمْ قَدْ لَكَ مِثْلُ مَنْ أَطَاعَنِي فَأَتَّبِعْ
 مَا جِئْتُ بِهِ وَمِثْلُ مَنْ عَصَانِي وَكَذَّبَ بِمَا جِئْتُ
 بِهِ مِنَ الْحَقِّ رَوَى الْبُخَارِيُّ الْأَحَادِيثُ الْأَرْبَعَةَ
 فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَعْتَصَامِ فِي بَابِ الْأَمْتِدَاءِ
 سُنَنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 عَنْ عَلْقَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ الْوَاسِطَةَ

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ
 وَأَمَّا أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ فَتَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ لَمْ تَكُنْ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ

فوجہ نہایت عمدتاً و ذرا باطنی است

وَالْوُتُنَاتِ وَالتَّقِصَّاتِ وَالتَّقْلِيَمَاتِ لِلْحُسْنِ الْمَغِيرَةِ

و پرمیکنند در آن سینه یا نیل تا بعد یا سبزرگردد و در آن نایر که با او این کار کرده شود و نایر که مواز رود و در

خَلَقَ اللَّهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمْرًا مِّنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ يُقَالُ لَهَا

پیدا شد خدا را پس رسید بن قول عبدالرزاق را که از قید بنی اسد بود گفته می شد و را
 اَمْ يَعْقُوبُ فِجَاءٌ فَقَالَتْ اِنَّهُ بَلْغَيْنِ اَنَاكَ

۱۴ یعقوبؑ پس اَمَّ اَنْ زَن پس گفت سبر اَمَّیْنِ شَان اَمَّیْنِ شَان کہ رسید مرا کہ تو
لَعَنْتَ کَیْتَ وَکَیْتَ فَقَالَ وَمَا لِيَ لَا الْعَنُ مِنْ

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَنْ

هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَقَالَتْ لَقَدْ قَرَأْتُ مَا بَيْنَ الْأَوَّلِ

فَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِ مَا تَقُولُوا قَالُوا لَكِنَّ كُنْتُمْ قُرْآنِيهِ

لَقَدْ وَجَدْتَنِي أَمَّا قَرَأْتَ وَمَا أَتَاكَمُ الرَّسُولُ فخذوا

وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأْتِيَهُوا قَالَتْ بَلَىٰ قَالَ فَإِنَّهُ قَدْ

عَنْهُ قَالَتْ فَإِنِّي أُرَىٰ أَمْلَكَ يَفْعَلُونَهُ قَالَ قَادَ

اور ان پیرچہ لغت ال دس پس من یستم اور پیرچہ لغت ال دس پس من یستم

[illegible][illegible]

صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَمَنْ يُعِمْ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ
 راه راست و کسی که فرمانبرداری کند خدا و پیغمبر را پس آن گروه
 مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ
 همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان
 وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا
 به شیوهان و صالحان و نیکو اند این جماعت رفیق
 ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عِلْمًا عَنْ
 این فضل است از خدا و کافیست خدا دانایان روایت است از
 عُرْوَةَ قَالَ خَاصَمَ الرَّبِيبُ رَجُلًا مِنْ الْأَنْصَارِ فِي
 عروه گفت خصومت کرد زبیر مردی که از انصار بود در
 شَيْءٍ مِنَ الْحَرَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 آب راه از سنگستان پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
 اسْقِ يَا زُبَيْرُ ثُمَّ أَرْسَلَ الْمَاءَ إِلَى جَارِكَ فَقَالَ
 سیراب کن زمین خود را از زیر پیر بن جاری کن آب را بسوی زمین سیراب خود پس گفت
 الْأَنْصَارِيُّ قَالَ اسْقِ يَا زُبَيْرُ ثُمَّ أَرْسَلَ الْمَاءَ
 ای انصاری خدا از برای آن این بود که من سیراب کنی کار پیغمبر است
 فَتَلَوْنَ وَجْهَهُ ثُمَّ قَالَ اسْقِ يَا زُبَيْرُ ثُمَّ أَخْبَسَ الْمَاءَ
 پس متلین شد روی مبارک آنحضرت پس برگشت آب را از زیر پیر بن آزار
 حَقٌّ يَرْجِعُ إِلَى الْجَدْرِ ثُمَّ أَرْسَلَ الْمَاءَ إِلَى جَارِكَ
 تا آنکه باز کرد آب بسوی دیوار پیر بن گزارد
 آب را کار سیراب شود بسوی زمین

حَرَامًا مُسْتَقِيمًا هـ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ
 رَاسِدُونَ
 وکسی که فرمانبردار می کند خدا و پیغمبر را پس آن گروه
 مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْقِدِّينَ
 همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان
 وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ هـ وَحَسَنَ أَوْلَئِكَ رِزْقُهُ
 و شایسته آن و صالحان و نیکو اند این جماعت از ایشان
 ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عِلْمًا هـ عَنْ
 این فضل است از خدا و کافیت است خدا دانایان روایت است از
 عَزْوَةَ قَالَ خَاصَمَ الرَّبِيبُ كَجَلَّ مِنْ الْأَنْصَارِ فِي
 عروه گفت خضومت کرد زبیر بخود که از انصار بود
 شَيْءٍ مِنَ الْحَرَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 آب راه از سنگستان پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
 اسْقِ يَا زُبَيْرُ ثُمَّ أَدْسِلَ الْمَاءَ إِلَى جَارِكَ فَقَالَ
 سیراب کن زمین خود را اگر سیرابتر جاری کن آب را بسوی زمین همسایه خویش گفت
 الْأَنْصَارِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَنَّكَ إِنْ عَمِلْتَ
 ای پیغمبر خدا از برای آن باین خود هر چه می کنی که ما پیوسته است
 فَتَكُونُ وَجْهًا ثُمَّ قَالَ اسْقِ يَا زُبَيْرُ ثُمَّ اخْبِشَ الْمَاءَ
 پس متواضع شد روی همسایه را بختیشت پیر گفت اخفشت سیراب کن زمین خود را ای زبیر که از انصار
 حَقٌّ يَرْجِعَ إِلَى الْجَدِّ ثُمَّ أَدْسِلَ الْمَاءَ إِلَى جَارِكَ
 تا آنکه باز گردی آب بسوی جدوار پیر گفت باز گردی آب را که جاری شود بسوی زمین

مصدقان نقل کرده اند
 و هر کسی که از این کتاب بخواند
 و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت
 و هر کس که از این کتاب
 بخواند و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت

و هر کس که از این کتاب بخواند
 و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت
 و هر کس که از این کتاب
 بخواند و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت

وَأَسْتَوْعَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلزَّبِيرِ حَقَّهُ
 فِي صَرْفِ الْحُكْمِ حِينَ اخْفَظَهُ الْأَنْصَارِيُّ كَانَ
 أَشَارَ عَلَيْهِمَا بِأَمْرٍ فِيهِ سَعَةٌ قَالَ الزَّبِيرُ جَاءَ
 هَذِهِ الْأَيَاتِ الْآتَزَلْتُ فِي ذَلِكَ فَلَا وَرَبِّكَ
 لَا يُؤْمِنُونَ حَقَّ كَيْفَ يَكُونُ فِيمَا شَجَرْتَهُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
 فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ التَّفْسِيرِ فِي تَفْسِيرِ سُورَةِ النَّسَاءِ
 وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزَّبِيرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
 الزَّبِيرِ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْمَصَائِلِ وَرَوَاهُ
 مَا جَاءَ فِي أَوَّلِ سُنتِهِ كَسَمَلٍ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 فِي سُورَةِ الْمَائِدَةِ وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ

و هر کس که از این کتاب بخواند
 و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت
 و هر کس که از این کتاب
 بخواند و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت
 و هر کس که از این کتاب
 بخواند و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت

در کتاب التفسیر

و احادیث

و هر کس که از این کتاب بخواند
 و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت
 و هر کس که از این کتاب
 بخواند و بفهمد و عمل کند
 به او عفو و مغفرت
 الهی و جنت و بهشت

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قَبْلَ لَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ ثُمَّ آخِذٌ بِيَدِي قُلْ اِلَّا اِذَا
 اَنْ تَخْرُجَ قُلْتُ لَهُ اَلَمْ تَقُلْ لَا عِلْمَ لَكَ سُوْرَةُ هِيَ
 اَعْظَمُ سُوْرَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اَمَجِدُ لِلَّهِ رَحْمَةً
 الْعَالَمِينَ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِ وَالْقُرْآنُ الْعَظِيْمُ
 الَّذِي اُوْتِيْتُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي اَوَّلِ
 كِتَابِ التَّفْسِيْرِ وَكَانَ اللَّهُ تَعَالَى فِي آخِرِ سُوْرَةِ النَّوْ
 لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِيْنَ وَالدَّخَلِيْنَ
 الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ
 يَزِيْغُ فُلُوْبُكُمْ فَبَقِيَ مِنْهُمْ مَنْ تَابَ عَلَيْهِمْ اِلٰهًا بِهِمْ
 رَوْفٌ رَّحِيْمٌ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِيْنَ خَلَفُوْا

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

۸۶

قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ
 قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوْنِيْ ۙ يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

حِينَ كَانَتْ الْيَمَارُ وَالظِّلَالُ وَتَجْمَعُ رُسُلُ اللَّهِ

وَتَجْمَعُ رُسُلُ اللَّهِ
خوش معلوم میشدند برای درخت و سایه و آناده شدند پیغمبر خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْمُسْلِمُونَ مَعَهُ فَطَفِقَتْ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
وَمُسْلِمَانِ
بِأَنْخَفَتِ بَرِيذِ عَرَبِيٍّ
أَعْدُو وَلَكِي أَتَجْمَعُ مَعَهُمْ فَأَرْجِعُ وَلَمْ أَقْضِ شَيْئًا

که بوقت آمدن من بآنکه آناده شوم ایشان پس رجوع میکردم و در آنکه بهیسانستم چیزی را
فَأَقُولُ فِي نَفْسِي وَأَنَا قَادِرٌ عَلَيْهِ فَلَمْ يَنْبَلْ يَمْلَأُ

پس میگفتم در نفس خود و من قادرم پس پیشه بودم این حال
بِي حِينَ أَشْتَدُّ يَا لِنَاسٍ لِحَدِّ فَأَصْبَحَ رَسُولُ

وَتَجْمَعُ
سخت بود بامردم گشتش پس بوقت آمدن من بآنکه
اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْمُسْلِمُونَ مَعَهُ وَلَمْ أَقْضِ

خدا صلوات الله علیه وسلم و مسلمانان با آنحضرت و میا نکردم
مِنْ جِهَانِي شَيْئًا فَقُلْتُ أَتَجْمَعُ بَعْدَهُ أَوْ يَوْمَ يَوْمٍ

از رخت خود چیز را پس گفتم آناده شوم بعد آنحضرت در روزی یا در روز
ثُمَّ لِحَقِّهِمْ فَعَدَوْتُ بَعْدَ أَنْ فَضَلُوا لِأَتَجْمَعُ

پستر مدسم ایشان را پس بوقت آمدن من بعد آنکه جدا شدند ایشان تا آنکه شوم
فَرَجَعْتُ وَلَمْ أَقْضِ شَيْئًا ثُمَّ غَدَوْتُ فَجِئْتُ

پس باز گشتم و میا نکردم چیز را پستر بوقت آمدن من پس باز گشتم
وَلَمْ أَقْضِ شَيْئًا فَلَمْ يَنْبَلْ بِي حَقِّي أَسْرَعُوا

و میا نکردم چیز را پس پیشه بود بامن این حال تا آنکه بزودی بقیه ایشان

والله اعلم بالصواب

[illegible]

94

جی

بِسْمِ مَا قُلْتُ وَاللّٰهُ يَارَسُوْلَ اللّٰهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ اِلَّا
 بدست آنچه گفتمی سوگند بخدا یا رسول الله خدا شنیدیم بروی تو
 خَيْرًا فَاَسْكَنْتَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 نیکی را پس قلموش شد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم
 قَالَ كَعْبُ بْنُ مَالِكٍ فَلَمَّا بَلَغَنِي أَنَّهُ تَوَجَّهَ قَافِلًا
 گفت کعب بن مالک پس چون رسیدم آنکه آنحضرت متوجه شد از سفر بازگشت
 حَضَرَنِي هُوَ وَطَفِيقُ أَتَدْرُكُ الْكَذِبَ وَأَقُولُ
 لایق شد مرا اندوه من و شروع کردم که یاد میکردم دروغ را و میگفتم
 بِمَاذَا أَخْرَجَ مِنْ سَخَطِهِ غَدًا وَاسْتَعْنَتْ عَلَى
 آنچه سب بیرون شوم از خشم آنحضرت فردا و مدد خواستم بر
 ذَلِكَ يَكُلُ ذِي رَأْيٍ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ قِيلَ إِنَّ
 آن ازهر صاحب رای از اهل من پس چون گفتند تحقیق
 رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَظْلَمَ
 پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم قریب آمد در مالیک
 قَادِمًا زَا حَقِّ الْبَاطِلِ وَعَرَفْتُ أَنِّي لَنْ أَخْرَجَ
 باز آئنده است از سفر باطل شد از من باطل و دانستم آنکه هرگز از من نخواهم
 مِنْهُ أَبَدًا اِشْتَرَيْتُ فِيهِ كَذِبًا فَاجْمَعْتُ صِدْقًا
 از آن گاه بخرم در او کجاست پس تصمیم کردم که خود را راست گوئی
 وَأَصْبَحَ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 و بیدار گرد پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

لکه

ای ازین چشم که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود

و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود

و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود

و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود
 و آنرا که در آنجا بود

قَادِمًا وَكَانَ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ يَدُّ أَبَا الْمُسَيَّبِ
 باز آید و از سفر بیرون آید چون باز می آید از سفر اول می آید و مسجده
 فَبَرَكَا فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ جَلَسَ لِلنَّاسِ فَلَمَّا فَعَلَ
 پس بگزارد و در آن مسجد دو رکعت نماز بجزئی نشست برای مشق کردن از ارادت خود مردم را
 ذَلِكَ جَاءَهُ الْخَلْفُونَ فَطَفِقُوا يَعْتَنِي رُونَ
 این کار آمدند نزد آنحضرت پس ماندگان پیش مشغول گردیدند که عزراخواهی می کردند
 إِلَيْهِ وَيَجْلِفُونَ لَهُ وَكَانُوا بَضْعَةً وَثَمَانِينَ رَجُلًا
 پیش آنحضرت رسو گردیدند برای خوشنودی آنحضرت و بودند چند و شصت و دو
 فَقَبِلَ مِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 پس پذیرفت از ایشان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 عَلَانِيَةً مَوْبَايِعَهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ وَوَكَّلَ سَعْدَ بْنَ
 بیجا و آشکارا بخواستن از ایشان و طلب آمرزش کرد برای ایشان و گرداشت را از ایشان
 إِلَى اللَّهِ فَجِئَتْهُ فَلَمَّا سَلَّمَ عَلَيْهِ تَكَبَّرَ تَكَبُّرُهُ
 بخدا آمد نزد آنحضرت پس چون سلام کرد بر آنحضرت تکبر کرد مانند تکبر
 أَنَّهُ نَبِيٌّ ثُمَّ قَالَ تَعَالَى فَجِئَتْهُ آمِشِي حَتَّى جَلَسْتَ
 پس بگفت آنحضرت بیا پس آمد در جای که می رفته تا آنکه نشست
 بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لِي مَا خَلَفَكَ أَلَمْ تَكُنْ قَدِ
 پیش آنحضرت صلم پس گفت آنحضرت مرا چه چیز سپرد و اینها آیا نبود
 ابْنَتُ ظَهْرَكَ فَقُلْتُ بَلَى إِنِّي وَاللَّهِ لَوَجَلَسْتُ
 سر بدی ستور خود را پس گفتم آری که تحقیق من سوگند خدا اگر نشسته

عِنْدَ غَيْرِكَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا لَكَ أَيْتٌ أَنْ سَاحِرٌ
 نزد غیر تو از اهل دنیا برای تو آیت است که بیرون شوم
 مِنْ سَخَطِهِ يَعْذُرُ وَلَقَدْ أُعْطِيَ جَدًّا وَكَفَى
 از خشم او بابت عذر و برای تو تحقیق داده شده ام هجاعت و لیکن من
 وَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُ لَنْ تُحَدِّثَنَّكَ الْيَوْمَ حَدِيثٌ
 سوگند بخدا تحقیق دارم که تو امروز سخن
 كَذِبٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَخْطُبَكَ
 دروغ خوشنودشی بان سخن از من برای تو قریب است آنکه خدا ختیلین گرداند ترا
 عَلَيَّ وَلَكِنْ حَدَّثْتُكَ حَدِيثَ صِدْقٍ تَجِدُ
 بر من و برای تو اگر گویم ترا سخن راست خشم گیری
 عَلَيَّ فِيهِ إِنِّي لَأَرْجُو فِيهِ عَفْوَ اللَّهِ لَا وَاللَّهِ
 بر من در آن سخن برای تو من امید دارم در آن سخن در گذشتن خدا از گناه البته سوگند بخدا
 مَا كَانَ لِي مِنْ عَذْرٍ وَاللَّهُ مَا كُنْتُ قَطُّ أَقْوَى
 نبود برای من چیزی از عذر سوگند بخدا نبودم هرگز نه اقوی تر
 وَلَا أَيْسَرُ مِنِّي حِينَ تَخْلَعُ عَنْكَ فَقَالَ
 و نه آسان تر از من در آن که بپوشد من و تو گفت پس
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَاهُ هَذَا
 پیغمبر خدا علیه السلام و سلم لیکن این
 فَقَدْ صَدَقَ فَقَمُّ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ فِيكَ فَقَمْتُ
 پس تحقیق راست گفت پس بایست تا آنکه حکم کند خدا در شان تو چه راستادم یعنی بقتل

الحمد لله رب العالمین
 وقوف فی اللهم رب العالمین
 الی ان شاء الله تعالی
 التمجید عن سبک کونانی
 تامل و تفکر در حدیث
 فی السطحات الی ۱۲
 حدیث حدیث
 فی السطحات الی ۱۲

و در گفتند مردی از قبیل بنی سلمه پس پرسوی کردند مرا پس گفتند مرا
 و الله ما عيناك كنت اذ نبت ذنبا قبل هذا و
 سوگند بخدا نداستیم ترا که کرده بودی گناه پیش از این و
 لقد عجزت ان لا تكون اعتذرت الى رسول الله
 بر آنکه نتوانستم عذر خود را بفرستاده خدا
 صلى الله عليه وسلم ما اعتذر الى الخلفون
 بجهت اسد علیه و سلم بهیچیکه عذر خواهی کردن به خلیفان
 قد كان كافيك ذنبك استغفارت رسول الله
 بود کافی ترا بجهت برای گناه تو طلب آمرزش کردن
 صلى الله عليه وسلم لك فوالله ما زالوا
 بجهت اسد علیه و سلم برای تو پس سوگند بخدا همیشه بودند
 يؤيوني حتى اردت ان ارجع فاكذب نفسي
 که حمایت می کردند مرا تا آنکه اراده کردم پس که بگویم نفس خود را
 ثم قلت لهم هل لقي هذا معي احد قالوا نعم
 پسر گفتند مرا ایشان را آیا در رسید این حال را با من هیچ یکی گفتند آری
 رجلا ن قالوا مثل ما قلت فقيل لها مثل ما قيل
 دو مردم گفتند مانند آنچه تو گفتی پس گفتند مرا ایشان را مانند آنچه گفتی
 لك فقلت من هما قالوا امرأة بن الربيع العمري
 مرا پس گفتند کدام مردم بدانند برود گفتند آن برود مردم مراره بن ربيع عمروی

و سار رجال من بني سلمة فأتبعوني فقالوا لي
 و الذين يقولون لي ما عيناك كنت اذ نبت ذنبا قبل هذا و
 الله ما عيناك كنت اذ نبت ذنبا قبل هذا و
 لقد عجزت ان لا تكون اعتذرت الى رسول الله
 صلى الله عليه وسلم ما اعتذر الى الخلفون
 قد كان كافيك ذنبك استغفارت رسول الله
 صلى الله عليه وسلم لك فوالله ما زالوا
 يؤيوني حتى اردت ان ارجع فاكذب نفسي
 ثم قلت لهم هل لقي هذا معي احد قالوا نعم
 رجلا ن قالوا مثل ما قلت فقيل لها مثل ما قيل
 لك فقلت من هما قالوا امرأة بن الربيع العمري

وَهَذَا مِنْ أَمِيَّةِ الْوَاقِعِ فَذَكَّرُوا لِي رَجُلَيْنِ

دلیل بن امیه واقعی اند پس ذکر کردند بن دوم مرد

صَالِحَيْنِ قَدْ شَهِدَا بَدْرًا فِيهَا أَسْوَةٌ مُخَصَّيْتٌ

صلح را که تحقیق حاضر شده بودند در غزو بدر و در ایشان قابلیت پیشوایی بود پس از

حِينَ ذَكَرُوا هَآلِي وَهِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

و هنگامی که ذکر کردند آن دوم مرد را بن و باز داشت پیغمبر خدا صلی الله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُسْلِمِينَ عَنْ كَلَامِنَا أَيُّهَا الثَّلَاثَةُ

علیه وسلم مسلمانان را از کلام ما که سه مرد بودیم

مِنْ بَيْنِ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ فَأَجْتَنَبْنَا النَّاسُ وَتَغَيَّرُوا

از میان کسانی که پس ماندند از حضرت پس پرهیز کردند ما را مردم و متغیر شدند

لَنَا حَتَّى تَنَكَّرْتُ فِي نَفْسِي الْأَرْضُ فَمَا هِيَ إِلَّا عَرَفٌ

از ما تا آنکه متغیر شد در نفس من زمین پس نبود آن زمین که پیشتر نامش اودا

فَلَيْتُنَا عَلَى ذَلِكَ خَمْسِينَ لَيْلَةً فَأَمَّا صَاحِبَايَ

پس درنگ کردم بر آن حال پنجاه شب پس یکی دو باران من

فَاسْتَكَنَّا وَقَعَدَا فِي بُيُوتِهِمَا يَنْكِيَانِ وَأَمَّا أَنَا فَكُنْتُ

پس خود تنی کردند و نشستند در خانه های خود در محالگی گزیدند و یکی من پس بودم

أَشَبَّ الْقَوْمِ وَأَجْلَدَهُمْ فَكُنْتُ أَخْرَجُ فَأَشْهَدُ

توانا ترین قوم و پخته ترین ایشان پس بودم که بیرون می شدم پس حاضر می شدم

الصَّلَاةَ مَعَ الْمُسْلِمِينَ وَأَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ

برای نماز با مسلمانان و می گردیدم در بازارها

أَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَسَكَتَ مُعَذِّبُ كُفْرِهِمْ

کردوسی دارم خدا و پیغمبر خدا را پس خاموش ماند پس بازگفتم کلام خود را بانی تاده پس

فَسَكَتَ مُعَذِّبُ كُفْرِهِمْ فَفَتَنَّا اللَّهُ فَقَالَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

پس خاموش ماند پس بازگفتم کلام خود را و پس سوال کردم از او پس گفت خدا و رسول او

أَعْلَمُ فَقَاضَتْ عَيْنَايَ وَتَوَلَّيْتُ حَتَّى تَسْوَرْتُ

دانان تراست پس روان شد اشک چشمهای من و روگردانیدم تا آنکه برآمدم

الْحَدَّ أَرَقَالَ قَبِينَا أَنَا أَمْشِي بِسُوقِ الْمَدِينَةِ

بر دیوانه گفتم کعب بن مالک پس در آشنایان من پیوستم در بازار مدینه

إِذَا أَبْصَرْتُ مِنْ أُنْبَاطِ أَهْلِ الشَّامِ مِنْ قَدَمٍ بِالْطَّعَامِ

همواره بنگارم از سر از کشته از اهل شام از جایی که آورند طعام را

بِئْسَ بِالْمَدِينَةِ يَقُولُ مَنْ يَكْدُلُ عَلَى كَعْبِ بْنِ

در آنجا که می فروخته اند در مدینه میگفت کدام کس در نهانی میکند بسوی کعب بن

مَالِكٍ فَطَفِقَ النَّاسُ يُشِيرُونَ لَهُ حَقًّا إِذَا اجَاءَ

مالک پس شروع کردند مردم که اشارات می کردند او را تا آنکه چون آمد آن شخص نزد

دَفَعَ إِلَيَّ كِتَابًا مِنْ مَلِكِ غَسَّانَ فَإِذَا فِيهِ أَمَّا

داد بمن نامه از جانب شاه غسان پس نامه در آن نامه بود نامه

بَعْدَ فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَنِي أَنَّ صَاحِبَكَ قَدْ جَفَاكَ

پس برآمده شایان اینست که تحقیق در رسید مرا آنکه صاحب تو تحقیق ستم کرد بر تو

وَلَمْ يُجْعَلْكَ اللَّهُ بِدَارِ هَوَاٍ وَلَا مُضِيعَةٍ

و نگردانید ترا خدا در خانه خواری و نه در جای مضر و ضلوع شود حق تو

امْرَأَةٌ هَلَالِي بِنُ امِّيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 زن هلال بن امیه نزد پیغمبر خدا علیه السلام
 وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَلَالَ بْنَ امِّيَّةَ
 پس گفت یا رسول الله هلال بن امیه مرا
 شَيْءٌ ضَائِعٌ لَيْسَ لَهُ خَادِمٌ فَهَلْ تَتْرُكُهُ أَنْ أَخَذَ
 پیریت تلف شونده نیست مرا و چاکر پس آیا ناپسند داری اگر خدمت کنم او را
 قَالَ لَا وَلَكِنْ لَا يَقْرَبُكَ قَالَتْ إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا يَه
 گفت آنحضرت نه و لیکن مباشرت نکند با تو گفت آن زن بر آنکه ایشان است سوگند بخدا
 حَرَكَةٌ إِلَى شَيْءٍ وَاللَّهِ مَا ذَالَ يَنْبِكِي مِنْذُ كَانَ
 جنبش بوسی چیزی سوگند بخدا همیشه است که برگردد از وقتیکه شد
 مِنْ أَمْرِ مَا كَانَ إِلَى يَوْمِهِ هَذَا فَقَالَ لِي بَعْضُ
 از امر او آنچه گشود تا امروز پس گفت مرا بعض
 أَهْلِي لَوْ اسْتَأْذَنْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 اهل من اگر طلب اذن کنی از پیغمبر خدا علیه السلام
 وَسَلَّمَ فِي أَمْرِ آتِكَ كَمَا آذِنَ لِأَمْرَةِ هَلَالِ بْنِ
 و سلم در حال زن خود چنانکه دستوری داد آنحضرت برای زن هلال بن
 امِّيَّةَ أَنْ تَخْدُمَهُ فَقُلْتُ وَاللَّهِ لَا اسْتَأْذِنُ فِيهَا
 امیه آنکه خدمت کند آن زن هلال بن امیه را پس گفتم سوگند بخدا اذن نخواهم کرد و همان زن
 رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَمَا يَذَرْنِي
 از پیغمبر خدا علیه السلام و چه چیز را باند مرا

الحمد لله الذي هدانا لهذا
 ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

النَّاسُ فَوْجًا فَوْجًا يُهْتَدُونَ بِالتَّوْبَةِ يَقُولُونَ

کرده کرده مبارکباد گوینده مرا بسبب قبول تو به درحالی که میقتضی

لَقَدْ صَدَّقَ تَوْبَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ قَالَ كَفَىٰ حَتَّىٰ دَخَلْتَ

المُسَيَّرَ فَإِذَا تَوَسَّوْا، اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس ناگاه لما قی شدم با پیغمبر خدا

و در ایاک نشسته بودند که آنحضرت مردم پس استاد سبوی من علمه بن عبید الله

چهارمین حسی صاحبی و هفتی و الله ما فامالی
در حالیکه تیزی آمد تا آنکه مصافحه کرد مرا و مبارکباد داد مرا سوگند بخدا استناد سووی من

درجل من المهاجرين غیره ولا اسماھایطرحه
مردے از مهاجرین سواي ظلم و فراموش نگمن این شخصت را از ظلم

گفت کعب پس چون سلام کردم بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَامٌ وَهُوَ يَبْرُقُ وَجْهَهُ مِنَ السُّورِ أَكْبَرُ

يُخَيِّرُكَ مَجْرَىٰ عَيْنِكَ مِّنْهُ وَلَئِنَّكَ أَمْرًا قَالِ

ازدو قلم زاده مادر و لغت حسب

[illegible]

یوم اسلام

الحمد لله الذي جعل يوم الجمعة يوم الجمعة

صدقہ الی اسد والی

قال في بعض الامور

بعض مالک

صلوات الله وسلامه عليه

نفاذ کے لئے

فَيَكُونُ بَيْنَهُمَا الْقِسْمَانِ وَقَالَ
الْعَلَّامَةُ الْقِسْمَانِ وَقَالَ

قلمه

خود و ما، بسیار اعظم شما و ما را از شما علی القدره

خط السعيا و السكينة
الرباني الشكر و الفخر
عبد الله بن عبد الله

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم نے فرمایا کہ جو شخص اپنے آپ کو اللہ کے رسول کے ساتھ ملے گا، اللہ اس کو جنت میں داخل کرے گا۔

وَمِنْهُمْ مَنْ يَخُفُّهُمْ فِتْنَةُ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَةِ وَقُلُوبُهُمْ مُجَافٍ عَنْ الدِّينِ ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْتُ أَمِنْ عِنْدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمِنْ عِنْدَ اللَّهِ
گفتم آیا از نزد تو یا رسول الله یا از نزد خدا

قَالَ لَا بَلْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
گفت آنحضرت بلکه از نزد خدا و بود پیغمبر خدا

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سُرَّ اسْتَنَارَ وَجْهُهُ حَتَّى كَانَهُ
الله علیه وسلم چون شاد میشد روشن میشد روی مبارک آنحضرت تا آنکه گویا

قِطْعَةً قَرِيرًا وَكُنَّا نَعْرِفُ ذَلِكَ مِنْهُ فَلَمَّا جَلَسَتْ
پاره ماه بود و بودیم ما که می شناختیم آنرا از آن پس چون نشست

بَيْنَ يَدَيْهِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ تَوْبَتِي
پیش آنحضرت گفتم یا رسول الله هر گزینه از توبه منست

أَنْ أَتَخْلِعَ مِنْ مَالِي صَدَقَةً إِلَى اللَّهِ وَإِلَى
آنکه بیرون شوم از مال خود از روی صدقه بسوی خدا و بسوی

رَسُولِ اللَّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
پیغمبر خدا گفت پیغمبر خدا صلوات الله علیه و

سَلَّمَ أُمْسِكْ عَلَيْكَ بَعْضَ مَالِكَ هُوَ خَيْرٌ
سلام بدار نزد خود بعض مال خود را پس این کار نیکوتر است

لَكَ قُلْتُ فَإِنِّي أُمْسِكُ سَهْمِي الَّذِي يَجْزِي
منرا گفتم پس بر آنمیدم از خود آن بهره خود را که تجزیر است

فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ إِذَا نَجَّاهُ
پس گفتم یا رسول الله هر گزینه خدا جزاین غیبت که نجات داد مرا

از روی مبارک

بِالصِّدْقِ وَإِنَّ مِنْ تَوْبَتِي أَنْ لَا أُحَدِّثَ
 سبب راستی و برآیند از توبه من آنکه سخن بگویم
 إِلَّا صِدْقًا مَا يَقْبِئُ فَوَاللَّهِ مَا أَعْلَمُ أَحَدًا
 مگر راست تازنده نامم پس سوگند بخدا نمی دانم هیچ یک را
 مِّنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا هَ اللَّهُ فِي صِدْقِي الْحَدِيثُ
 از مسلمانان که نعمت داده باشد در افتاد راستی سخن
 مُنْذُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 از وقتیکه ذکر کردم سرچ آنرا از پیغمبر خدا صلی الله
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِي هَذَا أَحْسَنَ مِمَّا أَبْلَاَنِي
 علیه و سلم تا امروز نیکوتر از آنکه نعمت داد مرا
 وَمَا تَعَدَّتْ مُنْذُ ذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ
 و آنچه نگزیدم از وقتیکه ذکر کردم آنرا از پیغمبر خدا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى يَوْمِي هَذَا الْكَذِبَ
 صلی الله علیه و سلم تا امروز دروغ گویی را
 وَإِنِّي لَا رَجْوَانَ يَحْفَظَنِي اللَّهُ فِيمَا بَقَيْتُ وَأَتَرَكُ
 و تحقیق من هر آینه امید می دارم آنکه نگاه دارد مرا خدا در آن زمان که زنده نامم و فانی نگردد
 اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 خدا بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم
 لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَى قَوْلِهِ
 لقد تاب الله على النبی و المهاجرین تا قول خدا

له ذر فوالله
 بالعلم احدا من
 المسلمين باللاه الله
 بالوجه والاسانته
 التي نام عليه الصلاة
 والسلام ١٠١٣

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ قَوْلَهُ مَا أَغْنَىٰ اللَّهُ عَنْهُ
 مَنَعُوا مَعَ الصَّادِقِينَ پس قسم بخدا انعام نکرد خدا بر من
 مِنْ نِعْمَةٍ قَطُّ بَعْدَ أَنْ هَدَانِي إِلَىٰ سَلَامٍ اعْظَمَ
 آنچه یک نعمت جز آنکه راه راست نمود مرا براهی بزرگتر
 فِي نَفْسِي مِنْ صِدْقِي لَوْ سَوَّلَ اللَّهُ أَنْ لَا أَكُونَ
 در نفس من از راست گویی من یا پیغمبر خدا آنکه نبودم
 كَذِبُهُ فَأَهْلِكَ كَمَا هَلَكَ الَّذِينَ كَذَبُوا فَأَنَّ اللَّهَ
 کرد و لعنای او انحضرت پس هلاک گردیدی چنانکه هلاک شدند کسانی که دروغ گفتند پس بدینجه خدا
 قَالَ لِلَّذِينَ كَذَبُوا حِينَ أَنْزَلَ الْوَحْيَ شَرُّ مَا
 گفت درشان کسانی که دروغ گفتند و قبیله نازل کرد خدا و می رای بدترین چیزیکه
 قَالَ لِأَحَدٍ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ سَجَّافُونَ
 گفت درشان یکی پس گفت خدا تبارک و تعالی سبجفون
 بِاللَّهِ لَكُمْ إِذْ انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ إِلَىٰ قَوْلِهِ فَإِنَّ اللَّهَ
 بالله کهم اذا انقلبتم الیهیم تا قول خدا فان الله
 لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ قَالَ كَعْبٌ وَ
 لا یرضی عن القوم الفاسقین گفت کعب و
 كَمَا تَخْلَفْنَا أَيُّهَا الثَّلَاثَةُ عَنْ أَمْرٍ وَلَكَ الَّذِينَ
 بودیم پس کرده شدیم ما از امر کسانی که
 قِيلَ مِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 پذیرفت از ایشان پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

[illegible]

حِينَ حَلَفُوا لَهُ فَبَايَعَهُمْ وَاسْتَغْفَرَهُمْ وَأَرْحَاهُمْ
سَوَّكَ خُور دَنَدَنَ بَرایِ خُوشَن‌دُویِ اَنْخَرَتِ بِرِ تَوَلَّیِ عِیتِ کُردِ اَزِیْشَانِ وَطَلَبِ اَمْرِ رِشِ کُردِ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمْرًا حَقًّا

قَضَى اللَّهُ فِيهِ قَبْدَكَ قَالَ اللَّهُ مَوْعَلَى الثَّلَاثَةِ
 حکم کرد خدا دران امر پس سبب آن گفت خدا و علی الثلثة

الَّذِينَ خَلَفُوا وَلَيْسَ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ مِمَّا خَلَفْنَا

عَنِ الْغُرِّ وَأَنَا هُوَ خَلِيفَةُ إِبْرَاهِيمَ وَأَرْجَاءُ كَافِرٌ
غروه و این نیست که آن سهیل گردن حضرت ابرا و ناصر حضرت ابراهیم است

عَمَّنْ حَافِلُهُ وَاعْتَذَرَ إِلَيْهِ فَقَبِلَ مِنْهُ رَوَاهُ
 از کسی که سوگند خود را برای خوشنودا اعفوت و عذر خواهی کرد بسوی اعفوت پس پذیرفت اعفوت

النجارى فى صحيحه فى كتاب المغازى فى باب
 نجارى در صحيح بخارى در كتاب المغازى در باب

حَدَّثَنَا كَعْبُ بْنُ مَالِكٍ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي

در کتاب التوبة و عن اسحاق بن
روایت است از اسحاق بن

راشد کہ ہر ایسے زہری حدیث بیان کردادراغت منبر داد مرا

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَعْبٍ بْنِ مَالِكٍ

عبدالرحمن بن عبداللہ بن کعب بن مالک

عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي كَعْبَ بْنَ مَالٍ

آن پدر خود عبدالله گفت عبدالله شنیدم پدر خود کعب بن مالک را

وَهُوَ أَحَدُ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ تَبَيَّنَ عَلَيْهِمُ آيَةُ

و اُن کے اذان سے کسانت کہ برکت بازگشتہ شد پریشان کہ ہر آئینہ

لَمْ يَخْلَفْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

لعب پس نماند از پیغمبر خدا صلی الله علیه و

سَلَّمَ فِي غَزْوَةٍ غَزَاهَا قَطُّ غَيْرَ غَزْوَتَيْنِ

الم در هیچ غزوہ کہ غزوہ بدر و آنحضرت پرگز سوائے دو غزوہ

غَزْوَةُ الْعُسْرِ وَغَزْوُ بَدْرٍ قَالَ فَأَجْمَعْتُ

غزوة العسرة یعنی غزوہ تبوک وعزوة بدر گفت کعب پس مسمی کردم قصد خود را

صِدْقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

براست گوئی با پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم

ضَعِيَ وَكَانَ قَلَّ مَا يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ سَافَرَهُ إِلَّا

بوقت چاشت دہودا حضرت کم باز می آمد

ضَمِي وَكَانَ يَبْدُ أَبِ الْمَسْجِدِ فَبَرَكَهُ رُكْعَتَيْنِ

داشتگاه و بود اخفرت که اول می آمد در مسجد پس می گزارد دور گفت

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ كَلَامِي

بازداشت پیغمبر ﷺ و سلم از کلام من

المجلة
ديفوزية بوجتة العرف
للقسطاني ١٢

القسط الثاني ١٢

له وادرس فی کتاب
 الاثر من اجل ای بعد ضعی
 ضعیف یا پس ایضی عن
 کلام وقرآن مستقیم وایضی
 وکون العین المؤمنة وایضی
 النور وایضی وایضی
 ذات اقتدار وایضی
 الکشف وایضی وایضی
 وایضی وایضی وایضی
 وایضی وایضی وایضی
 وایضی وایضی وایضی
 وایضی وایضی وایضی
 وایضی وایضی وایضی

وَكَلَامٍ صَاحِبِيٍّ وَلَمْ يَنْهَ عَنْ كَلَامٍ أَحَدٍ مِنْ
 وکلام دو صاحبان من وپارداشت از کلام هیچ یکی از
 الْمُخْتَلِفِينَ غَيْرَنَا فَأَجْتَنَّبَ النَّاسُ كَلَامَنَا
 پس اندگان سوا ما پهلها برپیز کردند مردم از کلام ما
 فَلَيْسَتْ كَذَلِكَ حَتَّى طَالَ عَلَيَّ الْكَلَامُ وَمَا مِنْ
 پس درنگ کردم بچنان حال تا آنکه دراز شد بر من امر ونبود
 شَيْءٌ أَهَمُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَمُوتَ فَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ
 چیزیست کارتر نزد من از آنکه بمیرم پس نگذازد نماز بر من
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْ يَمُوتَ رَسُولُ اللَّهِ
 پیغمبر صلی الله علیه و سلم یا وقت یابد پیغمبر خدا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَوْنُ مِنَ النَّاسِ يَتْلُو
 صلی الله علیه و سلم پس باشم از جانب مردم برین
 الْمَنْزِلَةَ فَلَا يَكِلُنِي أَحَدٌ مِنْهُمْ وَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ
 مرتبه پس کلام نگذرد مرا هیچ یکی از ایشان و نماز نگذارد بر من
 فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَوْبَتَنَا عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 پس نازل کرد خدا توبه ما بر پیغمبر خود صلی الله علیه
 وَسَلَّمَ حِينَ بَقِيَ الثَّلَاثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ وَ
 و سلم و تنگد باقی ماند سوم حصه سپس از شب و
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ أَمِّ سَلَمَةَ
 پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم نزد ام سلمه بود

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا كَيْفَ تَعْمَلُونَ إِلَى
أُولَئِكَ كَمَا مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ
مَسْكُورَاهُ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ التَّغَابُنِ
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَكَّلْتُمْ
فَأَمَّا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ
الْبَابُ الثَّامِنُ فِي بَيَانِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
عَلَيْهِمْ صَلَوَاتُ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ
عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مِنْ كَلَمِ اللَّهِ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ دَرَجَةً
بَعْضٌ

از مؤمنان و مهاجران
اولیاء که معروف است
مستور است و خدا تعالی در سوره تغابن
و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان توكلتهم
فاما علی رسولنا البلغ المبین
باب الثامن فی بیان آنکه پیغمبر
الله علیه و سلم افضل الانبیاء و المرسلین
علیه صلوات رب العالمین
فی سوره البقره تلیک الرسل فضلنا بعضهم
علی بعض من کلم الله و رفعتنا بعضهم درجه
بعض

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

المفتي محمد صالح المنجد

قال الخطيب

ای فنی

و عندهم السلام

الحمد لله

والا لانياء

عليه السلام

علي بعض ما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لا فاضل صير

من الصورة وال...

عبد الوهاب

عبدالله بن محمد

وَأَتَيْنَا عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الْبَيْتَ وَابْنَهُ يُرُوحُ
 عیسیٰ پسر مریم را وروح خدا
 الْقَدِيرُ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلَ الَّذِينَ مِنْ
 و اگر خواستے خدا باجمہلگہ کوندے آئنا کہ پس از
 بَعْدَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَ تِلْكَ الْبَيْتَ وَلَكِنْ
 پیغمبران بودند از پس آنکہ آمد بایشان مجتہد و لیکن
 اِخْتَلَفُوا فِيهِمْ مِنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ
 اختلاف کردند پس از ان جملہ کسے بہت کہ ایمان آورد و از ان جملہ کسے بہت کہ کافر شد و
 لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلُوا وَلَكِنْ اللَّهُ يَفْعَلُ
 اگر خواستے خدا باجمہلگہ کوندے و لیکن خدا می کند
 مَا يُرِيدُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ
 روایت است از جابر بن عبد اللہ کہ کہ
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ أُعْطِيتُ
 پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود دادہ شدہ ام
 خَمْسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي نُفُوتُ بِالرَّعْبِ
 پنج چیز کہ نہ دادہ شد ان پنج کس میں سے نہت دادہ شدہ ام ببول
 مَسِيرَةُ شَهْرٍ وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسِيرًا وَ
 مسافت یک ماہ و گردانیہ شد برای من زمین مسافت
 هَوْرًا فَأَيُّ آدَمِ الْأُمَّةِ أَدْرَكَهُ الصَّلَاةُ
 ای کس کندہ نیست بر کس از امت من کہ درسہ اورا نماز پختہ وقت آن

[illegible]

15

[illegible]

[illegible]

الاقبال في دار السلام
عبد الرحمن بن محمد بن عبد الوهاب
في دار السلام

النَّبِيُّونَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ وَ
روایت کرده این حدیث را مسلم در کتاب مذکور و نیز
عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
روایت است از ابی هریره گفت فرمود پیغمبر خدا
وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ أَدَمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَأَوَّلُ
و سلم من سردار اولاد آدم هستم روز قیامت و اول
مَنْ يَنْشَقُّ عَنْهُ الْقَبْرُ وَأَوَّلُ شَافِعٍ وَأَوَّلُ
آن شخص را که گشاده شود از او قبر و اول شفاعت کننده و شصتین
مُشْفِعٍ رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي أَوَّلِ كِتَابِ
مقبول شفاعت کننده روایت کرده این حدیث را مسلم در صحیح خود در شروع کتاب
الْفَضَائِلِ وَعَنْهُ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
الفضلان و نیز روایت است از ابی هریره گفت بودیم با پیغمبر
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَعْوَةٍ فَرَفَعَ إِلَيْهِ الرَّاعِي
و سلم در ضیاعه پس بر او بلند شد و بی گفتن از آن وقت که او
كَانَتْ نَجْمَةٌ فَخَسَّ مِنْهَا خَسَّةٌ وَقَالَ أَنَا سَيِّدُ
نوش می آمد گوشت دست آنوقت را پس بگریزد آنوقت از آن گوشت نه بدان گریزد و گوشت من کمتر
الْثَّانِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ هَلْ تَذَرُونِ يَوْمَ يُجْمَعُ اللَّهُ
و گویند روز قیامت ای میمانید بکدام سبب در آن روز جمع شود
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ قَبْرُهُمْ
و آخرین را بر یک صعد و نویسی ایشان با بنویسند ایشان را

[illegible][illegible]

قوله عليه السلام في حق
توكل بن علقمة قال
يكون من روض
الافلاخ اذ يدق
اشا وندفط الحنظل
وتركيب وقلق
في حبس الرقيم
غنى عن التركيب
قلق و لا يتركيب
عبد الله بن الحارث
من الغضب لازم
زاد العيال
ب

النَّاسُ وَلِيْعُهُمُ الدَّاعِي وَتَدْنُو مِنْهُمْ الشَّمْسُ
 نظر اندازند و ششمان را ایشان را خوانند و نزدیک شود از ایشان آفتاب
 فَيَقُولُ بَعْضُ النَّاسِ الْآخِرُونَ إِلَى مَا أَنتُمْ
 پس بگویند بعضی از آدمیان آخانی بنشینید بسوی جانب شما
 فِيهِ إِلَى مَا بَلَّغْنَاكُمْ لَّا تَنْظُرُونَ إِلَيْهِ لِيُشْفَعَ
 در آن بنشیند بسوی آن چیز دیگر رسید شما را آن چیز نمی کند بسوی کسی که شفاعت کند
 لَكُمْ إِلَى رَبِّكُمْ فَيَقُولُ بَعْضُ النَّاسِ أَبُوكُمْ
 برای شما بسوی پدر و گاه پس بگویند بعضی آدمیان پدر شما
 أَدَمُ فَإِنَّهُ يَقُولُونَ يَا أَدَمُ أَنْتَ أَبُو الْبَشَرِ
 آدم است پس بیان ایشان نزد حضرت آدم پس بگویند ای آدم تو پدر انسان هستی
 خَلَقَكَ اللَّهُ يَدِيدَهُ وَفَخَّرَ فِيكَ مِنْ رُفُوهِ
 پدید کرد خدا را از قدرت خود و در آفرید در تو از درجی که از درجه او است
 وَأَمَّا الْمَلَائِكَةُ فَسَجَدُوا لَكَ وَأَسْكَنْكَ الْجَنَّةَ
 و فرمود و ششگان را پس سجده کردند شما و مسکن کرد را خدا در بهشت
 الْآخِرِينَ لَنَا إِلَى رَبِّكَ الْآخِرِينَ مَا لَمْ يَنْفَعِ فِيهِ
 آن شفاعت نمی کنی برای ما نزد پدر و گاه بگویند آخانی یعنی علیه را که ما در آنیم
 وَمَا بَلَّغْنَا فَيَقُولُ رَبِّي غَضِبَ الْيَوْمَ غَضَبًا
 در سینه را که رسید ما را پس بگوید امروز که من خشمگینم است امروز خشمگینم
 لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَا يَغْضَبُ بَعْدَهُ
 آن خشم گرفت پیش از او نه مانند او و خشمگین نیست بعد از او پس امروز

[illegible]

بَنُ عُبَيْدٍ لَا أَحْفَظُ سَائِرَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
 بن عبید یادمی دارم باقی حدیث را روایت کرد ابن حدیث البخاری
 فِي صَحِيحِهِ فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ وَعَنْ
 در صحیح بخاری در شروع کتاب الانبیاء و روایت است از
 أَنَّى سَعِيدٌ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 انی سعید گز گفت گفت پیغمبر خدا صلے الله
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ
 علی و سلم من سرور اولاد آدم روز قیامت
 وَلَا خَنْ وَبَيْدِي لَوَاءِ الْحَمْدِ وَلَا خَنْ وَمَا مِنْ
 و در من تازی نیست و در دست من لوار حمد و ثناء بود و نبود کدلی
 نَبِيِّ يَوْمَئِذٍ آدَمُ مِنْ سِوَاهُ الْأَخْتِ لَوَائِي
 نبی در آن روز آدم و هیچ نبی از سوا او که در دست من
 وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَلَا خَنْ
 و من اول شخصم که از تنه او خاک زمین و دنازیت
 وَفِي الْحَدِيثِ قِصَّةُ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي
 و در حدیث قصه روایت کرد ابن ترمذی در
 جَامِعِهِ فِي أَوَّلِ أَبْوَابِ الْمَنَاقِبِ وَقَالَ هَذَا
 جامع ترمذی در شروع ابواب المناقب و گفته است این
 حَدِيثٌ حَسَنٌ وَعَنْ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ
 حدیث حسن است در روایت است از جبیر بن مطعم

بن عبید یاد دہی دارم باقی حدیث را روایت کرد این حدیث را بخاری

فِي صَحِيحِهِ فِي أَوَّلِ كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ وَعَنْ

در جمیع مجاری در شروع کتاب الانبیاء و روایت استناد

أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا سِدُّ وَلَدِ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَلَا فَرْحَ وَبَيْدِي لَوَاءِ الْحَمْدِ وَلَا فَرْحَ وَمَا مِنْ

وَرَيْنَ تَارِيخِست و در دست من قرار مقرر خواهد بود و برین تارخیت و نبود کلامی

بِئْسَ يَوْمٌ لِّأَٰدَمَ مِنْ سِوَاهُ الْآلِخَتِ لَوَآئِي

وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ تَنَشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ وَلَا فَخْرَ

وَمِنْ أَوَّلِ سَخْمِ كَرَالَةِ نَوَاهِدِ اِزَانِ زَمِيْنِ وَنَا زَمِيْنِ

وَفِي الْحَدِيثِ قِصَّةُ رَوَاةِ التَّرْمِذِيِّ فِي

و در حدیث قصص روایت کرد این حدیث را ترمذی در

جامعہ فی اوّل ابواب المناقب وقال هذا

جامع ترمذی در شروع ابواب المناقب و گفتن ترمذی این
 حَدِيثٌ حَسَنٌ وَعَنْ جَمْعٍ مِنْ مُطْعَمٍ

حدیث حسن است دروایت است از جحیر بن

[illegible]

د افغانستان اسلامي امارت

في الحاشية
كتاب انشاء راجع
عبد الرحمن

وَقَوْلُهُ سَلَامٌ
عَلَيْكُمْ أَوْ مَعَكُمْ

عليه السلام في انصاف

[illegible]

يقول علي بن ابي طالب
يقول صلى الله عليه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

من الاشكال دفعه

12

[illegible]

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فِي خَمْسَةِ أَسْمَاءٍ أَنَا مُحَمَّدٌ وَأَنَا الْحَاشِرُ الَّذِي
 يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى قَدَمَيْ وَأَنَا الْعَاقِبُ رَوَاهُ
 الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ
 إِجَاءِ فِي أَسْمَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 مَعَهُ تَغْيِيرٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ
 وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقَدْ رَأَيْتُنِي فِي الْحَجْرِ
 وَفِي ثِيَابٍ عَنْ صَرَايَ فَسَأَلْتُنِي عَنْ

[illegible]

در مسلم
ابن ابی
نیما قال سنة
الانفس
والتعالم
در صحیح
در صحیح
در صحیح
در صحیح

فَخَانَتْ الصَّلَاةُ فَأَمَّتْهُمْ فَلَمَّا فَرَغَتْ مِنَ الصَّلَاةِ
 پس آمد وقت نماز پس امام پیغمبران شدم پس هرگاه که فارغ شدم از ادای نماز
 قَالَ لِي قَاتِلْ يَا مُحَمَّدُ هَذَا امَّا لَكَ صَاحِبُ
 گفت مرا کوبیده ای محمد این مالک
 النَّارِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَالتَّقْتُ إِلَيْهِ فَبَدَأَ بِي بِالسَّكَا
 آتش پس سلام کن برو پس نظر کردم چنانچه پس اول مرا مالک سلام کرد
 رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ
 روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب الایمان
 فِي بَابِ الْأَسْرَاءِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 در باب اسراء پیغمبر خدا صلوات الله علیه
 وَسَلَّمَ وَعَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ
 وروایت است از انس بن مالک که گفت گفت
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا أَكْثَرُ
 پیغمبر خدا صلوات الله علیه و مسلم من زیادترین
 الْأَنْبِيَاءِ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يَقْرَأُ
 پیغمبران از روی پیروی کنندگان روز قیامت و من اول شخصانم که گوید
 بَابُ الْجَنَّةِ وَعَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
 در بابشت را و روایت است از انس بن مالک که گفت فرمود پیغمبر خدا
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي بَابُ الْجَنَّةِ
 صلوات الله علیه و مسلم بیابم نزد در بهشت

قَوْلُهَا قَالَتْ فَاَسْتَفْتِي فَقَالَ الْخَازِنُ مَرَّاتٍ
 در روز قیامت پس طلب کشادگان تو را پس گوید مستمعت
 فَاَقُولُ هُوَ فَقَالَ بِكَ اَمْرٌ لَا فَرْقَ لَكَ
 پس گوید من میگویم پس گوید تو حکم کرده شد و امر است در حکم برساند
 قَبْلَكَ رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ وَفِي كِتَابِ
 پیش از تو روایت کرد این مرد حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب
 لَا يَكُنْ فِي بَابِ الشَّفَاعَةِ وَعَنْهُ قَالَ
 الایمان باب الشفاعة روایت است از ان که گفت
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 خدا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 اَنَا اَوَّلُ النَّاسِ خُرُوجًا اَبَعُثُوا وَاَنَا خَاطِبُهُمْ
 من اول آدمیانم از روی خارج شدن برگاه برانگیخته شوند من امام کنند
 اِذَا وَقَدُوا وَاَنَا مُبْتَدِئُهُمْ اِذَا اَلَيْسَ اُولَئِكَ
 برگاه بیانند و من خبر خوش دهنده ایشانم اگرگاه نایب شوند نیز من خبر
 يَوْمَئِذٍ بَيِّنِي وَاَنَا اَكْرَمُ وَلَدِ اَدَمَ عَلَيَّ
 در آن روز در دستم خواهد بود من بزرگترین اولاد آدم نزد پروردگار خود
 وَلَا فَرْقَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ
 و نیست باز روایت کرد این حدیث را ترمذی و گفت این حدیث
 حَسَنٌ غَرِيبٌ وَعَنْ اَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ
 خوب است و غریب است روایت است از ابی هریره که گفت گفت
 حَسَنٌ

124

[illegible]

لعل كل ما به
 العباد له
 ما يوسل به
 النسيان
 ومما يوسل به
 وسيل الهم
 وسيل وترسل
 من السعد
 فيل
 ١٢٣

رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَأَلَ اللهُ
 فِي الْوَسِيْلَةِ قَالُوا يَا رَسُوْلَ اللهِ وَمَا الْوَسِيْلَةُ
 قَالَ أَعْلَى دَرَجَةٍ فِي الْجَنَّةِ لَا يَنْهَاهَا إِلَّا رَجُلٌ
 وَاحِدٌ أَرَجُوْا أَنْ أَكُوْنَ أَنَا هُوَ وَرَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
 وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ وَكَعْبٌ لَيْسَ هُوَ
 بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَعْلَمُ أَحَدًا رَوَى عَنْهُ غَيْرُ
 لَيْثِ بْنِ أَبِي سَلِيْمٍ وَعَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ عَنِ
 النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ
 الْقِيَامَةِ كُنْتُ إِمَامَ النَّبِيِّينَ وَخُطَيْبِهِمْ وَصَاحِبَ
 شَفَاعَتِهِمْ غَيْرَ فَمَنْ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَقَالَ هَذَا

ورواه الترمذي
 ما يوسل به
 النسيان
 ومما يوسل به
 وسيل الهم
 وسيل وترسل
 من السعد
 فيل
 ١٢٣

(رواه الترمذي)

(رواه الترمذي)

تفصیل کے لئے
تفصیل کے لئے
تفصیل کے لئے

[illegible]

بیت: اسماعیل بن قائل لام
عربی: علی بن اسماعیل بن قائل لام
عربی: علی بن اسماعیل بن قائل لام

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيِّمِ
وَرَبُّ الْمَلَكُوتِ الْكَرِيمِ

ان ابن علی
لا تزدوا لا تقصروا
ان ابن علی
لا تزدوا لا تقصروا

عَنِ الْغُرَبَاءِ بْنِ سَارِيَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ
 رَوَيْتُ اسْتِاذَ عَرَاضٍ ^{پسر ساریج که از روایت کرد از}
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ
^{صلی الله علیه و سلم} ^{بر آئین} ^{و خود را نخواست بر آئین من بخرد}
 مَكْتُوبُ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَأَنَّ أَدَمَ كُنْزَ
^{نوشته شد} ^{نام کننده} ^{پیشوران} ^{در کتب آدم} ^{افتاد بود} ^{هم}
 طَيْبَتِهِ وَسَاخِرُكُمْ بِأَوَّلِ أَهْلِ دَعْوَةِ إِبْرَاهِيمَ
^{گل خود} ^{شیر میداد} ^{اول} ^{امر خود و آن است دعا} ^{برای}
 وَبَشَارَةُ عِيسَى وَرُؤْيَا أُمِّيَ الَّتِي رَأَتْ حَبْن
^{دو خبر خوش دادن} ^{و خواب} ^{مادر من که دید مادر من و گفت}
 وَضَعْتَنِي وَقَدْ خَرَجَ لَهَا نُورُ اضْءَ لَهَا مِئَةٌ
^{دانید مرا} ^{و در تنگی} ^{فراخ شد} ^{از مادر من یک نور که روشن شد برای مادر من}
 فَصَوَّرَ السَّامِرُ رَوَاهُ فِي شَرْحِ الشُّعْبَةِ وَرَوَاهُ
^{کو شکسته} ^{شام} ^{روایت کرد این حدیث را و شرح است و روایت کرد این حدیث را}
 أَحْمَدُ عَنْ أَبِي أُمَامَةَ مِنْ قَوْلِهِ سَاخِرُكُمْ إِلَى
^{احمد} ^{از} ^{ابو امام} ^{از} ^{قول او} ^{ساختن} ^{بر}
 آخِرِهِ كَذَلِكَ فِي مَشْكُوتِ الْمَصَائِدِ فِي بَابِ فَضْلِ
^{آخر حدیث چنین است در} ^{مشکوة} ^{المصائد} ^{در باب فضل}
 سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَنْ أَبِي سَفْيَانَ
^{سید} ^{المرسلين} ^{صلوات} ^{روایت است از ابو} ^{سفیان}

[illegible]

149

قال ابن عباس رضى الله عنهما
 عن حماد بن عمار قال قال
 رسول الله صلى الله عليه وسلم
 من أحب الله وأهله أحب الله
 وأهله ومن أحب الله وأهله
 أدخل الجنة ومن أحب الله
 وأهله أدخل الجنة ومن أحب
 الله وأهله أدخل الجنة

بیت

بقية ص ١٢٩
يطالبه ضاح الوقيس يا ابراهيم
انك عندي دوديعة فخذها فاخذ
فخذها مكانه وقيل ان العبد قد
الحدود

الكلية في الادب في الجليل على قدره
اول من في الكلية
فان لم

عالم الامام البغوی وفتیہ العمام
انظر اسلام بکرم ہے مباحہ ہوا
آدم و اندرس زمین الطور
و شالہ و شالہ

فعل مضارع
ربنا تعال
على الأفعى
مع طول

وہی ہے جو

ابن حَرْبٍ أَنَّ هِرَقْلَ أَرْسَلَ إِلَيْهِ فِي رَكْبٍ

این حرب که بر آینه
فرستاد بسوی دی در جای که ایستاد

از قریش بود و چون در این گروه سوداگران در ملک شام در آن وقت

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ماد
که بود پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم که بود

فِيهَا أَبَاسُفِيَانٌ وَكَفَّارُ قُرَيْشٍ فَأَتَوْهُ وَهُمْ بِأَيْلِيَانِ

فَدَعَاهُمْ فِي مَجْلِسِهِ وَحَوْلَهُ عِظَاءُ الرُّومِ

پس خواند هر قل ایوسفین و جماعت دی را در مجلس خود و گرد هر قل

پستر خواند ہر قل اُن گروہ را بخواند مترجم خود را پس گفت ہر قل کدام یک از شما سید است

نسباً یجد الرجل الذی یزعم أنه نبی قال
از روی نسب باین مرد که
بگمان خود مسکونید که او نبی است گفت

أَبُو سَفْيَانَ فَقُلْتُ أَنَا أَقْرَبُهُمْ نَسَبًا فَقَالَ ذُنُوءُ

مَنْ تَرَوُوهُ فَاَعْلَمُوهُ عِنْدَ ظَهْرِ

از من و نزدیک کنیدا احسان را پس بگردانید ایران وی را مزد پشت وی

هم قال ليرجائيہ قل ہم اے سائیل ہذا عن
ہمتر گفت بر قل خود را گو مر این جماعت را کہ بر این من سوال کنند، ہم این ابو سفیانہ

البحر في مناقب ائمه
قوله تعالى

وہابی علیہ السلام

سليمين كل الامم ربنا وادع

مخلصين له
برضا واجلنا مسرا
في حال في عدار

[illegible]

مع وادعن والمغنى

۱۱۱ اخلاصاً و اذعاناً
آ و اجل من ذوقه

کتاب حسن و قبح عین
حسن و قبح عین
صلی الله

اندر سلسلہ کتب
تاریخ ادب اسلام
باب الحدا وادب اسلام

عليه السلام وانا خض
النفقة وانا خض

و انصاف اولیٰ :
انما نسا سکتا مقبول

نَارًا وَأَوَّلُ رُوحٍ
وَالْغُرَابُ الْمُتَعَبِدُ تِلْكَ
الْكَفَّةُ فَجِ

نفعون من ابي
منزاد وادع الى الله
التعبير والادع
الافق

السجن وكره اليه هو
سك دارنا كمي قاسم عبي

۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

دفاعیات

مايوحي الحسين و
والنبيوة علي

المؤيد
كتاب القرآن الكريم

کتابخانه عمومی

والا حاكم من غير

لجنة الطوارئ الوطني

والا يغلب على بارئ

میں نے تفسیر میں تفسیر لکھی

[illegible]

دان ادوم

قال في الحج

بسم الله الرحمن الرحيم

على الجبال والوديان

ایں کان بعد ترا "ا"

جاءت في نسخة أخرى

بجانبہ

هَذَا الرَّجُلُ فَإِنْ كَذَّبَنِي فَكَذَّبُوهُ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

این مرد یعنی رسول الله صلی علیہ و آلہ و سلم بود مرا پس مشوب به روحی که از آسمان اودا پس

نہو دے شرم کہ ازنا کہ روايت کنند برمن و روع را بر آئيه و روع گفتے

عَنْهُ ثُمَّ كَانَ أَوَّلَ مَا لَكَ الْفُجُورُ إِنَّكَ

اول چہرہ کے پیرے بہتر ہوں

سوال کردہ از اہل آنحضرت

کَفَّ نَسْهَ فَمِنْكُمْ قُلْتُ هُوَ فَكَذَّبُوا

چگونه است نبی او در میان شما گفت
 او در میان ما صاحب نبی نالین است
 رواه البخاری فی او

روایت کرد این حدیث را بخاری در شروع صحیح بخاری در ضمن حدیث
 طویل و رواه مسند

در این کتاب در حدیث را اسرار و معانی

بَلِّغْ رِسَالَتِي إِلَىٰ سَفِيَّانٍ ابْنَيْ أَبِي سَفْيَانَ

وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ بِخَيْرٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِخَيْرٍ.

در روایت است از ابی هریره که گفت هر کس این

عليه وسلم قال بعثت من خيرة بني آدم
فهمود بلائغة منه ثم ام ان شيكو ترين طبقات اولاد آدم

سنة ١٢٠٠ هـ

انجمن اهل بیت
چشمه شریعت
موسسه فقهیه و حقوقی امام خمینی
دفتر علم الهدی
تهران - خیابان ولیعصر
پلاک ۱۰۸

[illegible][illegible]

عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

فِي جَامِعِهِ فِي أَبْوَابِ الْمُنَاقِبِ وَقَالَ هَذَا
 حَدِيثٌ حَسَنٌ وَحَسَنُ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا وَلَدَنِي
 مِنْ سَفَاحِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ شَيْءٌ مَا وَلَدَنِي
 إِلَّا نِكَاحُ كِنَانَةَ لِاسْلَامَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي
 مَعَالِمِ التَّنْزِيلِ فِي آخِرِ تَفْسِيرِ سُورَةِ التَّوْبَةِ
 وَحَسَنُ الْمُطَّلِبِ بْنُ أَبِي وَدَاعَةَ قَالَ جَاءَ
 الْعَبَّاسُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ وَكَانَتْهُ سَمِعَ شَيْئًا فَقَامَ النَّبِيُّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ فَقَالَ مَنْ أَنَا فَقَالَ

عن ابن عباس

عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم
عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وسلم

17/11/2017

قال دلت انادرسول الله
عليه السلام في سنة
البيضاوي سنة
الرافقة

فلا

قال القاصص
الغني في سيا
الصباح

فصل فی اخلاص

نقل من
كتاب
اليمين من
أبي
داود

الشيخ
عبد الرحمن بن
عبد الوهاب

الحجّاجي

الحمد لله الذي جعل في كل شيء
دلالة على قدرته وكرمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تلف لیبڈ من
قوی اس کے

فلم یسئلہ

فيلادلفيا

مفتی محمد رفیع

جانبیہ

اَنْتَ رَسُوْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ السَّلَامُ قَالَ اَنَا مُحَمَّدٌ
 تو پيغمبر خدا هستی بر تو سلام باد گفت من محمد
 بن عبد الله بن عبد المطلب ابن الله خلق
 بن عبد الله بن عبد المطلب است که از خدا پیدا کرد
 انخلق فجعلني في خيرهم ثم جعلهم فرقتين
 خلق را پس گردانید مرا در نیکوترین ایشان بستر گردانید ایشان را و دیگر گروه
 فجعلني في خيرهم فرقة ثم جعلهم قبائل
 پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی قبیله بستر گردانید ایشان را چند قبیله
 فجعلني في خيرهم قبيلة ثم جعلهم بيوتا
 بستر گردانید مرا در بهترین ایشان از روی خانه و بستر بن ایشان از روی نفس روايت كرد
 فجعلني في خيرهم بيتا ثم جعلهم نفوسا رواة
 پس گردانید مرا در بهترین ایشان از روی خانه و بستر بن ایشان از روی نفس روايت كرد
 الترمذي في جامعہ فی ابواب المناقب
 ترمذی در جامع ترمذی در ابواب المناقب
 وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ وَعَنِ الْمُطَلِّبِ
 وگفت ترمذی این حدیث حسن است و روایت است از مطلب
 ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ بْنِ حَرْمَةَ عَنْ أَبِيهِ
 بن عبد الله بن قیس بن حرمة عن پدر خود
 عَنْ حَدَّثِهِ قَالَ وَلِدْتُ اَنَا وَرَسُولُ اللّٰهِ
 واوروایت کرد از پدر خود که زاده شدم من و

[illegible]

۱۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۲۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۳۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۴۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۵۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۶۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۷۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۸۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۹۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔
 ۱۰۔ حضرت علیؓ سے فرمایا کہ میں نے تم کو اپنا جانشین مقرر کیا ہے۔

[illegible]

تقریر محمد رفیع خاں صاحب
مدرسہ دارالعلوم دیوبند

خبر العجیب و آواز
خدا را از آفتاب و آواز

عَلَيْكَ قَلْبِي وَفِيكَ دُنْيَايَ

وَمِنْكُمْ عَنِ الْأَعْدَاءِ الْأَقْلَانِ

الامام الرازي عن

والكلام قال في مقامه وقال

علی ان وقت کی مسیحا کی طرف اشارہ کرتے ہوئے فرماتا ہے کہ:

وہاں تک کہ وہ اپنے آپ کو

واقعة العرعر سنة ١٢٨١

بسم الله الرحمن الرحيم

بن احمد بن محمد بن عبد الرحمن بن ثابت فاضل

۱۰۰۰ قال محمد
بن سعید بن
احسان

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ الْفِيلِ قَالَ وَ

سَالِ عُمَرَانُ بْنُ عَفَّانَ قَبَاتُ بْنُ أَشِيمٍ أَخَا

پرسید عثمان بن عفان نبات پسر اشیم را که برادر

بنی یسر بن لیث بود که تو بزرگتری در سال یا پیغمبر خدا

صلی اللہ علیہ وسلم

صلی اللہ علیہ وسلم البرمی وانا اقدم
صلی اللہ علیہ وسلم بزرگتر است در فضیلت از من ویرینه تر

منه فی المیلاد قال و رأیت خذق الطیر
از آنحضرت در وقت ولادت گفت و دیدم
سرگین مرغان را

اخضر محيلاً رواه الترمذي في جامعيه

فِي الْكَتَابِ فِي بَابِ مَا جَاءَ فِي مِيلَادِ النَّبِيِّ

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ

میں نے اللہ علیہ وسلم کو دیکھ کر تڑپ کر لی

حسن غریب است نمی شناسم و اورا مگر از حدیث

[illegible]

الحمد لله الذي جعل العلم نوراً يضيء القلب ويهدي السبيل

توضیح فی حدیث
قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ

وَرَكِبْتُ خَلْفِي حَتَّى بَلَغْتَنَا إِلَى أُمِّي فَقَالَتْ
أَدَيْتُ أَمَانَتِي وَذِمَّتِي وَحَدَّثْتُمَا إِلَيَّ
لَقَيْتُ فَلَمْ يَرِعْهَا ذَلِكَ وَقَالَتْ إِنِّي رَأَيْتُ
حِينَ خَرَجَ مِنِّي يَعْنِي فُورًا أَضَاءَ ثَمِينَهُ
فَصَوَّرَ الشَّاهِدَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَائِلِ
سُنَنِهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ
خَرَجَ أَبُو طَالِبٍ إِلَى الشَّامِ وَخَرَجَ مَعَهُ
الْبَيْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَشْيَاخِ
مَنْ قُرَيْشٍ فَلَمَّا أَشْرَفُوا عَلَى الرَّاهِبِ
هَبَطَ فَحَلَّوْا رِحَالَهُمْ فَخَرَجَ إِلَيْهِمُ الرَّاهِبُ

وَرَكِبْتُ خَلْفِي حَتَّى بَلَغْتَنَا إِلَى أُمِّي فَقَالَتْ
أَدَيْتُ أَمَانَتِي وَذِمَّتِي وَحَدَّثْتُمَا إِلَيَّ
لَقَيْتُ فَلَمْ يَرِعْهَا ذَلِكَ وَقَالَتْ إِنِّي رَأَيْتُ
حِينَ خَرَجَ مِنِّي يَعْنِي فُورًا أَضَاءَ ثَمِينَهُ
فَصَوَّرَ الشَّاهِدَ رَوَاهُ الدَّارِمِيُّ فِي أَوَائِلِ
سُنَنِهِ وَعَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ
خَرَجَ أَبُو طَالِبٍ إِلَى الشَّامِ وَخَرَجَ مَعَهُ
الْبَيْتُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَشْيَاخِ
مَنْ قُرَيْشٍ فَلَمَّا أَشْرَفُوا عَلَى الرَّاهِبِ
هَبَطَ فَحَلَّوْا رِحَالَهُمْ فَخَرَجَ إِلَيْهِمُ الرَّاهِبُ

۹

قال فی القاموس وادرجه وادرجه
وہو ما یجوز ان یقال فیہ
۱۲

وَكَا نُؤَاقِبَلْ ذٰلِكَ يَمُرُّوْنَ بِهِ فَلَا يَخْرُجُ إِلَيْهِمْ
وَمَعْدِنْدَانِ ايشان قبل از آن
وَلَا يَكْتَفِتُ قَالَ فَهَمْ يَحْمِلُوْنَ رِحَالَهُمْ يَجْعَلُ
والتفات نمی کرد گفت ای موسی بن ایشان می کشدند بارهای خود را پس بآید
يَخْلُكُهُمُ الرَّاهِبُ حَتَّى جَاءَ فَأَخَذَ بِيدِ
که در می آمد میان ایشان راهب تا آنکه اندر اسب پس گرفت دست
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ
پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم را پس گفت
هَذَا سَيِّدُ الْعَالَمِينَ هَذَا رَسُولُ رَبِّ
این سرور دهر و جهانانست این پیغمبر پروردگار عالمین
الْعَالَمِينَ يَبْعُهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ فَقَالَ
جهانانست فرستاد او را خدا باعث رحمت برای جهانان پس گفتند
لَهُ أَشْيَاخٌ مِّنْ قُرَيْشٍ مَا عَلَيْكَ فَقَالَ لَكُمْ
مرآن راهب را ایشان قریش چه جز آنکه در ترا پس گفت راهب را
حِينَ أَشْرَفْتُمْ مِنَ الْعُقَبِ لَمْ يَبْقَ جَبْرٌ
و تکیه بالا بر آمدید ازین راه میان دو کوه باقی نماند سبک
وَلَا شَجَرٌ إِلَّا خَرَّ سَاجِدًا أَوْ لَا يَسْجُدَانِ
درختی نمی ماند سجد کننده سجد نمی کنند سجد
إِلَّا لِيَّ وَآلِيَّ أَعْرِفُهُ بِخَاتَمِ السُّبُوحِ أَسْفَلَ
مگر برای پیغمبر و برای آل پیغمبر من می شناسم او را بخاتم نبوت پایان تر

[illegible]

بِاللهِ اَيْكُمْ وَلِيَّهُ قَالُوا اَبُو طَالِبٍ فَلَمْ يَزَلْ
وگویند ای شما را خداوند است و ابوبطالپ است
 يُبَاكِدُهُ حَتَّى رَدَّهُ اَبُو طَالِبٍ وَبَعَثَ
وگویند خدا را ابوبطالپ را تا آنکه بازگرداند آنحضرت را ابوبطالپ و فرستاد
 مَعَهُ اَبُو بَكْرٍ يَلَاكُ وَزَوْدُهُ الرَّاهِبُ
بر او آنحضرت و ابوبکر یلالت را و نوشه داد آنحضرت را راهب
 مِنَ الْكَلْبِ وَالزَّيْتِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ
از کلب و روغن زیتون روایت کرد این حدیث را ترمذی
 فِي جَامِعِهِ فِي ابْوَابِ الْمَنَاقِبِ وَقَالَ
در جامع ترمذی در ابواب المناقب گفت ترمذی
 هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ غَرِيبٌ لَا نَعْرِفُهُ إِلَّا
این حدیث حسن غریب است نمی شناسم این حدیث را
 مِنْ هَذَا الْوَجْهِ

 الْبَابُ الْعَاشِرُ فِي حِلْيَةِ النَّبِيِّ صَلَّى
باب دهم در بیان حلیه نبی
 اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ
روایت است از جابر بن سمرة
 قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
گفتم دیدم خدا را پیغمبر

حلیه رسول خدا از ابوبکر
 من الکلب دارت قال من
 القاصد سما الکلب ختم فارسی
 حلیه نبی
 قول الله العاشر في حلية النبي صلى
 الله عليه وسلم قال جابر بن سمرة
 رايت رسول الله صلى الله عليه وسلم
 الصفوة من الانبياء من افادته من افادته

۱۳۳

10

[illegible][illegible][illegible][illegible]

۱۴۷

15

سلاوة
مالت النسابي رغب النبي صلى الله عليه وسلم
قال الامام كان في سنة

عليه وسلم
بن الحسين
بن الحسين

صبر عظيم ايها
اسكان الدال
ن الاذن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد نماز

والعين واليد
بكر الموضع
عليه

الراس في د
وهذا الما
ان ايش

اسلام بھائی

الحمد لله رب العالمين

کائنات فی عتق
الحق یخفی علی

مسلم عن ابن
ابن عباس عن
ابن عباس عن

عن أبي عبد الله عليه السلام

وقال وهو
شأنه

فَرَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

رَأْسُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ

الأنبياء في باب صفة النبي صلعم

رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضْلِ

وَعَنْ قَتَادَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَنَسًا هَلْ خَضِبَ

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا إِمَامًا

كَانَ شَيْءٌ فِي صَدْعِهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

فِي الْبَابِ الْمَذْكُورِ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ

قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَسَلَّمَ قَدْ شَمِطَ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَلِحْيَتَهُ

وَأَمَّا الْفُلُ فَأَنزَلْنَاهُ ذِكْرًا لِّعِبَادِنَا إِنَّهُ كَانَ كِسْفًا مِّنْ ثَمَرٍ
وَلَقَدْ مَكَّنَّا يَدَ الْفِرْعَوْنَ وَجَعَلْنَا فِي هَيْئِهِ مِشْرًا
وَلَقَدْ أَتَيْنَا لُؤْلُؤًا مِّنْ ثَمَرٍ
وَلَقَدْ مَكَّنَّا يَدَ الْفِرْعَوْنَ وَجَعَلْنَا فِي هَيْئِهِ مِشْرًا
وَلَقَدْ أَتَيْنَا لُؤْلُؤًا مِّنْ ثَمَرٍ

من مکتبہ دارالعلوم دیوبند
مکتبہ دارالعلوم دیوبند

[illegible]

وایضا در سوره الاحقاف
قال الحوی بربانی من
شیء العزوة یا یومئذ
عقل من فعلی اذ کن
اسما یجاء علی
قد کان من ذلک
عزم من ذلک
اشهد که حقانی که
بکار مواد شفا از
است و در این
شکل شفا را
از آن می توان
است

وَكَانَ إِذَا الذَّهْنُ لَمْ يَتَيَّنْ وَإِذَا اشْعَثَ
رُؤُوسُهُ سِيدِي كَرِيمٍ رُوغْنِي بِالْمَدِيدِ
رَأْسُهُ تَيَّنَ وَكَانَ كَثِيرَ شَعْرِ الْخَيْةِ فَقَالَ
مُؤَيِّدِي سِهَابِكِ تَحْقِيقًا فَلَا مِشَرَّ وَبُودَ الْخَفَرِ سِهَابِي رُغْنِي
رَجُلٌ وَجْهُهُ مِثْلُ السَّيْفِ قَالَ لَأَكُلَ كَانِ
مُؤَيِّدِي سِهَابِكِ تَحْقِيقًا فَلَا مِشَرَّ وَبُودَ الْخَفَرِ سِهَابِي رُغْنِي
مِثْلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَكَانَ مُسْتَدِيرًا وَ
رَأَيْتُ الْحَمَامَةَ عِنْدَ كَيْفِهِ مِثْلَ بَيْضَتِهِ الْحَمَامَةُ
مُؤَيِّدِي سِهَابِكِ تَحْقِيقًا فَلَا مِشَرَّ وَبُودَ الْخَفَرِ سِهَابِي رُغْنِي

كَيْشِيَه جَسَدَه رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ
 مشاهیر محدثان باریک مبارک الطاف ت روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم
 فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ فِي بَابِ اثْبَاتِ
 در کتاب الفضائل باب اثبات
 خَاتَمِ النَّبُوَّةِ وَعَنِ الْبَرَاءِ قَالَ كَانَ رَسُولُ
 نبوت روایت است از برادر گزشت نبوت
 اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْسَنَ النَّاسِ جَمَاعًا
 خدا صلوات الله علیه و سلم خوشترین مردم در جماعت
 وَأَحْسَنَهُمْ خَلْقًا لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الْبَاقِينَ
 و نیکوترین مردم در خلق نه در زمانه نه اند

[illegible]

وَلَا بِالْقَصِيرِ وَعَنْ شُعْبَةَ عَنِ الْحَكَمِ قَالَ
و نه کوتاه و در روایت است از شعبه و در روایت کرد از حکم گفت
سَمِعْتُ أَبَا جَحْفَةَ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ
شنیدم ابوجحیفه را که گفت بیرون شد
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْهَاجِرَةِ إِلَى الْبَطَاءِ
صلی الله علیه وسلم و در هجرت بیرون شد بسوی بطحاء
فَقُضِيَ أَنْ تُصَلَّى الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ وَالْعَصْرُ
پس و منکر د آنحضرت پستتر کرد و نماز ظهر را دو رکعت و نماز عصر را
رَكْعَتَيْنِ وَبَيَّنَّ يَدَيْهِ عَنَ ذَلِكَ قَالَ شُعْبَةُ
دو رکعت و دو دست ایشان آنحضرت نوعی از نشان بود گفت شعبه
وَرَأَيْتُ فِيهِ عَوْنَ عَنْ أَبِيهِ أَبِي جَحْفَةَ قَالَ
و نه ای او دیدم که درین حدیث عاون از پدر خود ابی جحیفه که گفت
كَانَ يَمْرُؤٌ مِنْ رَأْيِهَا الْمَرْأَةُ وَقَامَ النَّاسُ
بود که میگردشت از پس عنتره زن و ایستادند مردم
فَجَعَلُوا يَأْخُذُونَ يَدَيْهِ فَيَسْكُونُ بِهَا
پس شروع کردند که میگردشتند و دو دست مبارک آنحضرت را پس مسح میکردند و آن
وَجُوهَهُمْ قَالَ فَأَخَذْتُ بِيَدِهِ فَوَضَعْتُهَا
رویای خود را گفت ابوجحیفه پس گرفتم دست مبارک آنحضرت را پس نهادم آنرا
عَلَى وَجْهِهِ فَإِذَا هِيَ أَبْرَدُ مِنَ الثَّلْجِ وَالطَّبِيبُ
بر روی خود پس نگاه آن دست بود سردتر از برف و خوشبوتر

[illegible]

رَأَيْتُكَ مِنْ الْمُسَاكِينِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
 در بود از روایت کرد این هر دو حدیث را بخاری و مسلم بخاری
 فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى
 در کتاب الانبیاء باب صفت نبی صلی الله علیه و سلم
 وَعَنْ أَنَسٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 در روایت است از انس که گفت بود پیغمبر صلی الله علیه
 وَسَلَّمَ خُفَّهِ الْيَدَيْنِ لَمْ أَرِ بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَ
 در سلم خف دستها ندیدم بعد آنحضرت مانند و
 كَانَ شَعْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا
 بود موی مبارک پیغمبر صلی الله علیه و سلم میان میان سبط
 لَجَعْدًا وَلَا سَبْطًا رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
 در بعد بعد خاص و سبط یعنی روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری
 فِي كِتَابِ اللَّبَاسِ فِي بَابِ الْجَعْدِ وَعَنْ
 در کتاب اللباس در باب الجعد در روایت است از
 حَمِيدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَنَسًا عَنْ صِيَامِ النَّبِيِّ
 حمید که گفت پرسیدم انس را از حال روزه
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ مَا كُنْتُ أَرَى
 صلی الله علیه و سلم پس گفت انس ندیدم که خواش می نمود
 أَنْ أَرَاهُ مِنَ الشَّهْرِ صَائِمًا إِلَّا لَيْلَتَهُ وَلَا مَفْطِرًا
 بلکه می نمود که آنحضرت را از ماهی روزه دار مگر دیدم آنحضرت بار روزه دار و نه افطار

عليه وسلم
كانت التبرعات
على يدكم في كل يوم
للمرابطة في دار
الارباب في كل يوم
في كل يوم
كانت التبرعات
عليه وسلم
السيدون الذين
لم يبقوا الا بعد
ولا في ذر فخر
والرأس
بدر السيد
١٩١٢

2

فقط

مجلس العلماء
والإمام

43

المشقة: الجوز

فصل اول در بیان احوال و احوال

الكتاب المستوفى

۱۱

منقولہ الیہ

۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

کتابخانه

شیخ

11

الْأَرَابِيَّةُ وَلَا مِنْ اللَّيْلِ قَائِمًا إِلَّا رَابِعَةً وَكَلَامًا
 گمردیم آنحضرت را از خواب بیدار کردیم و او را از خواب بیدار کردیم و او را از خواب بیدار کردیم
 الْأَرَابِيَّةُ وَلَا مَسِيَّتُ خَرَّةً وَلَا حَرِيرَةً الْيَن
 گمردیم آنحضرت را و مسیّت را و حریّت را و حریّت را
 مِنْ كَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 از کفّت رسول خدا علیه السلام
 وَلَا شِمْتُ مِسْكَةً وَلَا عَنَبَةً أَطِيبَ
 و نیویدم من و نیویدم من و نیویدم من
 رَاحَةً مِنْ رَاحَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 از راحه رسول خدا علیه السلام
 وَسَلَّم رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي تَحْقِيقِهِ فِي كِتَابِ الصَّوْمِ
 و سلم روایت کرد از حدیث امام بخاری در تحقیق کتاب الصوم
 فِي بَابِ مَا يُذَكَّرُ مِنْ صَوْمِ النَّبِيِّ صَلَّعَمْ
 در باب آنچه تذکره میشود از حال روز و شب پیغمبر صلعم
 وَعَنْ قَتَادَةَ أَنَّ أَسْحَادَهُمْ أَنَّ رَسُولَ
 در روایت است از قتاده که از اسحاده که از اسحاده
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يُمْسِكُ يَدَيْهِ
 بود که پیغمبر صلعم که در دستهای مبارک
 فِي شَيْءٍ مِنْ دُعَائِهِ إِلَّا فِي الْأَسْتِسْقَاءِ
 در هیچ دعا و دعای خود مگر در استسقاء

[illegible]

151

در این کتاب از حدیثی است که در حدیث دیگر آمده است و در حدیث دیگر آمده است

در این کتاب از حدیثی است که در حدیث دیگر آمده است و در حدیث دیگر آمده است

فَإِنَّهُ كَانَ يُرَفِّعُ يَدَهُ حَتَّى يُرَى بَيَاضُ إِبْطِهِ
 رَوَايَتُ كَرِيمَةَ عَمِّهِ رَأْسُهُ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ
 فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَاحُ السَّارِ
 ابْنُ بَرَكَةَ قَالَ ذَهَبَتْ بِي خَالَتِي إِلَى النَّبِيِّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ
 إِنَّ ابْنَ أَخْتِي وَقَعَ فَمَسَ رَأْسِي وَدَعَا عَالِي
 بِالْبُرْكَ وَتَوَضَّأَ فَشَرِبْتُ مِنْ وُضُوئِهِ
 ثُمَّ مَتَّ خَلْفَ ظَهْرِهِ فَظَنَرْتُ إِلَيْهِ
 خَاتَمَ بَيْنَ كَتِفَيْهِ مِثْلَ زِيْرَةِ الْجَلَّةِ دَرَاهِمَ
 الْبَخَارِيِّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْوُضُوءِ

در این کتاب از حدیثی است که در حدیث دیگر آمده است و در حدیث دیگر آمده است

سده

در این کتاب از حدیثی است که در حدیث دیگر آمده است و در حدیث دیگر آمده است

المسلمون المسلمون في سنة ١٥٣٥ وقال
 حديث الباب قال قلت ل
 وضع الكتاب في يد علي بن الحسين
 والاسلام وادخلوه في يد علي بن الحسين
 ان في الدنيا الى يوم الدين
 علي بن الحسين وادخلوه في يد علي بن الحسين
 المسلمون المسلمون في سنة ١٥٣٥ وقال
 حديث الباب قال قلت ل
 وضع الكتاب في يد علي بن الحسين
 والاسلام وادخلوه في يد علي بن الحسين
 ان في الدنيا الى يوم الدين
 علي بن الحسين وادخلوه في يد علي بن الحسين
 المسلمون المسلمون في سنة ١٥٣٥ وقال
 حديث الباب قال قلت ل
 وضع الكتاب في يد علي بن الحسين
 والاسلام وادخلوه في يد علي بن الحسين
 ان في الدنيا الى يوم الدين
 علي بن الحسين وادخلوه في يد علي بن الحسين

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْفَضَائِلِ

در روایت کرد این حدیث را مسلم در صحیح مسلم در کتاب الفضائل

فِي بَابِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ وَعَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ

در باب خاتم النبوة وروایت است از جابر بن سمره
 قَالَ رَأَيْتُ خَاتَمًا فِي ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَتْ بَيْضَةً حَامِيَةً وَمُسْلِمٌ

الله عليه وسلم
 في الباب المذكور وعن أبي جحيفة قال

دُرُفِعَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ

هو بالابطح في قبة كان مهاجرة فخرج بلاد

آنحضرت در اربع در قہر بود دقت گرای و نیروز پس چون آمد بلال

فَإِذَا دُيِّبَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ دَخَلَ فَأَخْبَرَ فَفَضَّلَ

وفا داد برای ناز بہتر داخل شد پس بیرون آورد باقی ماندہ

وَضُوءَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم

فَفَقَّعَ النَّاسَ عَلَيْهِمْ خُفَاً مِمَّا فِيهِمْ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَقْضِيَهُمْ فِتْنَةً وَأَنَّ اللَّهَ عَلِيمُ الْغُيُوبِ

پس واقع شدند مردم بران آب در حالیکه می گفتند ازان آب پست داخل شد

[illegible]

جنت مكران
 انوشی قاتل اهل طهانی
 قزاقان قتل اهل طهانی
 صلی علی عابدین
 اقصی فی شمس
 فخری طور سرحد
 دستگیر لود
 قریب اناس
 علی الصلوات
 فیکر کونوس
 جانان خان
 مالان و اناس
 و قریب رسول
 من القیام
 من القیام

فَآخِرُ الْعَتَرَةِ وَآخِرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَيُبَيِّنُ سَاقِبَهُ
 فَرَكْنَا الْعَتَرَةَ ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ
 وَالْعَصْرَ رَكْعَتَيْنِ يَمِينُ يَدَيْهِ الْخِمَارُ
 الْمُرَاةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ
 الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ ضَخَمَ الْقَدَمَيْنِ حَسَنَ الْوَجْهِ
 مَا رَأَيْتُ مِثْلَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
 فِي كِتَابِ الْإِبْرَاهِيمَ فِي بَابِ الْجَعْدِ وَعَنْ

پس بیرون آید و دست را ^{و بیرون آمد} پیغمبر خدا ^{صلی الله} علیه و سلم کانی انظر الی و یبصر ساقیه

فَرَكْنَا الْعَتَرَةَ ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ رَكْعَتَيْنِ

پس بخوانید عترة را در زمین پست گزارد آنحضرت نماز ظهر را و در رکعت

وَالْعَصْرِ رَكْعَتَيْنِ مِائَتَيْنِ بِدِيهِ الْحِمَارُ وَ

وَمِنْهُمَا عَشْرًا دُرُكُمَا
دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا دُرُكُمَا

الْمَرْأَةُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ

روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری کتاب

لَا نَبِيَّاءَ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّى وَسَلَّمَ وَعَنْ

در باب صفت پیغمبر صلعم و روایت است از
 فی هریرة قال کان النبی صلی اللہ علیہ

بی سر پرست گفت بود پیغمبر صلی الله علیه و آله
سَلَامٌ ضَخْمَ الْقَدَمَيْنِ حَسَنَ الْوَجْهِ

مَذَارٌ بَعْدَهُ مُثْلُهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ

دیدیم بعد از آنحضرت مانند دوسے روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری

کتاب اللباس فی باب الجعد وعن

[illegible]

صلى الله عليه وسلم

الْعَيْنِ وَالْجَنَّةِ

الحمد لله

السفر قال له
منى ١٢

القسطلا
مؤيد الحكم الربوبه

۵۴

مفتی محمد شفیع
العلیہ السلام

الحمد لله

الحمد لله

عليه السلام

والقلم

ولا يفتقر إلى

بسم الله الرحمن الرحيم

معنی ہذا

[illegible]

14111

[illegible]

بالحسين بن علي بن أبي طالب

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشانی و سر

ويعيدوا منتهى راحة وأطيب يسر السوا

الحاجب لهما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

قال الربيعي فخافني القول
عليه القلب في العفو
لا اذنه

غلب القلب
قال الربيعي غفاني القول
غلب القلب

يقال فضفة

ای فرقتی شوق و آغاست
عینم بخاورد عینم تا ابروم

معتدلاً
ای استخفاف از آدم و علی
نعم و شاد و هم می آید

١٤
تمت المطالبات في شهر ربيع الثاني ١٤٠٢
م من قبل المصنف

در استخر جنت جبرائیل غسل داشتند تا ادا نمودند
آن کوفته و استخر جبرائیل
آن کوفته

عاشقہ رضی اللہ عنہا

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ ذُو قُوَّةٍ يَدْعُ إِلَى تَقْوَى اللَّهِ يَدْعُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَهُوَ كَرِيمٌ

باقی اصفیہ ۱۰

قَالَ كُنْتُ مَعَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 كُنْتُ مَعَ أَبِي بَكْرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 الْحَجَّارَةُ أَرَعَيْتُ وَخَفِي لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَسَأَلَ عَلِيٌّ مِّنْ عَمْرِقِ ابْنِ
 مِثْلَ رِيحِ الْمِسَاءِ وَحَنُّ ابْنِ أَبِيهِمْ قَالَ كَانَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْرِفُ
 بِاللَّيْلِ بِرِيحِ الطَّبْرِ رَوَاهُ الذَّارِقِيُّ فِي أَوَّلِ سَنَةِ
 الْبَابُ الْحَادِي عَشَرَ فِي اخْتِلَاقِ النَّبِيِّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَأْنَيْهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى
 فِي سُورَةِ الْاِنْعَامِ اِنْ قِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّمْ
 فِي سُورَةِ الْاِنْعَامِ اِنْ قِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّمْ

Handwritten signatures and stamps at the bottom of the page.

على وجه الخصوص
 المطاوعة في كل
 يوم من يوم
 بن حابس بن
 والسن الحية
 المؤرخة في
 القسطنطينية
 حاكم في
 دار السلطنة
 قاضي

صلواته

عنه رسول الله صلى الله عليه وسلم في قوله تعالى
عليه وسلم في قوله تعالى
الصلوات على النبي وآله
الحمد لله الذي جعلنا من
دفع الوحدة أي تاجيد
بغيره في قوله
عظمتان أي عز وجل
منه امر في قوله
موضع من ديار حفظان
وكانت على رأس الوفة
عشر من شهر من الهجرة
فكانت على رأس شهر من الهجرة

فِيهَا وَجَّهَ اللَّهُ فَقُلْتُ وَاللَّهِ كُخِّرَنَ النَّبِيُّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَتَيْتُهُ فَأَخْبَرْتُهُ
فَقَالَ مَنْ يَعْدِلُ إِذَا لَمْ يَعْدِلِ اللَّهُ وَ
رَسُولُهُ رَحِمَ اللَّهُ مُوسَى قَدْ أَوْذَى بِأَكْثَرِ
مِنْ هَذَا فَصَبِرْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
فِي كِتَابِ الْجِهَادِ فِي بَابِ مَا كَانَ النَّبِيُّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعْطَى الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ
لَهُ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الزَّكَاةِ
فِي بَابِ اعْطَاءِ الْمُؤَلَّفَةِ الْخَ مَعَ تَغْيِيرِ كَيْسِهِ
وَعَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ أَخْبَرَنِي أَنَّ

در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم
در حدیث کرد این دو حدیث را مسلم در صحیح مسلم

الصلوات على النبي وآله
الحمد لله الذي جعلنا من
دفع الوحدة أي تاجيد
بغيره في قوله
عظمتان أي عز وجل
منه امر في قوله
موضع من ديار حفظان
وكانت على رأس الوفة
عشر من شهر من الهجرة
فكانت على رأس شهر من الهجرة

عبد المولى بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الوهاب بن عبد المطلب بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

مع رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ بَحْدٍ
 فَمَا قَفَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 قَفَلَ مَعَهُ فَأَذْرَكَهُمْ الْقَائِلَةَ فِي وَادٍ كَثِيرٍ
 الْعِصَا فَنَزَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَتَفَرَّقَ النَّاسُ كَيْسَ ظِلْوَنَ بِالشَّجَرِ فَنَزَلَ رَسُولُ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحْتَ سَمَرَةٍ فَعَلَقَ
 بِهَا سَيْفَهُ وَغَيَا نَوْمَةً فَأَذْرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُونَا وَإِذْ أَعْبَدُ أَعْرَابِي
 فَقَالَ إِنَّ هَذَا اخْتَرَطَ عَلَيَّ سَيْفِي وَأَنَا نَائِمٌ
 فَاسْتَيْقِظْتُ وَهُوَ فِي يَدِي صَلَّاتًا فَقَالَ مَنْ
 وَأَنْ شَمِيرٌ وَدَسْتَهُ يَدِي وَبَدْرُ بَنِي إِسْرَافِيلَ

الموقف على هذه الحالة التي هي في الحقيقة حالة من حالات التناقض بين ما هو عليه الحال في الواقع وبين ما هو عليه الحال في الفكر. وهذا هو الموقف الذي يتخذه الفيلسوف عندما يواجه هذه الحالة. وهذا هو الموقف الذي يتخذه الفيلسوف عندما يواجه هذه الحالة. وهذا هو الموقف الذي يتخذه الفيلسوف عندما يواجه هذه الحالة.

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الزَّكَاةِ

فِي بَابِ اعْطَاءِ الْمُؤَكَّفَةِ النَّمْرَ وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

قَالَ مَا عَابَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

طَعَامًا قَطُّ إِنْ اشْتَمَاهُ أَكَلَهُ وَإِكْرَمَهُ زَوَّاهُ

الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ

صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَّاهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ الْبَرَاءِ قَالَ رَأَيْتُ

النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ يَنْقُلُ

الْأَثْرَابَ وَقَدْ رَأَى التُّرَابَ بِيَاضَ بَطْنِهِ وَهُوَ

يَقُولُ لَوْ كُنْتُ مَا اهْتَدَيْتُمْ وَلَا ضَدَّ ثَنَاءُ

لَا صِلَيْنَا فَأَتَرَكُنْ سَكِينَةً عَلَيْنَا وَتَبَّتِ الْأَقْدَمُ

وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الزَّكَاةِ

در روایت کردیم در حدیث از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب الزکاة
در باب اعطای مؤکف نمر و از ابو هریره
قال ما عاب النبی صلی الله علیه و سلم
طعاما قط ان اشتماه اكله و اکرمه زواه
البخاری در صحیح در کتاب الانبیاء در باب
صفة النبی صلی الله علیه و سلم و عن البراء قال رأیت
النبی صلی الله علیه و سلم یوم الاحزاب ینقل
الاثراب و قد رأی التراب بیاض بطنه و هو
یقول لو کنت ما اهتدیت و لا ضد ثناء
لا صلینا فأترتک سکینة علینا و تببت الاقدم
و رواه مسلم فی صحیح فی کتاب الزکاة

كِتَابُ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ النَّبِيِّ صَلَاحُهُ
كتاب الانبياء در باب صفت نبی صلح
 وَعَنْ سَمِيعِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ جَاءَتْ امْرَأَةٌ
در روایت است از سمیع بن سعد که گفت آمد زنی
 بِبُرْدَةٍ قَالَتْ أَتَدْرُونَ مَا الْبُرْدَةُ فَقِيلَ لَهُ نَعَمْ
برده را گفت ای ای دانیید چیست برده پس گفتند آید او را کرسه
 هِيَ الشَّمْلَةُ مَكْسُوجَةٌ فِي حَاشِيَتِهَا قَالَتْ
برده شمل نیست بافته در آن شمله در حاشیه آن گفت آن زن
 يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي نَسِيتُ هَذِهِ بِيَدَيَّ أَكْسُوهَا
ای رسول الله بر گفتمین بافته ام این را بدست خود با پوشانم تا این برده را
 فَأَخَذَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَحَتَا جَا
پس گرفت آن برده را پیش نبی صلح علیه وسلم و سلم در حالیکه جا میزد بود و حضرت
 إِلَيْهَا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَأَنَّمَا إِزَادُهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِّنْ
برای آن برده پس بیرون آمد حضرت بسوی ما در حالیکه آن باریخ از او بر او پس گفت مردی که از
 الْقَوْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكْسَيْتُهَا فَقَالَ نَعَمْ فَجَلَسَ
قوم بود ای رسول الله پوشان مرا این باریخ را پس گفت حضرت آن کس نشست
 النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَلِيسِ ثُمَّ
پیش نبی صلح علیه وسلم در مجلس نشست
 رَجَعَ فَطَوَّاهَا ثُمَّ أَرْسَلَ بِهَا إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ
پس برگشت پس بعد از آن حضرت آن برده را پیشتر فرستاد و حضرت آن برده را بسوی آن شخص پس گفتند و او را

در روایت است از سمیع بن سعد که گفت آمد زنی
 با بوردی و گفت ای ای دانیید چیست برده
 پس گفتند آید او را کرسه
 آن زن گفت آن شمله است
 و در حاشیه آن بافته شده است
 و آن برده را پیش نبی صلح علیه وسلم
 برد و او را کرسه کرد
 و آن برده را پس از آن حضرت
 فرستاد و حضرت آن برده را
 بسوی آن شخص پس گفتند و او را
 فرستاد و حضرت آن برده را
 بسوی آن شخص پس گفتند و او را

۱۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۲۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۳۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۴۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۵۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۶۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۷۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۸۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۹۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔
 ۱۰۔ کہ جس شخص نے اپنے مال سے کسی اور کو مال دیا تو اس کا مال اس کے لئے حلال ہے۔

سَمِعُوا اللَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا بَنِي آدَمَ
لَيْسَ بِجَبَّارٍ قَدْ عَوْتُهُ فخرج وعليه قميص من ديباج
من دُرٍّ يَالِدَ هَبِ فَقَالَ يَا خُرْمَةَ هَذَا أَحَبُّ نَأَى إِلَيَّ
فَأَعْطَاهَا إِيَّاهُ كَرَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صِيحْهِ فِي كِتَابِ
الْبَابِ فِي بَابِ الْفَرْسِ يَالِدَ هَبِ وَعَنِ ابْنِ

الشاهاب قال غزا رسول الله صلى الله عليه وسلم
 غزوة الفيل فمكة ثم خرج رسول الله صلى الله عليه وسلم
 عليه وسلم معاً من المسلمين فاقتتلوا
 يحثين فصر الله عز وجل دينه والمسلمين وأعطى
 رسول الله صلى الله عليه وسلم
 رسول الله صلى الله عليه وسلم يومئذ صفواً

[illegible]

ابن امیرا صد شتران پسترداد صد شترانی پسترداد و صد شتران

ابن شہاب پس سخن گفت مرا سعید بن مسیب

صفوان گفت سوگند خدا که هیچوقت داد مرا بیفر خدا صله

اللہ علیہ وسلم ما اعطانی واہ ۵ بعض الناس

إِلَىٰ مَا يَرْجُو يُعْطِينِي حَتَّىٰ أَنَّهُ لَا حَسْرَةَ النَّاسِ إِلَيَّ

إِلَى مَا يَرْجُو عِطْيِي حَيِّ اِنَّهُ لَا حَبَّ النَّاسِ اِلَى

وَسَن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ قَدْ أَتَى مَا أَتَى النَّبِيُّ

[illegible]

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ

ہر دو سو سال کا دورا سے گزردہ ہیں جس کو سندھ کی سب سے پرانی تاریخ کہتے ہیں

142

ابی بکر بعدہ فامر منادی یا فتادی من کانت لہ
 ابو بکر بعدہ فامر منادی یا فتادی من کانت لہ
 علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم عیدہ اودین
 علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم عیدہ اودین
 فلیات فقت فقلت ان النبی صلی اللہ علیہ
 فلیات فقت فقلت ان النبی صلی اللہ علیہ
 وسلم قال لو قد جاء مال البرین اعطیتک
 وسلم قال لو قد جاء مال البرین اعطیتک
 هکذا او هکذا فحق ابو بکر مرۃ
 هکذا او هکذا فحق ابو بکر مرۃ
 لی عذہا فعد ذنہا فاذا ہی خمس ما توفقال
 لی عذہا فعد ذنہا فاذا ہی خمس ما توفقال
 خذ مثلیہا رواہا مسلم فی صحیحہ فی کتاب
 خذ مثلیہا رواہا مسلم فی صحیحہ فی کتاب
 الفضائل فی باب سخاۃ صلعم وروی البخاری
 الفضائل فی باب سخاۃ صلعم وروی البخاری
 الحدیث الآخر فی صحیحہ فی کتاب الکفای مع
 الحدیث الآخر فی صحیحہ فی کتاب الکفای مع
 یسیر وعن عبد اللہ بن ابی بکر عن رجل
 یسیر وعن عبد اللہ بن ابی بکر عن رجل
 رواہ ابی بکر وروایت کرد از مردی کہ

عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِدَّةٌ أَوْ دَيْنٌ

فَلْيَايَاتٍ فَحِثُّ قُلُوبُ رِئَاسَاتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا قَوْمِي

پس باو کہ زیادہ ان سے اس آدم سے کہتم ہر ایک پر پیغمبر علیہ السلام نے علیہ السلام نے

وَسَلَّمَ قَالَ لَوْ قَدْ جَاءَ مَالُ الْيَهُودِ لَأَعْطَيْتُكَ

هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا فَحَقَّ أَبُو بَكْرٍ مَرَّةً ثَمَامًا

اینگذرد و اینقدر پس بر دوست داد ابو بکر رضی کبار است گفت ابو بکر

لِيُعَدَّهَا فَعَدَّهَا فَادَّاهِيَ خَمْسُ مِائَةٍ فَقَالَ

خُذْنِي مَعَكُمْ يَا رَاۤهِيَ مُسْلِمٍ فِي صَحْبِهِ فِي كِتَابِ

الفصائل في باب سخاياه صلعم وروى البخاري

الحديث الآخر في صحيحه في كتاب الكفالة مع غيره

يَسِيرُ وَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ رَجُلٍ

امام درویش اسکندر سید الدین ابی بکر دادرایس ارداز مریدان

[illegible]

لا فلاح الا بالدين

تعالیٰ علیہ السلام قال
فی القاموس رحمۃ
کنفہ رحمۃ

بالکرم خالقا
و قوله يوم حزن
قربا من حزن
فوقيت

بسم الله الرحمن الرحيم

الى علي بن ابي طالب

طالق

اسماء بنت ابی بکر

المؤمنين

المري

۱۰۰

145

مِنَ الْعَرَبِ قَالَ زَحَمْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

از عرب بود که گفت ان مرد را چه کرم تری - **فَاِنْ** **تَعَالَى** **عَلَيْكَ** **وَسَلَامٌ** **يَوْمَ** **حُجَّتٍ** **وَفِي** **رَحْمَةٍ** **نَعْلَمُ**

کتاب فیض محمد علی و سلم در روز واقعه حسین و پائی من نعل

کیسے ہو پس اتفاقاً کو تم اذان نکل رہا مبارک پینے کے لئے

اللہ تعالیٰ علیہ وسلم صحیفہ یسویٰ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا لِلَّهِ هُوَ أَشَدُّ عِلْمًا بِمَا نُفَعِّسُ فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

لَا يَمُنُّ أَقُولُ وَأَوْجَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

فَاتَّكَفَّ عَنْهُمْ وَرَدَّ لِحَدِّهِمْ وَأَخَذَتِ الْمَوَدَّةَ بَيْنَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْكُمْ وَتَنْسَوْنَ كُنُوزَكُمْ أَنْ يُغْلِبُوا فِي دُورِكُمْ ۚ

علیہ وسلم را پس گزاراندم شب را چنانکه می دانند خدا پس چون ایداد کردیم

مردے۔ می گفت کجاست فلان گفت آن مرد گفتم بیشت سوگند بخدا

لَذِي كَانَ مَعِيَ بِالْأَمْسِ قَالَ فَأَنْطَلَقْتُ

وَأَنَا مُتَخَوِّفٌ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

— — — — —

قال البراء مكنوا لله إذ احرمت الناس نتقى به
بودیم سوگند بخدا چون سخت می شد جنگ پناه می گرفتیم از سختی

[illegible]

علی بن ابی طالب
 علیه السلام
 وروایت کرد که
 از او پرسید که
 در این کتاب
 چه چیز است
 که اگر کسی
 آن را بخواند
 از آتش نجات
 یابد
 فرمود که
 این کتاب است
 که در آن
 نوشته است
 که اگر کسی
 آن را بخواند
 از آتش نجات
 یابد

وَأَنَّ الشَّجَاعَةَ مِنَ اللَّهِ الَّذِي يُجَادِي بِهِ يَعْقِبُ النَّبِيُّ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ
 إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَفْهَمَ عَنْهُ
 وَأَدَّى إِلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا
 رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي حَبِيبِهِ فِي كِتَابِ الْعِلْمِ وَ
 عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ عَائِشَةَ أَنَّهَا قَالَتْ
 لَا يُعْجَبُكَ أَبَا فُلَانٍ جَاءَ فجلس إِلَى جَانِبِ
 حَجْرِي يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْفَ مَعْنَى ذَلِكَ وَكَنتُ أَسْتَعِجُ

۱۷۷

وروایت کرد که
 از او پرسید که
 در این کتاب
 چه چیز است
 که اگر کسی
 آن را بخواند
 از آتش نجات
 یابد
 فرمود که
 این کتاب است
 که در آن
 نوشته است
 که اگر کسی
 آن را بخواند
 از آتش نجات
 یابد

فَقَامَ قَبْلَ أَنْ أَقْضَىٰ سُجُوتِي وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَكُنْتُ

پس استاد پیش از آنکه گزارم فصل خود را و اگر یاخته اود را هرگز ندیده بودم

عَلَيْهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بر روی من که تحقیق پند خدا صلوات الله علیه وسلم

لَمْ يَكُنْ كَيْسَرُ الْحَدِيثِ كَسَرْدِكُمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

نبود که پیایه می گفت سخن را مانند پیایه گفتن شما روایت کرد ابن حبان و بخاری

فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ صِفَةِ

در صحیح بخاری در کتاب الانبیاء در باب صفت

النَّبِيِّ صَلَّاهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ

صلوات الله علیه و روایت است از برای من که گفتم شنیدم پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْعِشَاءِ بِاللَّيْلِ

صلوات الله علیه و مسلم را می خواند در نماز عشاء سورۃ البقره

وَالزُّيُونِ وَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا

و الزیون و شنیدم هیچ یک را خوشتر از من

مِنْهُ أَوْ قَرَأَهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي

از آن بهتر یا در قرات روایت کرد ابن حبان و بخاری در صحیح بخاری

بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الْعِشَاءِ

در نماز عشاء

الْبَابُ الثَّانِي عَشَرَ فِيمَا كَانَ عَلَيْهِ النَّاسُ

باب دوم در بیان حالتی که بودند بران مردم

فِي الْجَاهِلِيَّةِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَفِي بَيَانِ الْوَسْخِ إِلَى

در زمانه حاجت از مراهم و در بیان مجدد آمدن وی بنو

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَاتَمُ

النَّبِيِّينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ الْجُمُعَةِ هُوَ

الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

آنت کوروست در ناخواندگان پیغمبر از جملة انبیا و اولاد صلوات الله علیه
الْبَاءِ وَيُرِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَصْلِيَ مُبَيِّنُهُ وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ

پیش ازین در امرای هویدا و نیز معوض ماضی از جناب پادشاه

لَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ

الله يوتيه من تشاء والله ذو الفضل العظيم

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَنَسٌ رَسُولُ اللَّهِ

روایت است از عبد الله که گفت گفتند مردم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را رسول الله آنرا خواندند

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

لنذهب الى رسول الله صلى الله عليه وسلم لنسأله عن ذلك

م

[illegible][illegible]

وَكَاثَتْ عِنْدِي اِبْنَةُ نِي فَلَمَّا اَجَابَتْ وَكَانَتْ مَسْرُورَةً
 واپس چون قابل جواب داد و چون خوش و گشاده بود
 و بدو ترم و خنجره مرا
 بَدْعَانِي اِذَا دَعَوْتَهَا فَدَعَوْهَا يَوْمَ مَا فَاتَبَعْتَنِي فَمَرَرْتُ
 بخانه من چون می خواندم و او را پس خواندم آن دختر را روزی پس پس روی کرد و ای کاشتم
 حَتَّى اَتَيْتُ بِهَا مِّنْ اَهْلِى غَيْرِ بَعِيدٍ فَاَخَذْتُهَا
 تا آنکه آمد نزد چایسته کز اهل من دور نبود پس گرفتم
 بِيَدِهَا فَزِدْتُ بِهَا فِى الْيَتْرِ وَكَانَ اخُو عَهْدِي
 دست آن دختر پس انگشتم و او را در خانه و بود از خیمه خانه و دیگر کردن من
 بِهَا اَنْ تَقُولِ يَا اَبْتَا هٰذَا بِنْتُكَ رَسُوْلُ اللّٰهِ
 آن دختر آنکه می گفت آن دختر را بنده و ایتام پس گریست پس بنیفر خدا
 صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى وَكَلَتْ دَمْعُ عَيْنَيْهِ
 صلی الله علیه و سلم تا آنکه اشک چشمش بر آید
 فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِّنْ جُلَسَاءِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
 بر گفت از نشینان او در آن روز پس بنیفر خدا صلی الله
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَخْرَجَتْ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ
 و سلم اندو گین کردی پس بنیفر خدا صلی الله
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ كَفَّ فَاَنَّهُ كَيْسَالُ عَمَّا هُوَ
 و سلم بر پس گفت آنحضرت را آن بنشینان را از این است پس از این گفت و می رسد و
 ثُمَّ قَالَ لَهُ اَعِدْ عَلَيَّ حَدِيثَكَ فَاَعَادَهُ فَوَلَّى
 برست گفت آنحضرت او را و گویند بر من خود را پس می گفت از او خود را

وہود تروم دختر مرا پس چون قابل جواب دادن شد این دختر جو ذکر شدی شد

بَدْعَايِ لَدَا دَعَوْتَهَا فَدَعَوْتَهَا يَوْمًا فَاتَّبَعْتَنِي فَمَرَرْتُ

پس خواندم آن دفتر را روزی پس پسر وی کرد مرا ای کرم

سَدِّهَا قَدْ دَنْتُ بِهَا فِي السُّرِّ وَكَانَ أَخُو عَمْدِي

وَمَا كَانَ يَقُولُ بِآيَاتِهِ إِلَّا نَزْلًا مِنْ رَبِّهِ وَأَلَمْ يُؤْمَرْ أَنْ تَنْزِلَ بِالْهَقْلِ وَلَئِنْ أَرَادَ أَنْ يُنذِرَ قَالَ نَزَلَ بِالْحَقِّ وَإِنْ كُنَّا لَسَوَاءٌ أَعْيُنُهُمْ فَخَنَزَعْنَا لَهُ لَنَزَلَ إِنَّهُمْ لَمُتَّوْنٌ لَكِن لَمْ يَخْبَرُوا

آن دختر را که می گفت آن دختر را بستان یا بستان پس گریست پیغمبر خدا

میں نے اپنے لیے ایک کچھ لکھا ہے۔

پس گفت مرا شخص را مردی از بهشتیان پیغمبر خدا صلی الله

عليه وسلم ارحم الراحمين صلى الله عليه وسلم

عليه وسلم فقال له كف وأبى فقال عليه السلام
 پس گفت آنحضرت مردان خوشین را باز ایستاد پس بر آنکه این شخص را ببردند و
 او را کشتند و آنرا در میان ایشان نهادند و آنرا در میان ایشان نهادند و آنرا در میان ایشان نهادند

پستر گفت آنحضرت بعد از عود میکنی بر من سخن خود را پس کرد گفتند و در آن موعود را

[illegible]

کشف ای قفله علی السری

وَقَوْلُهُ صَلَّى عَلَى الْمَدِينَةِ
وَالْمَدِينَةُ مَعْنَى الْمَدِينَةِ

ان ماحولیات کے لئے

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

التقنين ١٤٠١

فاسلوا واحضوا اسلوا
على يامر

عبدالصمد الحسنی

فصل اول در بیان احوال و حال

۱۰۰

في بعض الأحيان

حَتَّى وَكَفَّ الدَّمْعُ مِنْ عَيْنَيْهِ عَلَى لِحْيَتِهِ ثُمَّ
 قَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ الْجَاهِلِيَّةِ مَا عَمِلُوا
 قَسَاتَيْفَ عَمَّاكَ وَعَنْ مُجَاهِدٍ حَدَّثَنِي مَوْلَا
 أَنَّهُ أَهْلَهُ بَعَثُوا مَعَهُ يَفْقَدُ فِيهِ زُبْدٌ وَلَبَنٌ إِلَى
 الْهَيْمِ قَالَ مَنَعْنِي أَنْ أَكُلَ الزُّبْدَ مَخَافَتَهَا قَالَ
 فَمَاءٌ كَلْبٌ فَأَكَلَ الزُّبْدَ وَشَرِبَ اللَّبَنَ ثُمَّ يَأْتِي
 عَلَى الصَّيْمِ وَهُوَ إِسَافٌ وَنَائِلَةٌ قَالَ هَامِرُونَ
 كَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا سَافَرَ حَمَلَ مَعَهُ
 أَرْبَعَةَ أَجَارٍ ثَلَاثَةٌ لِقَدْرِهِ وَالرَّابِعُ يَعْبُدُهُ وَيَتَّقِيهِ
 كَلْبُهُ وَيَقْتُلُ وَلَدَهُ وَعَنْ أَبِي الرَّجَاءِ قَالَ

سلف از دود بوزان
 گلاب و عصاره من
 در صفای و بوی
 علی الصفادان و علی الود
 و کان یزید علیها نائله
 الطیبه و ادبها
 ۱۸۲
 لسان بنی عرب
 و نائیت بنی عرب
 فی زمانه
 فی زمانه
 فی زمانه
 فی زمانه

از کتب معتبره

۱۸۲

1994

سلامه از نواب
 من قول بعد
 ذلک می بود
 ایشان و توفیک
 بالاراد و الشلوک
 فادکر

ایمانه
 من الکفره
 قار البیضا
 ۱۲۱۱

۱۸۳

ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ

پس بیاید بشما پیغمبر پس باور دارنده چه می رسد را که پادشاه است برکنایان این

بِهِ وَلِتُنْصِرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ

پس بگوئید و در آن وقت که خدا را گفت خدا را اقرار کردید و گرفتید

أَصْرِي قَالُوا أَأَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ

چین مرا گفتند اقرار کردیم پس خود خدا را شاهد پس گواه باشید و من

مَعَ الشَّاهِدِينَ ۚ مَن تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ

آن همراهان من هستند پس هر که بعد از این عهد پس آن گروه

هُمُ الْفَاسِقُونَ ۚ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالُوا

ایشانند سرکشان روایت است از ابی هریره که گفت گفتند

يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَتَىٰ وَجِبَتْ

ای پیغمبر صلوات الله علیه و سلم در کدام وقت واجب شد

لَكَ النَّبُوءَةُ قَالَ وَادَّ مَبِينَ الرُّوحِ وَالْجَسَدِ

برای تو پیغمبری فرمود آنحضرت که آدم در میان روح و بدن بود

رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ فِي جَامِعِهِ فِي الْمَنَاقِبِ فِي بَابِ

روایت کرد این حدیث را ترمذی در جامع ترمذی در مناقب در باب

فَضْلِ النَّبِيِّ صَلَّمَ وَقَالَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ

نخستین پیغمبر صلوات الله علیه و سلم و گفت ترمذی این حدیث حسن

حَكِيمٌ غَرِيبٌ مِّنْ حَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ لَا نَعْرِفُهُ

حکیم غریب است از حدیث ابی هریره نمی شناسیم

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْغَيْبِ وَكَانُوا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 وَالَّذِينَ هُمْ يُدْعَوْنَ إِلَى الْإِسْلَامِ قَالُوا لَا مَكْرَ فِيهِمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْغَيْبِ وَكَانُوا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 وَالَّذِينَ هُمْ يُدْعَوْنَ إِلَى الْإِسْلَامِ قَالُوا لَا مَكْرَ فِيهِمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

لَا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ
 النِّسَاءِ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ
 النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
 وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَآلَ كَسْبَاطٍ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ
 وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُورًا
 عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ
 الْحَارِثَ بْنَ هِشَامٍ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَأْتِيكَ
 الْوَحْيُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 أَحْيَا نَأْيَ بَنِي مِثْلَ صَلَاحَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ شَدِيدٌ

وَمَا كَانَ يَدْعُوهُ إِلَّا بِمِثْلِ صَلَاحَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ شَدِيدٌ
 وَكَانَ يَدْعُوهُ إِلَّا بِمِثْلِ صَلَاحَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ شَدِيدٌ
 وَكَانَ يَدْعُوهُ إِلَّا بِمِثْلِ صَلَاحَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ شَدِيدٌ
 وَكَانَ يَدْعُوهُ إِلَّا بِمِثْلِ صَلَاحَةِ الْجَرَسِ وَهُوَ شَدِيدٌ

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْغَيْبِ وَكَانُوا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 وَالَّذِينَ هُمْ يُدْعَوْنَ إِلَى الْإِسْلَامِ قَالُوا لَا مَكْرَ فِيهِمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْغَيْبِ وَكَانُوا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 وَالَّذِينَ هُمْ يُدْعَوْنَ إِلَى الْإِسْلَامِ قَالُوا لَا مَكْرَ فِيهِمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

الحق

لو كان ما بيننا وبينكم كفاية
فقالوا يا رسول الله انما نريد
السلامة والنجاة

قال في فتح المشكاة عدل من
قال في فتح المشكاة عدل من

مقالہ
میرزا یحیٰی خان
راجپوت

انظر لاجرم
بنا بر این علی و
شماره اول

و القلم و
مغنی علیہ
بے بند

فیہ وغلبہ
فیہ وغلبہ

الحمد لله الذي جعلنا من عباده
الذين هم على ما هم عليه

میں نے ان کو

عن
قادر بن محمد بن
أحمد بن عبد الله

بقول البراء
الحديث

قال في نهج
عبد الله بن عبد الله

في الحديث
عن النبي صلى الله عليه وسلم
رجع اليه

فَقَضَا فَحَشَّ النَّاسُ نَحْوَهُ قَالَ مَا لَكُمْ قَالُوا لَيْسَ
عِنْدَنَا مَاءٌ نَتَوَضَّأُ وَلَا شَرْبُ إِلَّا مَا بَيْنَ يَدَيْكَ
فَوَضَّعَ يَدَهُ فِي الزُّكُوفِ فَجَعَلَ الْمَاءُ يَتَوَرَّدُ بَيْنَ أَصَابِعِهِ
كَامْتَالِ الْعَيُونِ فَشَرِبْنَا وَتَوَضَّأْنَا قُلْتُ كَمْ كُنْتُمْ
قَالَ لَوْ كُنَّا مِائَةَ أَلْفٍ لَكُنَّا نَاكِلًا خَمْسَ عَشْرَةَ مِائَةً
وَكُنَ الْبَرَاءُ قَالَ كُنَّا يَوْمَ الْحَدِيثِ بِرَبْعِ عَشْرَةَ
مِائَةً وَالْحَدِيثُ يَأْتِي فَنَزَحْنَا هَا حَتَّى كُنَّا نَزْكُ
فِيهَا قُلْتُ فَجَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
عَلَى شَفِيرِ الْيَتْرِ فَدَعَانَا فَمَضَّ وَجْحُ فِي الْيَتْرِ
فَمَكَّنَا غَيْرَ بَعِيدٍ ثُمَّ اسْتَفِينَا حَتَّى رَوَيْنَا وَرَوَيْتُ

[illegible][illegible]

المشقة
التيها جرين والاطفا
ما لم يولد من اطفال اليم
اشباغا واما قول ابن اسحاق
كانوا اسديا

[illegible]

وَقَالَ فِي شَرْحِهِ
قَالَ الْعَلَّامَةُ الْمُطَهَّرُ
وَالْوَجْهَانِ فِي الْإِسْرَافِ
وَفَتْحِ الْوَلَدِ وَصَمَّانِ
بِشَيْءٍ أَوْ لَدَى كَسْرٍ
سَلَامٌ وَكَرْمِي تَائِيْدُ

194

رسالة في فوائد الحليب
في موضع الذي يدر
في المغرب البيدر
في الماء النقي
قوله بيدر في
الذي هو الحليب

[illegible]

فِي كِتَابِ الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ عِلَامَاتِ النَّبِيِّ وَ

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ قَالَ كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ

روایت است از عبد الرحمن بن ابی بکر که گفت: جویدم با
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثِينَ وَمِائَةً فَقَالَ النَّبِيُّ

صلی اللہ علیہ وسلم ہاں معاً

صلی اللہ علیہ وسلم ریاست باپ سے لے کے از شہ

پس آنگاه با مردی بود یک صاع از طعامی که میان کعبه و او سه دین

پستر آمد مردی مشرک پرانده مو دراز قد باگو سپینان در حالیکه

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْعًا أَمْ عَظِيَّةً

وَقَالَ أُمِّيَّةٌ قَالَ لَا بَيْعَ فَاشْتَرَيْ مِنْهُ شَاةً

قُصِّصَتْ وَأَمْرُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لَكَ شَاكِرِينَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ السَّمْعَ أَنْ تَسْمَعُوا نَادِيَ رَبِّكُمْ وَمَا تَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْبَصَرَ أَنْ تَبْصُرُوا نَارَ رَبِّكُمْ وَمَا تَعْلَمُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْفُؤَادَ أَنْ تَعْلَمُوا وَمَا تَعْلَمُونَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَكُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّزَكَّاتُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ اللَّيْلَ أَنْ تَنَامُوا وَالنَّهَارَ أَنْ تَعْمَلُوا بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّكَذِّبُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْيَوْمَ وَاللَّيْلَ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالْيَوْمَ أَجْمَعًا ذِكْرًا وَبَلَدًا مُّحَدَّدًا فَلَا تَعْلَمُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْفُؤَادَ عَاقِلًا أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْوَسْطَى بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَمَخَارِبَ خَلْفَكُمْ وَمِنْ دُونِهَا وَمَا تَسْمَعُونَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَكُم وَلَكِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّكَذِّبُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْوَسْطَى بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَمَخَارِبَ خَلْفَكُمْ وَمِنْ دُونِهَا وَمَا تَسْمَعُونَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَكُم وَلَكِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّكَذِّبُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْوَسْطَى بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَمَخَارِبَ خَلْفَكُمْ وَمِنْ دُونِهَا وَمَا تَسْمَعُونَ إِلَّا بِمَا عَلَّمَكُم وَلَكِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّكَذِّبُونَ

یہی حکم الدال ای بھی
دور لا تھی یا شائستہ فریقہ
الساکنۃ فی اللواتی بالمکسرة
تلفظی بعضی راکی بعضی راکی
راکی در ملاقات امام علی علیہ السلام
ای بھی امام و از حدیث کمال
صلی اللہ علیہ وسلم کی ایک
الذی حیوۃ الصالحۃ فی اللواتی

الاجابہ میں فرمایا کہ
دور رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
ارسلوا بکونہ فقلت نعم
قال لعلکم تفلحون
علی بن ابی طالب رضی اللہ عنہ
ذو جلی علیہ السلام
خالد بن ولید رضی اللہ عنہ
راجل زبانی شریف
السلام اللہ اللہ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَعِيفًا عَرَفَ فِيهِ الْجُوعَ
صلی اللہ علیہ وسلم را ضعیف می شناسم در آنوقت عمر سگی را
فَقُلْ عِنْدَكَ مِنْ شَيْءٍ فَقَالَتْ نَعَمْ فَأَخْرَجَتْ
پس ایست نزد تو چیز پس گفت ام سلیم آرسے بہت پس بیرون آورد ام سلیم
أَقْرَأَ صَائِمِينَ شَعِيرٍ ثُمَّ أَخْرَجَتْ خِمَارًا لَهَا فَلَقَتْ
تا چند از جو پستر بیرون آورد ام سلیم خمار خود را پس پیچید
الْحَبْرَ بَعْضُهُ ثُمَّ دَسَّتُهُ تَحْتَ يَدَيَّ وَلَا تَنِي
کمان را بعضی آن خمار پستر پوشید آنرا زیر دست من
بَعْضُهُ ثُمَّ أَرْسَلْتَنِي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
بعضی خمار پستر فرستاد مرا بسوی پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَنَزَعْتُ يَدَهُ فَوَجَدَتْ رَسُولَ اللَّهِ
صلی اللہ علیہ وسلم گفت اش پس بروم آن کمان را پس بافتم پیغمبر خدا
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ وَمَعَهُ النَّاسُ
صلی اللہ علیہ وسلم را در مسجد در حالیکہ با آنوقت مردم بودند
فَقُمْتُ عَلَيْهِمْ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
پس ایستادم نزد ایشان پس گفت مرا پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرْسَلَكَ أَبُو طَلْحَةَ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ
صلی اللہ علیہ وسلم ای فرستاده است ترا ابو طلحہ پس گفتم آرسے گفت آنوقت
بَطْعًا وَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
با طعماے فرستاده است پس گفتم آرسے پس گفت پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

۱۰۰

من جود الحسن فاصحة و
الكلاب
في الجاهل من فيه
الكلاب من حسن ذ النحل
هو دعا، من جود وسير
يخشى بما هو جود الحسن
أضحت سنة ١٢

جہاں ہر ایک مرد و عورت کو ایک ایسا مقام ملے گا جہاں وہ اپنے آپ کو بے حد محبت و مہربانی سے دیکھ سکیں۔

[illegible]

فهموا على السليمة
تو سلم على العبد علي بن ابي طالب
اسم افرد في الفصح
الفرقة يقال فقت
الفرق او قد بعث
المراد غرضه تو سلم
الفن قائم بالمراد
من ركوه ودرجوا
وان برضا من الله
وان يغيب الخ

[illegible]

[illegible]

رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ أَوْ كَمَا فِي كِتَابِ الْأَسْبَابِ

روایت نمودن دو حدیث را بخاری در صحیح بخاری
اولی را در کتاب الا نیاء

فِي بَابِ عَلَامَاتِ النَّبُوَّةِ وَثَانِيهَا فِي كِتَابِ

در باب علامات نبوت و شمائی را در کتاب

المغازي في باب غزوة الخندق ورواهما مسلم

المغازي در باب عزوه خندق وروایت این دو حدیث را سلم

فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الْأَشْرِيَّةِ فِي بَابِ جَوَازِ اسْتِئْجَارِ

در حجسم در باب الاثرية در باب جواز استبعاد

الضيف الى وعن مجاهد ان ابا هريرة كان

میں نے اس کو دیکھا ہے کہ وہ ایک ایسا شخص تھا جس کی ہر بات پر لوگ غور کرتے تھے۔

يَقُولُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِنِّي كُنْتُ لَعَنُوكُمْ

بسم الله الرحمن الرحيم

مَلِكِي عَلَى الْأَرْضِ مِنْ الْجَوْعِ وَإِنْ كُنْتُ

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

من بستم سنگ را بر شکم خود لبیب گرسنگی و بهیق ششم

١٠٠

دوڑے ۔۔۔ راہ ایشان آگہ بیرون ی آئندہ از ان راه پس گذشت حضرت بعد از

١٤٣٠ هـ - ١٤٣١ هـ

مسائلہ کن ایہ میں کتاب اللہ ما سائلہ

11	12	13	14	15	16	17	18	19	20	21	22	23	24	25	26	27	28	29	30	31	32	33	34	35	36	37	38	39	40	41	42	43	44	45	46	47	48	49	50	51	52	53	54	55	56	57	58	59	60	61	62	63	64	65	66	67	68	69	70	71	72	73	74	75	76	77	78	79	80	81	82	83	84	85	86	87	88	89	90	91	92	93	94	95	96	97	98	99	100
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحقوق الخلقية

34

منہا

3. 11. 1941

بنیاد

مجلس
العلماء

2016

عبدالحق خان

مستند

۱۰۰

三、

والجواب: نعم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

11

10/10/10

10

分

1990

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26

مجلسیٰ

مجلس

من الغنای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش رو

U.S. 100

اشْرَبَ فَشَرِبْتُ فَمَا نَالَ يَقُولُ اشْرَبْ حَتَّى قُلْتُ

بخورد پس خوردم پس همیشه می گفت آنحضرت بخورد تا آنکه گفت

لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أَجِدُ لَهُ مَسْلَكًا قَالَ

سگند بذاشیکه فرستاد ترا بحق نمی یابم برای این شیر را می نخورد گفت آنحضرت

فَارِنِي فَأَعْطَيْتُهُ الْقَدَحَ فَمَجَّدَ اللَّهُ وَسَمِيَّ وَشَرِبَ

پس بر من را پس دادم آنحضرت را قبیح پس ستود خدا را و بسم الله گفت و خورد

الْفَضْلَةَ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ

نیز آمده در روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب الرقاق

فِي بَابِ كَيْفَ كَانَ عَيْشُ النَّبِيِّ صَلَّى وَسَلَّمَ وَعَنِ

در باب آنکه چگونه بود عیش پیغمبر صلعم روایت است از

الْمِقْدَادِ قَالَ أَقْبَلْتُ أَنَا وَصَاحِبَانِ لِي وَقَدْ

مقداد و گفت که رفتم من و دو یار من و تحقیق

ذَهَبْتُ أَسْمَاعُنَا وَأَبْصَارُنَا مِنَ الْحَمْدِ فَجَعَلْنَا

گر شد توت شنوائی و بینائی ما بسبب گرسنگی پس شروع کردیم

نَعْرِضُ أَنْفُسَنَا عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

که پیش میکردیم خود را اصحاب پیغمبر خدا صلعم

اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَيْسَ أَحَدٌ مِنْهُمْ يَقْبَلُنَا فَاتَيْنَا

الله علیه وسلم پس نبود هیچ کس که از ایشان که پذیرد ما را پس آمدیم نزد

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَنْطَلَقَ بِنَا إِلَى أَهْلِهِ

پیغمبر صلعم الله علیه وسلم پس برد ما را بسوی اهل خود

الحق و الله

نیز آمده در روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب الرقاق

فِي بَابِ كَيْفَ كَانَ عَيْشُ النَّبِيِّ صَلَّى وَسَلَّمَ وَعَنِ

در باب آنکه چگونه بود عیش پیغمبر صلعم روایت است از

الْمِقْدَادِ قَالَ أَقْبَلْتُ أَنَا وَصَاحِبَانِ لِي وَقَدْ

مقداد و گفت که رفتم من و دو یار من و تحقیق

ذَهَبْتُ أَسْمَاعُنَا وَأَبْصَارُنَا مِنَ الْحَمْدِ فَجَعَلْنَا

گر شد توت شنوائی و بینائی ما بسبب گرسنگی پس شروع کردیم

نَعْرِضُ أَنْفُسَنَا عَلَى أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

فَاِذَا ثَلَاثَةٌ اَعَزُّ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
اَحْتَلِيْوْا هَذَا اللَّبَنَ بَيْنَنَا قَالَ فَاَكْنَا تَحْتَلِبُ فَيَشْرَبُ
كُلُّ اِنْسَانٍ مِّمَّا نَصِيْبُهُ وَنَزَعَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَصِيْبُهُ قَالَ فَيَحْيَى مِنْ اللَّيْلِ قَبِيْلَهُ
تَسْلِيْمًا لَا يُوقِظُ نَائِمًا وَكَيْسَعُ الْيَقْظَانِ قَالَ ثُمَّ يَأْتِي
الْمَسْجِدَ فَيُصَلِّي ثُمَّ يَأْتِي شَرَابَهُ فَيَشْرَبُ فَاَتَانِي الشَّيْطَانُ
ذَاتَ لَيْلَةٍ وَقَدْ شَرِبْتُ نَصِيْبِي فَقَالَ مُحَمَّدٌ يَأْنِي
الْاَنْصَارُ فَيَقِفُوْنَ وَيُصِيبُ عَنْدهُمْ مَا يَحَاجُّهٗ
اِلَى هَذِهِ الْجُرْعَةِ فَاتَّبَعْتَهَا فَشَرِبْتُهَا فَلَمَّا اَنْ وَعَلْتُ
فِي بَطْنِي وَعَلْتُ اَنَّهُ لَيْسَ اِلَيْهَا سَبِيْلٌ قَالَ نَكَهْنِي

ساده گان بنمودند پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
اینها را بین ما تقسیم کنید پس گفت مقداد ای منیر را پس بخورد
هر کسی از آن نصیب خود را پس مقداد پیوسته برای پیغمبر صلی الله علیه وسلم
نصیب خود را گفت مقداد پس می آمد آنحضرت بوقت شب پس سلام میکرد
سلام کردنی که بیدار نمی کرد خفته را و می شنواید بیدار را گفت مقداد پس می آمد
در مسجد پس نماز میکرد پستری آمد نزد پیغمبر خود پس بخورد و بن شیره را پس آمد نزد شیطان
ذات لیل که خورده بودم نصیب خود را پس گفت شیطان محمدی آید
انصار بایستند و بایستد که در میان آنها تقسیم کنند آنچه را که حاجت آنهاست
این جرعه را بیاورند و بنوشند پس پیغمبر را که بنوشید و بنوشید و بنوشید
پس آمد نزد آن پس بخوردم آنرا پس چون داخل شد آن شیره
در شکم من و دانستم آنکه نیست بپوشش راه گفت مقداد پیشانی داد مرا

ساده گان بنمودند پس گفت پیغمبر صلی الله علیه وسلم
اینها را بین ما تقسیم کنید پس گفت مقداد ای منیر را پس بخورد
هر کسی از آن نصیب خود را پس مقداد پیوسته برای پیغمبر صلی الله علیه وسلم
نصیب خود را گفت مقداد پس می آمد آنحضرت بوقت شب پس سلام میکرد
سلام کردنی که بیدار نمی کرد خفته را و می شنواید بیدار را گفت مقداد پس می آمد
در مسجد پس نماز میکرد پستری آمد نزد پیغمبر خود پس بخورد و بن شیره را پس آمد نزد شیطان
ذات لیل که خورده بودم نصیب خود را پس گفت شیطان محمدی آید
انصار بایستند و بایستد که در میان آنها تقسیم کنند آنچه را که حاجت آنهاست
این جرعه را بیاورند و بنوشند پس پیغمبر را که بنوشید و بنوشید و بنوشید
پس آمد نزد آن پس بخوردم آنرا پس چون داخل شد آن شیره
در شکم من و دانستم آنکه نیست بپوشش راه گفت مقداد پیشانی داد مرا

عَرَفْتُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ رَوَى

وَأَسْبَبْتُ دَعْوَتَهُ فَضَحِكْتُ حَتَّى الْفَيْتُ إِلَيَّ

الْأَرْضِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

إِحْدَى سَوَآتِكَ يَا مِقْدَادُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ

كَانَ مِنْ أَمْرِي كَذَا وَكَذَا وَفَعَلْتُ كَذَا فَقَالَ

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا هَذِهِ الْأَرْحَمَةُ مِنْ

اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَفَلَا كُنْتَ أَذْنَتِي قَتُوقُ صَدَائِكُنَا

فَصَيَّبَانِ مِنْهَا قَالَ فَقُلْتُ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ

مَا أَبَا لِي إِذَا أَصَبْتُهُمَا وَأَصَبْتُهُمَا مَعَكَ مَنْ أَصَابَهَا

مِنَ النَّاسِ رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ

از جمله مردم روایت کرده این حدیث را مسلم در صحیح مسلم و در کتاب

تفقیہ
اصول فقہ

والسلام
على المرسلين
الذين هم خير
الناس
في القضاة
والعلماء

عَلَيْهَا فَسَكَنْتُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ فِي كِتَابِ

برو پس ساکن شد آن بنوع روایت این دو حدیث را بخاری در صحیح بخاری در کتاب

الْأَنْبِيَاءِ فِي بَابِ عِلَامَاتِ النُّبُوَّةِ وَعَنْ صَاحِبِ

الأنبياء علامات نبوت در باب علامت نبوت در روایت است از صاحب

ابْنِ حَيَّانَ عَنِ ابْنِ بَرِيدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كَانَ

بن حیان و اور روایت کرد از ابن برید و او روایت کرد از پدر خود که گفت بود

النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خُطِبَ قَامَ فَاطَمًا

پیغمبر صلی الله علیه وسلم چون خطبه میخواند می ایستاد و دست راست را بر سر

الْقِيَامِ فَكَانَ يَشُقُّ عَلَيْهِ قِيَامُهُ قَائِمًا يَجْذَعُ فَخَلَةً

قیام را پس سخت میشد بر آن حضرت قیام پس آمده شد تنه او درخت خرم

فَحَفَرَهُ وَأَقِيمَ إِلَى جَنْبِهِ قَائِمًا لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

پس زمین کنده شد برای او و ایستاد کرد و در سوئی پهلوی او قائم برای پیغمبر صلی الله علیه

وَسَلَّمَ فَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خُطِبَ

و سلم پس بود پیغمبر صلی الله علیه وسلم چون خطبه میخواند

فَطَالَ الْقِيَامُ عَلَيْهِ اسْتَنَدَ إِلَيْهِ فَأَتَاكَ عَلَيْهِ فُجُورٌ

پس دراز میشد قیام بر آنحضرت پس استنداد آنحضرت بسوی آن جناب پس میگریه میکرد و بر زمین میگفت

يَهْ تَجُلْ كَانَ وَدَدَ الْمَدِينَةَ فَرَأَاهُ قَائِمًا لِي

آه! مردم که درنده بود بهرینه پس دید آنحضرت را ایستاده بسوی

جَنْبِ ذَلِكَ الْجَذَعُ فَقَالَ لِمَنِ تَبْلِي مِنَ النَّاسِ

آن جناب پس گفت آن مرد تشنه را که نزد وی بود از مردم

أَمِيهِ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ سَمِعَ

پدر خود آنکه بر آئینه پیغمبر علیه السلام و سلم چون شنید

حَنِينَ الْجَذَعِ رَجَعَ إِلَيْهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَقَالَ

نالک جاذع را باز گشت بسوی آن جناب دست مبارک خود را بر او و گفت

اخْتَرَانِ أَعْرَسَكَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي كُنْتَ فِيهِ

برگزین آنکه من ترا در جاییکه بودی تو در اینجا

فَكُنْ كَمَا كُنْتَ وَإِنْ شِئْتَ أَنْ أَعْرَسَكَ فِي الْجَنَّةِ

پس بشوی چنانکه بودی و اگر خواهی آنکه من ترا در جنت

فَتَشْرِبُ مِنْ أَنْهَارِهَا وَعِيُونُهَا فَيَحْسَنُ نَبْتُكَ وَ

پس نوشی از جویبارهای جنت و چشمهای آن پس نیکو شود رشتن تو و

تَتَوَفَّى كُلُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ شُرَكَائِكَ وَتُحْلِلُ فَعَلْتُ

آنکه هر یکی پس خدند و دوستان خدا از شر تو و حلال تو گشتم

فَرَحِمَ آتَاهُ سَمِعَ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

پس او را که رادی و در پیش آنکه آفرینید از پیغمبر علیه السلام و سلم

وَهُوَ يَقُولُ لَهُ نَعَمْ قَدْ فَعَلْتُ قَرَّتَيْنِ فَسَأَلَ النَّبِيَّ

در حالیکه آنحضرت میگفت برای آن جبرج آری به تحقیق کردم و دوبار پس پرسید پیغمبر

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ اخْتَارَ أَنْ أَعْرَسَهُ

صلی الله علیه و سلم را پس گفت آنحضرت اختیار کردم آنکه من ترا خواهم

فِي الْجَنَّةِ وَحَمْنُ بْنُ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ

در جنت حدایت است از این عباس که بر آئینه پیغمبر علیه السلام و سلم

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَجُطِبُ إِلَى جَذْعٍ قَبْلَ أَنْ يَخْجُذَ الْمَنِيرَ

فَلَمَّا أَخَذَ الْمَنِيرَ وَتَحَوَّلَ إِلَيْهِ حَتَّى الْجَذْعُ فَاحْضَنَهُ

فَسَكَنَ وَقَالَ لَكُمْ أَحْضَنَهُ لِحَنِّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ

وَفِي رَوَايَةٍ الطَّفِيلُ بْنُ أَبِي بَنْ كَعْبٍ عَنْ أَبِيهِ

فَلَمَّا جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرِيدُ

الْمَنِيرَ مَرَّ عَلَيْهِ فَلَمَّا جَاوَزَهُ خَالَ الْجَذْعَ حَتَّى تَصَدَّعَ وَ

انْشَقَّ فَرَجَّعَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مُسَمَّعَةً بِيَدِهِ حَتَّى سَكَنَ ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الْمَنِيرِ قَالَ فَمَا

إِذَا صَلَّى صَلَّى إِلَيْهِ فَلَمَّا هَدِمَ الْمَسْجِدَ أَخَذَ ذَلِكَ

الْجَذْعَ أَبِي بَنْ كَعْبٍ فَلَمْ يَزَلْ عِنْدَهُ حَتَّى بَلَغَ

مَنْعَرَةَ

خطبه بخواند بسوی پہلوی نزد درخت منار پیش از آنکه از آنجا برآید
پس چون اختیار کرد منبر را در گشت بسوی او ناله کرد جلع پس در آن گرفت آنوقت

پس مکن شد جلع و گفت آنحضرت اگر در آن نگرینے اورا ہر ایک ناله کردے تا روز قیامت

در روایت طفیل بن ابی بن کعب از پدر اوست

پس چون آمد پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم در آنجا اراده میکرد

منبر را گذشت از نزد آن جلع پس چون در گذشت از آن مانند بنگ کا و بنگ کرد جلع تا آنکه بگذاشت و

شکافت شد پس باز گشت بسوی آن پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم

پس مسح کرد او را آنوقت بہت مبارک بود تا آنکہ مکن شد جلع پس باز گشت آنحضرت بسوی منبر گفت وادی

چون میگنارد نماز را میکنارد و بسوی آن پس چون مندم شد مسجد گرفت آن

جلع را ابی بن کعب پس ہمیشہ بود آن جلع نزد وی تا آنکہ کشته شد

فَاكَلَتْهُ الْاَكْضَةُ وَعَادَرُ فَاَتَا عَنْ أَبِي الْوَدَّاعِ
پس خورد او را که یک چوب بخار و گردید ریزه ریزه و روایت است از ابی الوداع
عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
و او روایت کرد از ابی سعید و گوشت بود پس بنشیند خدا محطه الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ إِلَى لِزْقٍ جَذَعٍ فَاَتَاَهُ رَجُلٌ
علیه وسلم خطبه میخواند بسوی بعلوی بنیه و رفت غدا پس آمد نزد آنحضرت مردی
رُومِيٌّ فَقَالَ اصْنَعْ لَكَ مِنْبَرًا نَخْطُبُ عَلَيْكَ فَصَنَعَهُ
رومی پس گفت ای سازم برای تو منبر خطبه بخوانی برو پس ساخت و آنحضرت
مِنْبَرًا هَذَا الَّذِي تَرَوْنَ قَالَ فَلَمَّا قَامَ عَلَيْهِ النَّبِيُّ
اینکه منبر گفت ابی سعید پس چون استاد برو پس بنشیند
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ حَتَّى إِجْذَعُ حَنِينٍ
محطه الله علیه وسلم در محلی خطبه میخواند تا ناله کرد و منبر تا ناله نکردن
الْبَاقِيَةِ إِلَى وَلَدِهَا فَانْزَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
تا ناله شتر بسوی خود پس زد و آمد بسوی آن حضرت پس بنشیند خدا محطه الله
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَضَمَّهُ إِلَيْهِ فَسَكَنَ فَأَمَرَهُ أَنْ يُحْفَرَ لَهُ
علیه وسلم پس هم کرد او را بسوی خود پس ساکن شد پس فرمود آنحضرت بنی حنانه که نه شود زمین بر او
وَيُذْفَنُ وَفِي رَوَايَةٍ اسْتَقْبَحَ بَنِي طَلْحَةَ عَنْ أَنَسِ
و دفن کرد و شد و در روایت استحاق بن ابی طلحه است از انس
بَنِي مَالٍ فَلَمَّا قَعَدَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
بن مالک پس چون نشست و بنشیند خدا محطه الله علیه وسلم

۵۱

عَلَى ذَلِكَ الْمُنْبَرِ خَارَ الْجِدْعُ كَخَوَارِ الثَّوْرِ حَتَّى ارْتَفَعَ
 الْمَسْجِدُ حُزْنًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 فَتَوَلَّى إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ
 الْمُنْبَرِ قَالَ لَتَزِمَهُ وَهُوَ يَحْزَنُ فَلَمَّا أَلْزَمَهُ رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَكَتَ ثُمَّ قَالَ لَمَّا وَالَّذِي نَفْسِي
 فِي يَدَيْهِ لَوْ كُنْتُ أَلْزَمُهُ لَمَا كُنْتُ هَكَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 حُزْنًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمَرَهُ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَدَفِنَ رَوْعِي
 الدَّارِعِي الْأَحَادِيثَ الْأَرْبَعَةَ فِي آوَائِلِ سُنَّتِهِ فِي
 بَابِ مَا أَكْرَمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِحَبِيبَيْنِ الْمُنْبَرِ وَقَالَ اللَّهُ

علیٰ ذلک المنبر خار الجذع
 کخوار الثور حتی ارتفع
 المسجد حزنا علی رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم
 فتولی الیہ رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وسلم من المنبر
 قال لتزمنہ وهو یحزن
 فلما ألتزمہ رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم سکت
 ثم قال لما والذی نفسی
 فی یدئہ لولم کنت ألتزمہ
 لکنت ہکذا الی یوم القیامۃ
 حزنا علی رسول اللہ صلی
 اللہ علیہ وسلم فأمرہ
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ
 وسلم فدفن روعی الداری
 العی الأربعة فی أوائل
 سنتہ فی باب ما اکرم
 النبی صلی اللہ علیہ وسلم
 بحبیبن المنبر وقال اللہ

المقدس قال والسجرة المعونة في القرآن قال
 المقدس گفت ودرخت لعنت که در شد قرآن گفت بن عباس

۱۱۳۸

تفسیر
صلوات
صلوات
صلوات

صلوات
صلوات
صلوات
صلوات

صلوات
صلوات
صلوات
صلوات

صلوات
صلوات
صلوات
صلوات

ثُمَّ أَيْدِيَّ بِطَسْتٍ مِّنْ ذَهَبٍ مَُّمَوَّءٍ لِّمَآنَا
 فَغَسَلَ قَلْبِي ثُمَّ حَشَى ثُمَّ أَعْيَدَ ثُمَّ أَيْدِيَّ
 يَدَا بَنِي دُونَ الْبَغْلِ وَفَوْقَ الْيَحْمَارِ أَبْيَضَ
 فَقَالَ لَهُ الْيَحْمَارُ دُونَ الْبَرْقِ يَا أَبَا حَمْزَةَ
 قَالَ أَنَسُ نَعَمْ يَصْنَعُ خَطْوَةً عِنْدَ أَقْصَى طَرَفِ
 فَحَمَلْتُ عَلَيْهِ فَأَنْطَلَقَ بِي جَبْرِئِيلُ حَتَّى لَئِي
 السَّمَاءَ الدُّنْيَا فَاسْتَفْتَمَنِي فَقِيلَ مَنْ هَذَا قَالَ
 جَبْرِئِيلُ قِيلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قِيلَ
 وَقَدْ أُرْسِلَ إِلَيْكَ قَالَ نَعَمْ قِيلَ فَهَبْ بِيهِ فَبِعَمَةٍ
 الْيَحْيَى جَاءَ فَبِعَمَةٍ فَلَمَّا خَلَصَتْ فَلَذَّ إِفْبِيهَا أَدَمُ
 آدَمُ اسْتَأْذَنَ

صلوات
صلوات
صلوات
صلوات

صلوات
صلوات
صلوات
صلوات

[illegible]

فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَرَدَّ ثُمَّ قَالَ مَرْحَبًا يَا لَاحِ الصَّاحِ

پس سلام دادم بروے پس جواب سلام داد پس گفت او پس مرحبا ہو برادر صالح

وَالنَّبِيِّ الصَّاحِ ثُمَّ صَعِدَ بِي حَتَّى أَتَى السَّمَاءَ

صالح پستبر بلا برو مرا جبرئیل تا آنگہ آمد آسمان

الْخَامِسَةَ فَاسْتَفْتَيْتُ قَبِيلَ مَنْ هَذَا قَالَ جَبْرِئِيلُ

پس طلب کردم جبرئیل گفتاؤن در آسمان را گفتہ شد کہ کیست این کہ گفت جبرئیل منم جبرئیل

قَبِيلَ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَبِيلٌ وَقَدْ أُرْسِلَ

گفتہ شد و کیست با تو گفت جبرئیل محمد است گفتہ شد آیا و جبرئیل کہے فرستادہ است

إِلَيْهِ قَالَ نَعَمْ قَبِيلٌ مَرْحَبًا بِهِ فَنِعِمَّ الْبُحِّي جَاءَ

بہوئی وی گفت جبرئیل آرسے گفتہ شد مرحبا بہہ پس خوش آمدنی است آمد

فَلَمَّا خَلَصْتُ فَإِذَا هَارُونُ قَالَ هَذَا هَارُونُ

پس چون رسیدیم پس ناگاہ ہارون بود گفت جبرئیل این ہارون است

فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مَرْحَبًا

پس سلام دہ بروے پس سلام دادم بروے پس جواب سلام داد پس گفت ہارون مرحبا

يَا لَاحِ الصَّاحِ وَالنَّبِيِّ الصَّاحِ ثُمَّ صَعِدَ بِي حَتَّى

ہو برادر صالح و پستبر صالح پستبر برو مرا جبرئیل تا آنگہ

أَتَى السَّمَاءَ السَّادِسَةَ فَاسْتَفْتَيْتُ قَبِيلَ مَنْ هَذَا قَالَ

آمد جبرئیل آسمان ششم پس طلب کرد شادون در را گفتہ شد کہ کیست این کہ گفت

جَبْرِئِيلُ قَبِيلٌ وَمَنْ مَعَكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَبِيلٌ وَقَدْ أُرْسِلَ

جبرئیل گفتہ شد و کیست با تو گفت جبرئیل محمد است گفتہ شد آیا و جبرئیل کہے فرستادہ

[illegible]

خَلَصْتُ فَإِذَا لَبَّاهِيهِمْ قَالَ هَذَا أَبُوكَ
رسیدیم پس نگاه ایماجم علی السلام چون گفتند چوینک این پدرشست
فَسَلِّمْ عَلَيْهِ قَالَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ فَرَدَّ السَّلَامَ
پس سلام ده بر او گفتند آفتاب سلام ده بر او ایماجم سلام ده و در
قَالَ فَرَحًا يَا لِبْنِ الصَّائِرِ وَالْبَنِيِّ الصَّائِرِ
گفت ایماجم سرخا صایق و بنیگر صایق پس بنیگر و بنیگر
إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْقَى فَإِذَا أُنْفِقُهَا مِثْلُ قَدْلٍ وَهَرَوَ
سبوی سدره المنی پس ایماجم و آنند آوند ای بنیگر و بنیگر و بنیگر
إِذَا وَرَقُهَا مِثْلُ أَذَانِ الْفِيلَةِ قَالَ هَذَا هِسْدُكَ
ایماجم و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر
الْمُنْقَى وَإِذَا أَرْبَعَةُ أَعْمَامٍ فَنَهْرَانِ بَاطِنَانِ وَ
استیسا و ایماجم و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر
فَهَرَانِ ظَاهِرَانِ فَقُلْتُ مَا هَذَا بِنِهَاجِ مِثْلِ
و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر
قَالَ أَمَّا الْبَاطِنَانِ فَفَهْرَانِ فِي الْجَنَّةِ وَأَمَّا الظَّاهِرَانِ
گفت چوینک و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر
فَانْتَبِيلُ وَالْفَوَاتُ ثُمَّ رَفَعَ لِي الْبَيْتَ الْمَعْرُوفَ
و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر
أَتَيْتُ يَانَا مِنْ خَيْرٍ وَيَانَا مِنْ لَبَنٍ وَيَانَا مِنْ عَسَلٍ
آورد و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر و بنیگر

[illegible]

و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة
 و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة
 و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة

فَآخَذَتْ لَبَنَ فَقَالَ هِيَ الْفِطْرَةُ أَنْتَ عَلَيْهَا
 وَأَمَّتْكَ ثُمَّ فَرَضَتْ عَلَى الصَّلَاةِ خَمْسِينَ
 صَلَاةً كُلَّ يَوْمٍ فَرَجَعَتْ فَمَرَدَتْ عَلَى مُوسَى
 فَقَالَ يَا أُمُّتُ قَالَ أُمُّوتُ بِخَمْسِينَ صَلَاةً كُلَّ
 يَوْمٍ قَالَ إِنَّ أَمَّتْكَ لَا تَسْتَطِيعُ خَمْسِينَ صَلَاةً
 كُلَّ يَوْمٍ وَإِنِّي وَاللَّهِ قَدْ حَرَّبْتُ النَّاسَ قَبْلَكَ وَ
 عَاجَلْتُ بَنِي إِسْرَءِيلَ أَشَدَّ الْعَاجِلَةِ فَأَرْجِعْ إِلَى
 رَبِّكَ فَسَأَلَهُ التَّخْفِيفَ لِأَمَّتْكَ فَرَجَعْتُ فَوَضَعَ
 عَنِّي عَشْرًا فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى فَقَالَ مِثْلَكَ فَرَجَعْتُ
 فَوَضَعَ عَنِّي عَشْرًا فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى فَقَالَ مِثْلَكَ

۳۳۵

و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة
 و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة
 و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة

و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة
 و قال صلى الله عليه وسلم
 من صلى ركعتين قبل الفجر
 لم يمت حتى يرى مقعده في الجنة

آمَضَيْتُ فَرِيضَتِي وَخَفَفْتُ عَنْ عِبَادِي رَوَاهُ

البخاری فی صحیحہ فی کتاب الانبیاء فی باب

المعراج و رفاہِ مُسلم مع اخصار و تغیر فی

بَعْضُ الْأَلْفَاظِ فِي حَيِّهِ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ

در باب الاسراء وعن أبي سلمة بن عبد الرحمن

سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَا كَذَّبَنِي وَلَيْسَتْ

فَانْجِ فِجْلِي اللَّهُ لِي بَيْتَ الْمُقَدَّسِ فَطَقِّقْتُ أَحِبَّائِي

عَنْ آيَاتِهِ وَآنَا أَنْظُرُ إِلَيْهِ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ

در کتاب ملاخیار در باب الاسراء و روایت کرد این حدیث را

وہاں ان کے ہاتھوں میں ایک بڑا سا ٹکڑا تھا جس پر لکھا تھا: "میں نے اپنے رب سے دعا کی ہے کہ وہ تمہیں اپنا وارث بنائے۔" ان کے ہاتھوں میں ایک اور ٹکڑا تھا جس پر لکھا تھا: "میں نے اپنے رب سے دعا کی ہے کہ وہ تمہیں اپنا وارث بنائے۔"

[illegible]

فِي حَقِّهِ فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ فِي بَابِ الْإِسْرَاءِ
 الْبَابُ الْخَامِسُ عَشَرَ فِي شَفَاعَةِ النَّبِيِّ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الله عليه وسلم وكونه صلى الله عليه وسلم
 رحمة للعالمين قال الله تعالى في الزكوة
 ان الله يحب المتكفلين

مِنْ سُوْرٍ فِيْ اِسْرَآءِیْلِ وَمِنْ اَللّٰهِ جَعَلَهُ

یسنیدیم
روایت است از آدم بن علی که گفت
یَقُولُ إِنَّ النَّاسَ يَصْدُرُونَ يَوْمَ الْفِتْنَةِ جُثَى كُلِّ
کری گفت
أُمَّةٍ تَتَّبِعُ نَبِيَّهَا يَقُولُونَ يَا فُلَانُ اشْفَعْ يَا فُلَانُ
خواجه گزید
این عمر را
بروز نکات
مهر و سها
یسنیدیم

شَفَعْتُكَ حَتَّى تَنْتَقِيَ الشَّفَاعَةَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

[illegible][illegible]

[illegible]

این حدیث را
شیخ محمد بن اسماعیل بن حنبله
در مسند خود نقل کرده است

صحیح المسلمین قال القاضی
النووی فی شہرہ
دلائل

عبدالله بن عبدالمطلب
مجتبى الله له الدين
الذي لا ريب فيه

وسمى الكتاب
وسمى استراتيجيات
زيادة لتدريس حلالة
مؤامرات

عن موضح الاذنى
موضح كلامه

عن عیاض بن خنیس بن حذافه
قالت الکاتب

الحبيب المصطفى صلى الله عليه وسلم

یہاں لایا گیا عجیباً مضبوط
نہ امانت دار

عبد الشکور، تاج محل اور عالم الہدایۃ
میں سوسائٹی کے سربراہ ہیں
جس کا مقصد ہے کہ ان کے لئے ایک
کتاب لکھو جو ان کی زندگی میں
آپ باری تعالیٰ سے ملے گا

يَا مُوسَى أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ فَصَلِّكَ اللَّهُ بِرِسَالَتِهِ
 وَبِكَلامِهِ عَلَى النَّاسِ اشْفَعْ لَنَا إِلَى رَبِّكَ لِمَا تَرَى
 إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ إِنْ رَبِّي قَدْ غَضِبَ الْيَوْمَ
 غَضِبًا لَمْ يَغْضَبْ قَبْلَهُ مِثْلَهُ وَلَكِنْ يَغْضَبُ
 بَعْدَهُ مِثْلَهُ وَإِنِّي قَدْ قَتَلْتُ نَفْسًا أَوْ قَرَيْتُهَا
 نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي إِذْ هَبُوا إِلَى غَيْرِي أَذْهَبُوا إِلَى
 عَيْسَى فَيَا تُونَ عَيْسَى فَيَقُولُونَ يَا عَيْسَى أَنْتَ
 رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَةُ الْقَاهِلِ إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ
 وَكَلِمَةُ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا اشْفَعْ لَنَا لِمَا تَرَى
 إِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ عَيْسَى إِنْ رَبِّي قَدْ غَضِبَ

ای موسی تو پیشتر خدا هستی بزرگ و دوترا خدا بیشتر می شود
 و بکلام خود
 بر مردم
 شفاعت کن برای ما بسوی پدر و خود را بکلام خود
 ای ما نحن فيه
 در اینجا
 پس گوید حضرت موسی برانند برادر کارکن بختی خشم گرفت امروز
 غصبا لم يغضب قبله مثله ولكن يغضب
 خشمی که پیشتر نداشت قبل امروز مانند آن و برکن خشم خرا به گرفت
 بعدا مثله و انی قد قتلت نفسا او قریتها
 بعد امروز مانند آن و در آن زمین کشته نفسی را که امر کرده ام بمردم برای تکرار
 نفسی نفسی نفسی
 نفسی نفسی نفسی
 بروید بروید بسوی غیر من بروید بسوی
 عیسی فیا تون عیسی فیقولون یا عیسی انت
 حضرت عیسی پس برانند نزد حضرت عیسی پس گویند ای عیسی تو
 رسول الله و کلمه القاهل الى مریم و روح منه
 پیشتر خدا هستی و کلام خدا برسانید آن کلام را بسوی مریم و روح از جانب خدا
 و کلمه الناس في المهد صبیّا اشفع لنا لما تری
 و سخن گفتن با مردم در گهواره و در حالت کودکی شفاعت کن برای ما بسوی پدر و خود را
 الى ما نحن فيه فیقول عیسی ان ربی قد غضب
 بسوی ما نحن فيه در اینجا پس گوید حضرت عیسی برانند برادر کارکن بختی خشم گرفت

سیم

[illegible]

الْيَوْمَ غَضِبْنَاكَ يَغْضَبُ قَبْلَكَ مِثْلَهُ قَطُّ وَلَنْ يَغْضَبَ
 امروز غمگین کنی که غمگین کنی قبل امروز مانند آن هرگز و هرگز نخواهد گرفت
 بَعْدَ مِثْلِهِ وَلَمْ يَذْكُرْ ذُنُوبَ نَفْسِي نَفْسِي نَفْسِي اِذْ هَبُوا
 بعد از مانند آن و ذکر نکرد گناهان نفسی نفسی نفسی پس بپایند
 اِلَى غَيْرِي اِذْ هَبُوا اِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَا كُونَ
 پس بپای غیر من بروید پس بپای محمد صلی الله علیه وسلم پس بپایند نزد
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَقُولُونَ يَا مُحَمَّدُ اَنْتَ رَسُولُ
 محمد صلی الله علیه وسلم پس بگویند ای محمد تو پیغمبر
 اللهِ وَخَالَتُ الْاَكْبِيَاءَ وَقَدْ غَفَرَ اللهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ
 خدا هستی و خاتم پیغمبران و پیشینیان آمرزیده خدا بجای تو آنچه را پیش از گذشت
 مِنْ ذُنُوبِكَ وَمَا تَاخَّرَ اشْفَعُ لَكَ اِلَى رَبِّكَ الْاَكْبَرِ
 از گناه تو و آنچه که پس آمده شفاعت کن بجای رب بزرگوار خود را بپای خدا بزرگوار
 اِلَى مَا نَحْنُ فِيهِ فَاَنْطَلِقْ فَاِنِّي تَحْتَ الْعَرْشِ فَاَقُمُ
 پس بپای ما که در آنجا هستیم پس بروم پس بگویم نزد عرش پس بگویم در این
 سَاجِدًا لِي ثُمَّ يَقِفُ اللهُ عَلَيَّ مِنْ حَمَامَةٍ وَحُسْنِ
 ساجدانه در پیش من و خداوند برپا شد بر من از حمامه و نیکو و خوشایند و خوب
 الشَّاءِ عَلَيْهِ شَيْءٌ لَمْ يَقِفْهُ عَلَى أَحَدٍ قَبْلِي ثُمَّ يَقَالُ
 برخواستن خود پیش من که نشاءه آنرا بر هیچ کس پیش من بهتر گفته شود
 يَا مُحَمَّدُ اَرْقُ رَأْسَكَ سَلْ نِعْمَةً وَاشْفَعْ لَشَفْعِ
 ای محمد برادر سر خود را و طلب بگو بخوابی و داد خواهی از شفاعت کن بجای خود را بپای خدا بزرگوار

[illegible]

2019

قوله صلواتي على
عائدها

فقال العلامة الصقلي
في شرح معجم البحاري
استظهر

من جهة تكون المطلوب
الشهادة للأمانة

وذلك الحاصل من
الاستدلال

مَنْ لَمْ يَلْمِ يَلْمَ وَمَنْ لَمْ يَنْتَقِمْ يَنْتَقِمْ
مَنْ لَمْ يَنْصَحْ يَنْصَحْ وَمَنْ لَمْ يَنْجُزْ يَنْجُزْ

میں نے صابر اور فقیر قبیلہ کے دو
بزرگوں کو بھی بلایا۔

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ
وَقَدْ وَفَّقَ وَفَّقَ جَبَّوَانِي
يَسْتَفْعِدُونَ إِلَيْكَ

علیہ وسلم علیہ السلام

مَرْيَمَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۖ وَإِنَّكَ عَلِيمٌ خَفِيٍّ ۚ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَقْعَدَ صُرَاطِنَا هَذَا ۖ إِنَّكَ عَلِيمٌ غَلِيٍّ ۚ

الْإِيمَانِ فِي بَابِ اثْبَاتِ الشَّفَاعَةِ وَفِي حِكْمَتِهَا

باب اثبات الشفاة في حق من مات من غير ذنوب
عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنْ

کروایت است از انس که روایت کرد از پیغمبر علیه السلام و سلم پس نبیند مردم

پس مردم تا آنکه طلب اذن بکنم از رب خود پس اذن داده خواهد شد پس چون

دایت اری و بعت ساجد اید حی ماشاء تم
 بینم پردو کار خود را می افتم سید و کند
 پس بیک زار و در دو کارم از سید و کند

بقال ارفع راسك و سل تعطه و قل سمع
و اطلب بر من چوای داده شوی آنرا و بگو
نفس شود بر دامن خود را

وَأَشْفَعُ شَقِيمَ فَأَرْفَعُ رَأْسِي فَأَحْدُكُمُ بِتَحْمِيدِ

يَعْلَمْنَاهُ ثُمَّ أَشْفَعُ فَيُحْدِثُ حَدًّا أَفْذَخَهُمُ الْجَنَّةَ

پس در آرم ایشان را و بدشت

پستری بگردم بدرگاه خدا پس چون
 یمنیم پروردگار خود را کنم مانند سابق پستری شفاعت کنم

پس منکرند به درد کار برای من **هس** پس در آرم ایشان را در پشت پشتر از گردنم بپوشم تا بپایدم

ما قول ما بقى في النار الامن حبيسه القرآن
 ليس كوني بالي نذره در آتش كمر كمره حبس كرده اورا قرآن

وَوَجَبَ عَلَيْهِ الْخُلُودُ دُرَّوَاهُ الْبُخَارِيُّ فِي صَحِيحِهِ
وواجب گردید بر وی صلا همیشه بودن در دوزخ روایت کرد این حدیث را بخاری در صحیح بخاری
 فِي أَوَّلِ كِتَابِ التَّفْسِيرِ وَقَالَ لَا مَنَ حَبْسَهُ
در شروع کتاب التفسیر و گفت بخاری لا من حبسه
 الْقُرْآنُ يَعْنِي قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَالِدِينَ فِيهَا
القرآن یعنی قول خدای برتر و بزرگ خالیدین فیها
 وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ مَعَ تَغْيِيرٍ يَسِيرٍ فِي بَابِ اثْبَاتِ
روایت کرد این حدیث را مسلم با تغییر اندک در باب اثبات
 الشَّفَاعَةِ الْمَذْكُورِ وَعَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جَابِرٍ
آن باب که ذکر کرده شد روایت است از حماد و او روایت کرد از عمرو بن جابر
 أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ يُخْرَجُ مِنْ
که بر آنست پیغمبر صلی الله علیه و سلم گفت بیرون آیند از
 النَّارِ بِالشَّفَاعَةِ كَانْتَهُمُ الشَّعَائِرُ قُلْتُ وَالشَّعَائِرُ
آتش دوزخ بشفاعت گویند ایشان شعائر اند گفتند و شعائر
 قَالَ الضَّغَائِرُ وَكَانَ قَدْ سَقَطَ فَمَنْ قُلْتُ لِعَمْرٍو
گفت ضغائیر یعنی نیار خرد و نزد بعضی گویا ضغید و بود و که گفته بودند و همان او پس گفت عمرو
 ابْنُ دِينَارٍ أَبَا مُحَمَّدٍ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ
بن دینار را ای ابامحمد از شنیدم جابر بن عبد الله که می گفت
 سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يُخْرَجُ
شنیدم از پیغمبر صلی الله علیه و سلم که می گفت بیرون آیند

قال من قال هذا
 الضغائير من صفات الشقا
 من من قال هذا
 انهم بالشعائر است
 قول ابن جابر
 انهم بالشعائر
 داری صابر افشاء
 واحد ضغائير من قبل
 به نسبت به نسبت شفا
 اصول الثمام ليشبه
 المليون يسكن بالضل
 والزيوت دوقلى استنى

بِالشِّفَاعَةِ مِنَ النَّارِ قَالَ نَعَمْ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ

فِي صَيِّمِهِ فِي كِتَابِ الرِّقَاقِ فِي بَابِ صِفَةِ

الْحَجَّةُ وَالنَّارُ وَرَوَاهُ مُسْلِمٌ مِنْ قَوْلِهِ قُلْتُ

عَمْرُو بْنُ دِينَارٍ إِلَى أَخِي أَخْبَدِثَ مَعَ تَغْرِيبِ بْنِ

فِي بَعْضِ الْأَفْظِ فِي بَابِ إِثْبَاتِ الشَّفَاعَةِ

الْمَذْكُورُ وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ان بابا را غلو رشتند و روايت است از ابي سعيد كه گفت گفت و پيغمبر خدا
 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَ

لَا خَيْرَ وَآنَا أَوَّلُ مَنْ تَنْشِقُ الْأَرْضُ عَنْهُ

یوم القيمة ولا فخر وانا اقول شافعہ واول شافعہ

فوقہ قال تفسیر

ایک سال پہلے

القائمين

مجلس الشورى

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

مستغنی و اجتناب

الإمام

پیشہ و تجارت

عزائي القسطه

مفتی محمد تقی عثمانی

مجلس شورای اسلامی

مرکز انفرا دہ

الحقبة السادسة
في اللغات الأجنبية

برای

میں نے کہا کہ میں نے یہ سب سنا ہے۔

۱۰۰

५

انفادہ: ۱۰۰

الحديث في فضائله

وہاں سے لے کر اب تک

میں نے

في قبحه قال لا اخرج
عليه فذبح

نہاں سے پہلے

مجلس الشورى

کے لئے اور وہ وہاں ملا شفا

عمر الفدين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باب و
تفصیل

لأنه متعلق بالآخرين
سبحي الخرس الا اذا
الـ

مراجعة

[illegible]

(The page contains dense handwritten Arabic script, likely from a manuscript or historical document.)

[illegible]

سُنِّيهِ هَذَا اخْوَمَا اَرَدْنَاهُ فِي هَذَا التَّكْلِيفِ وَ
سنة دومی این آفرانست که خواستیم آنرا درین تکلیف و
كَانَ الْفَرَاغُ مِنْهُ بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي شَهْرِ اللَّهِ
شد فراغت ازین تکلیف بتوفیق خدا ی برتر و بزرگ در ماه خدا
مُحَرَّمِ الْحَرَامِ مِنْ شُهُورِ السَّنَةِ السَّابِعَةِ مِنْ الْمِلَّةِ
محرم الحرام از جمله ماههای سال هفتم از صدی
الرَّابِعَةِ بَعْدَ الْآلِافِ مِنْ هِجْرَةِ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ
چهار بعد یک هزار سال از هجرت سودار جهان
صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَأَمَّتِهِ
درود و بزرگوار خدا ی تعالی بر او و آل و اصحاب و امت او
أَجْمَعِينَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
چنان و بر وشتگان و انبیاء و مرسلان
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بر رحمت خود ای ارحم الراحمین

۲۵۱

	خاتمة الكتاب	
	من جانب مطبع	
	بسم الله الرحمن الرحيم	
اللهم لك الحمد والشان ولك العظمة والكبرياء فصل وسلم على رسولك محمد المرسل		

و علی الامام صفیاء و سیمیه الاثقیاء بعد تسمیه حیدر و نعت برضا کریم و فی صفیاء اهل بیرو و اتقا
 معنی و سبب سبب و درین قرب زمان و حسین توان که مردمان اهل ایمان از لکات
 و اتباع خدا و بنی محبتی متراوان و از انظار و تبیان فضیلت و بیان حقوق مصطفی
 و کما سدر حیدر که باین حالت پر ملائکت کتابی که نور علی نور و موصل الی الهدی و هدیه
 لاولیاء و الاصفیاء السنی تحفه الاثقیاء فی فضائل سید الانبیاء و معرب و مترجم
 مع حواشی مفیده مولفه مصنفه عالم طیبی فاضل و ذی محب امام جواد الطیب است
 جناب حافظ مولوی محمد عبید الو احد صاحب مولوی غازی پوری سلمه الباری
 تلمیذ ارشد شیخ اجل فخر ہند و شان غفران مآب مسلم ہر شیخ و شاب جناب مولانا
 مولوی ابوالحسنات محمد عبدالحی صاحب طباب اللہ فراد و جبل البیضاء مشواہ کلمی
 فرنگی محلی بحسن اہتمام و محبت بالاکلام مولانا مولوی محمد شبلی صاحب و زلیخ اسلام علیہ السلام
 اساطیر ملکان بتاریخ ۱۵ ذیقعد ۱۳۸۵ھ از طبع طبع آراستہ و صحیح عالم طیب
 اللہم جملہ متداو لا لازکیاء و اصلیاء *

صورۃ ما حردہ عمدۃ الکاملین «نہدۃ الماہرین» العالم
 بالعلوم العقلیۃ «الجامع للکات الملکیۃ» مولانا
 مولوی محمد شبلی سلمہ اللہ العلی القوی مقرر کا
 علی تحفه الاثقیاء فی فضائل سید الانبیاء
 الحمد لمن عزمن عقول العقلاء و مدارک الحكماء و الذی یمتثل لکامرین

ابو الطیبات محمد عبد الواحد التلیذ الکنند من تلامذۃ
 الشیخ الاجل فقر الفضل دحجة العلماء مولانا الحاج المحافظ ابی الحسن
 محمد عبدالحی الکنوی اسکند الله الفردوس بفضل الخف والمجلی
 فسماء بخفة الکنفیاء فی قضا ئل سید الاشیاء قد اور حنفیہ الاخذ
 العیصۃ والامار الشریفۃ مبانیہ کانها الیا قوت والمرجان ومعانیہ
 لمید رکہ قبلہ انس ولاجان حقانقر علیہا الاصفیاء ولطائفہ
 ید رکہا الکنفیاء ربنا تقبلہ بقبول حسن والحق حسنه فی قلوب
 کملاء الزمن واجعله مثلاً لابین العلماء والفضلۃ بحمۃ النبی
 سید الاشیاء وانا الراجی رحمة ربه القوی محمد شیلی ابن مولانا
 الحاج المولوی ولی الله صاحب اداء الله تعالی
 الموی الاعظم گدھی

قطعہ سال دلا وزیر تالیف کتاب مولوی محمد عبد الواحد صاحب
 ازنتلج طبع عالی جناب مولوی محمد عبد الواحد صاحب شمشاد لکنوی
 نیجورد رستہ چشمہ رحمت اسکول غازی پور

مولوی عید و احد از فضلا در تصانیف انت و حمد و ثنا بہر تفریح قلب اہل صفا	کرد تالیف سیرت نبوی کوست امروز بیتی ثانی وہ چہ زیبا کتاب جمع نمود
---	---

<p>حرفت مست معدن انوار نقطه اش خالِ حور و سطرش زلف از دلا و دیزی بیانش پیرس</p>	<p>لفظ لفظ است کان صنو جنبیا کا خندش صاف از رخ حور ز نور ایمان ز طسیر آن پیدا</p>
<p>گفت شمشاد سال تالیفش تحفه انقیاب و راه نیا</p>	
<p>از ستیج طبع گرامی جناب حافظ مولوی محمد علی صاحب وکیل قاری حنفی صدیقی رئیس موضع سرولی ضلع غازی پور قطعه سال انجام تحفه انقیاب از بندہ بیکارہ محمد علی</p>	
<p>جیب ماکہ ز نولی ست عبید و اجذا خداش باد نگہبان کہ در زمانہ ما نمود جمع بہ ترتیب نیک حسن یان کیمین شامی و انیت کاین سالہ فیض باتقیاب رسانید فرود جان بخشش منا و در دل قاری خیال تالیفش</p>	<p>سپر قدرت عالی جهان فضل و علو درین دیار نہا شد کہے بجلسم خدو شامل نبوی از کتاب و سنت او جوہر ستہ ایست ز نگہمای خلد بانو کہ تحفه ز حق آمد برای شان بر رو بہ ختم آمدہ چون آن رسالہ نیکو</p>
<p>بخواند مصرع پاکیزہ ملهم غیبی فضائل نبوی را بیان بود و بگو شمار ۱۳۵</p>	

از نتایج فکر جان جناب مولوی صدر الدین احمد صاحب کیفی رئیس غازی پور
خلعت الصدق جناب شیخ حافظ محمد عبداللہ صاحب حنفی صدیقی
قطعه سال نزول تحفہ اتقیا از صدر الدین کیفی

سہ ماہ

جان خرو جنان علم روح شوق مدائن شہرت نام نہایش گشتہ بید و آجرت فضل رسول آؤر ازیم صحیح و صحاح تحفہ اتقیا شام کرد و زہر نفی غلام تحفہ اتقیا دلاہست چنان خزینہ قاری خوش بیان مری قطعه سال نو آؤ	پیش علوی تبتش خود بود اعتلا مجمل آمدہ نولیش مقام ہر قیام آب و گل چیدہ ملک رکشید دست بیان غم گل ترجمہ اش چو نور ساخت بارہ و متصل کامدہ پیش قیمتش بقدر تمام مضحل گفت بمن سوش غیب ید را چشتنل
--	---

کیفی خوش نوا بگو صرہ سال ختم آن
تحفہ اتقیا بود حامی جان قلب دل

سہ ماہ

از نتایج فکر گہر بار جناب حکیم سید محمد ایوب صاحب صابر
رئیس قصبہ موہان ضلع اودنام ملک اودہ یتیم شہر غازی پور
ہدیہ قطعه سال انجام تحفہ اتقیا مولوی عبداللہ اسعد از محمد ایوب

مولوی عبد الواحد کنگرہ فضل	اندازہ یہ سلیع شد بلبند لوا
----------------------------	-----------------------------

شهر نشن جلوه نمود پس خوش نموده بسینه اش داد دور روشن سیر یک جا ز انقیاس از اسعد امارا بهر تاریخ شد بن ایسا آمد از انغم بگوشتش ندا	ستم گرچه دیه صوری او مهر قرآن و قلزم سنت زور آورد و تخطئه فرمود نقطه انقیاس نداشتش نام از محمد علی دالماجاه بر سبب خیال چون بردم
--	---

صاحب اینست مصرع تاریخ
نقطه انقیاس و سیر ولا
سنة ۱۳۰۸

قطعه تاریخ طبع کتاب از کلک گهر سلک جناب
مولوی حکیم محمد عبدالغنی صاحب غازی پوری

موسوم باسم عبید و احد هم زاهد است و نیز عابد اکثر خلق زمانه است حاد	علامه وحافظ و محدث وصفش آمد برون ز تحت تالیف نمود خوش کتاب
---	--

مطبوع چو گشت سال طبعش
پیدا است زار مغان زاهد
۱۳۰۹

4733
61A

صحت نامه ترجمه نسخه الائقیانی فضائل سید الانبیا

ردیف	غلط	صحیح	ردیف	غلط	صحیح	ردیف	غلط	صحیح	ردیف	غلط	صحیح
۱	۵	ریت	۱۰	۵۰	روایت	۱۰	۵۰	روایت	۱۰	۵۰	روایت
۲	۶	یش	۱۱	۵۱	پند	۱۱	۵۱	پند	۱۱	۵۱	پند
۳	۷	س	۱۲	۵۲	پس	۱۲	۵۲	پس	۱۲	۵۲	پس
۴	۸	ادایت	۱۳	۵۳	روایت	۱۳	۵۳	روایت	۱۳	۵۳	روایت
۵	۹	ووسلم	۱۴	۵۴	ووسلم	۱۴	۵۴	ووسلم	۱۴	۵۴	ووسلم
۶	۱۰	گزار	۱۵	۵۵	گزار	۱۵	۵۵	گزار	۱۵	۵۵	گزار
۷	۱۱	من	۱۶	۵۶	من	۱۶	۵۶	من	۱۶	۵۶	من
۸	۱۲	گزار	۱۷	۵۷	گزار	۱۷	۵۷	گزار	۱۷	۵۷	گزار
۹	۱۳	نیرون	۱۸	۵۸	نیرون	۱۸	۵۸	نیرون	۱۸	۵۸	نیرون
۱۰	۱۴	مسلمانان	۱۹	۵۹	مسلمانان	۱۹	۵۹	مسلمانان	۱۹	۵۹	مسلمانان
۱۱	۱۵	بعیث	۲۰	۶۰	بعیث	۲۰	۶۰	بعیث	۲۰	۶۰	بعیث
۱۲	۱۶	بند	۲۱	۶۱	بند	۲۱	۶۱	بند	۲۱	۶۱	بند
۱۳	۱۷	برسن	۲۲	۶۲	برسن	۲۲	۶۲	برسن	۲۲	۶۲	برسن
۱۴	۱۸	بستر	۲۳	۶۳	بستر	۲۳	۶۳	بستر	۲۳	۶۳	بستر
۱۵	۱۹	وسلم	۲۴	۶۴	وسلم	۲۴	۶۴	وسلم	۲۴	۶۴	وسلم
۱۶	۲۰	بشت	۲۵	۶۵	بشت	۲۵	۶۵	بشت	۲۵	۶۵	بشت
۱۷	۲۱	ازد	۲۶	۶۶	ازد	۲۶	۶۶	ازد	۲۶	۶۶	ازد
۱۸	۲۲	سهر	۲۷	۶۷	سهر	۲۷	۶۷	سهر	۲۷	۶۷	سهر
۱۹	۲۳	ردی	۲۸	۶۸	ردی	۲۸	۶۸	ردی	۲۸	۶۸	ردی
۲۰	۲۴	وسلم	۲۹	۶۹	وسلم	۲۹	۶۹	وسلم	۲۹	۶۹	وسلم
۲۱	۲۵	تستقیم	۳۰	۷۰	تستقیم	۳۰	۷۰	تستقیم	۳۰	۷۰	تستقیم
۲۲	۲۶	دزد	۳۱	۷۱	دزد	۳۱	۷۱	دزد	۳۱	۷۱	دزد
۲۳	۲۷	دآورده	۳۲	۷۲	دآورده	۳۲	۷۲	دآورده	۳۲	۷۲	دآورده
۲۴	۲۸	نواکم	۳۳	۷۳	نواکم	۳۳	۷۳	نواکم	۳۳	۷۳	نواکم
۲۵	۲۹	نواکم	۳۴	۷۴	نواکم	۳۴	۷۴	نواکم	۳۴	۷۴	نواکم
۲۶	۳۰	نواکم	۳۵	۷۵	نواکم	۳۵	۷۵	نواکم	۳۵	۷۵	نواکم
۲۷	۳۱	نواکم	۳۶	۷۶	نواکم	۳۶	۷۶	نواکم	۳۶	۷۶	نواکم
۲۸	۳۲	نواکم	۳۷	۷۷	نواکم	۳۷	۷۷	نواکم	۳۷	۷۷	نواکم
۲۹	۳۳	نواکم	۳۸	۷۸	نواکم	۳۸	۷۸	نواکم	۳۸	۷۸	نواکم
۳۰	۳۴	نواکم	۳۹	۷۹	نواکم	۳۹	۷۹	نواکم	۳۹	۷۹	نواکم
۳۱	۳۵	نواکم	۴۰	۸۰	نواکم	۴۰	۸۰	نواکم	۴۰	۸۰	نواکم
۳۲	۳۶	نواکم	۴۱	۸۱	نواکم	۴۱	۸۱	نواکم	۴۱	۸۱	نواکم
۳۳	۳۷	نواکم	۴۲	۸۲	نواکم	۴۲	۸۲	نواکم	۴۲	۸۲	نواکم
۳۴	۳۸	نواکم	۴۳	۸۳	نواکم	۴۳	۸۳	نواکم	۴۳	۸۳	نواکم
۳۵	۳۹	نواکم	۴۴	۸۴	نواکم	۴۴	۸۴	نواکم	۴۴	۸۴	نواکم
۳۶	۴۰	نواکم	۴۵	۸۵	نواکم	۴۵	۸۵	نواکم	۴۵	۸۵	نواکم
۳۷	۴۱	نواکم	۴۶	۸۶	نواکم	۴۶	۸۶	نواکم	۴۶	۸۶	نواکم
۳۸	۴۲	نواکم	۴۷	۸۷	نواکم	۴۷	۸۷	نواکم	۴۷	۸۷	نواکم
۳۹	۴۳	نواکم	۴۸	۸۸	نواکم	۴۸	۸۸	نواکم	۴۸	۸۸	نواکم
۴۰	۴۴	نواکم	۴۹	۸۹	نواکم	۴۹	۸۹	نواکم	۴۹	۸۹	نواکم
۴۱	۴۵	نواکم	۵۰	۹۰	نواکم	۵۰	۹۰	نواکم	۵۰	۹۰	نواکم
۴۲	۴۶	نواکم	۵۱	۹۱	نواکم	۵۱	۹۱	نواکم	۵۱	۹۱	نواکم
۴۳	۴۷	نواکم	۵۲	۹۲	نواکم	۵۲	۹۲	نواکم	۵۲	۹۲	نواکم
۴۴	۴۸	نواکم	۵۳	۹۳	نواکم	۵۳	۹۳	نواکم	۵۳	۹۳	نواکم
۴۵	۴۹	نواکم	۵۴	۹۴	نواکم	۵۴	۹۴	نواکم	۵۴	۹۴	نواکم
۴۶	۵۰	نواکم	۵۵	۹۵	نواکم	۵۵	۹۵	نواکم	۵۵	۹۵	نواکم
۴۷	۵۱	نواکم	۵۶	۹۶	نواکم	۵۶	۹۶	نواکم	۵۶	۹۶	نواکم
۴۸	۵۲	نواکم	۵۷	۹۷	نواکم	۵۷	۹۷	نواکم	۵۷	۹۷	نواکم
۴۹	۵۳	نواکم	۵۸	۹۸	نواکم	۵۸	۹۸	نواکم	۵۸	۹۸	نواکم
۵۰	۵۴	نواکم	۵۹	۹۹	نواکم	۵۹	۹۹	نواکم	۵۹	۹۹	نواکم

بقیه حاشیه صفحه ۱۱۴

کالوج بالمدقان لاین الهامه متنی
 و ثبت بالمدان الکلیه تیس الاحادیث
 و غیره علی الائقیانی و حلیه اسعلا علی سلم
 سید الناس المعبین علی فضل العالین
 تقی بول آدم متبع الانسان
 لیس عیدیل هوادقی لتوفیق معانی
 الامام دیش و اسد اعلم بالصواب
 ۵۲ قد ذکر مع النبی ص علیه
 وسلم فی دعوه لتبغ الموال و کسر
 فی البیوتین طعام یخول لانا اهل
 و کما یبغی الذراع فیه لانا اهل
 یخصوا و اخضع علی المله و اسرع

فهرس ما في تحفة الاقتباء في فضائل سيد الانبياء من الابواب

صفحة	ابواب
٥	الباب الاول في شفقة سيدنا محمد صلى الله عليه وعلى اله واصحابه وسلم على امته
٢٠	الباب الثاني في بيان محبة الله تعالى بالنبي صلى الله عليه وعلى اله واصحابه وسلم
٢٥	الباب الثالث في اكرام النبي صلى الله عليه وعلى اله يقتال الملائكة معه صلعم
٣٠	الباب الرابع في الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم والسلام عليه
٣٥	الباب الخامس في توقير النبي صلى الله عليه وسلم
٤٥	الباب السادس في حكم المحبة بالنبي صلى الله عليه وسلم
٤٩	الباب السابع في اتباع النبي صلى الله عليه وسلم
١١٣	الباب الثامن في بيان ان النبي صلى الله عليه وسلم افضل الانبياء والمرسلين عليهم صلوات رب العالمين
١٢٤	الباب التاسع في دعوة سيدنا ابراهيم عليه السلام لمبعث النبي صلى الله عليه واله في اول شان النبي صلعم وميلاده
١٣٣	الباب العاشر في حلية نبي صلى الله عليه وسلم
١٥٤	الباب الحادي عشر في اخلاق النبي صلى الله عليه وسلم وشمائله
١٤١	الباب الثاني عشر فيما كان عليه الناس في الجاهلية من الضلالة وفي بيان الوحي الى رسول الله صلى الله عليه وسلم وبعثه وكونه صلعم خاتم النبيين
١٩١	الباب الثالث عشر في علامات النبوة والمعجزات
٢٢٥	الباب الرابع عشر في المعراج
٢٣١	الباب الخامس عشر في شفاعته النبي صلى الله عليه وسلم وكونه صلعم رحمة للعالمين

